



طرح الہی، انتخاب شما

New Life Programme

طرح الہی، انتخابِ شما

نوشتہ جی. لول ہراپ
ترجمہ فریدون موخوف

Global University

ELAM PUBLICATIONS

انتشارات ایلام - انگلستان ۱۹۹۵

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

GOD'S DESIGN – YOUR CHOICE

By: J. Lowell Harrup

GLOBAL UNIVERSITY

6300 N. Belt Line Road

Irving, Texas 75063

U.S.A.

ناشر (PUBLISHER)

ELAM PUBLICATIONS

GRENVILLE, GRENVILLE ROAD.

SHACKLE FORD, GODALMING,

SURREY GU8 6AX

ENGLAND

عنوان درس	شماره صفحه
سخنی با خواننده	۰
آیا خدا واقعاً نقشه‌ای دارد؟	۱
آیا خدا قدم بعدی را به من نشان خواهد داد؟	۲۰
آیا خدا بیش از اندازه توقع دارد؟	۳۹
آیا از نقشه الهی منحرف شده‌ام؟	۶۱
آیا مسیحی بودن کافی است؟	۸۱
خدا چگونه می‌تواند با من سخن گوید؟	۱۰۰
آیا عیسی نقشه الهی را می‌دانست؟	۱۲۲
چگونگی می‌توانیم به آینده ره یابیم؟	۱۳۸

سخنی با خواننده

خدا چه نقشه‌ای برای شما دارد؟ آیا تابحال در این زمینه تعمق کرده‌اید؟ شاید اخیراً به مسیح ایمان آورده‌اید و شاید هم سالها پیش، اما بهر حال این امکان وجود دارد که در مسیر پیروی از مسیح سؤالاتی چند در ذهنتان ایجاد شود:

حال که من مسیحی هستم، خدا از من چه انتظاری دارد؟ خدا چگونه به من خواهد گفت که از من چه می‌خواهد؟ اگر هم زمانی برسد که بفهمم خدا از من چه می‌خواهد، چگونه باید دست به انجام آن بزنیم؟ اگر مشکلات و ناراحتی پیش آیند، آیا آنها را می‌توان به این معنی دانست که من از نقشه الهی منحرف شده‌ام؟ در مورد آینده چطور؟ خدا آینده را چگونه به من نشان خواهد داد؟ و من در مقابل آنچه که او آشکار می‌کند چه عکس‌العملی باید نشان دهم؟

این دوره درسی به شما کمک می‌کند تا پاسخ سؤالات فوق را پیدا کنید. در حین مطالعه مطالب بیشتری در مورد نقشه خدا خواهید فهمید و برای شما روشن خواهد شد که چگونه می‌توانید آن را انتخاب و از آن پیروی کنید. در این مطالعه خواهید دید که شما در حال حاضر هم قسمتی از نقشه او هستید و خدا مایل است که به شما آنچه را که باید انجام دهید، نشان دهد. این کتاب شما را قادر خواهد ساخت تا آنچه را که می‌آموزید، در زندگی روزانه مسیحی بکار ببرید.

این دوره در مطالب خود از روشهای جدید آموزشی کمک می‌گیرد تا بتوانید اصول اساسی را به آسانی فراگیرید و بی‌درنگ آنها را به مرحله عمل برسانید.

کتاب راهنمای شما

"نقشه الهی - انتخاب شما" کتاب کوچکی به قطع جیبی است و شما می‌توانید همه جا آن را با خود داشته باشید و در اوقات بیکاری مطالعه کنید. سعی کنید در هر روز زمان مشخص را برای مطالعه تعیین کنید.

دو صفحه اول هر درس را بدقت بخوانید. این دو صفحه ذهن شما را نسبت به بقیه درس آماده می‌کند. پس از آن، درس را قسمت به قسمت مطالعه کرده و بخش "آنچه باید انجام دهید" را پاسخ گوید. اگر در کتاب درسی برای نوشتن پاسخ سؤالات فضای کافی وجود ندارد، می‌توانید جوابهای را در دفتر یادداشت خود بنویسید تا بتوانید در حین مرور درس به آنها نیز مراجعه کنید. اگر این دوره را همراه با گروهی مطالعه می‌کنید، در اینصورت لازم است که از آنچه که رهبر گروه می‌گوید، پیروی نمایید.

به سؤالات چگونه پاسخ دهید

در این کتاب راهنما، انواع گوناگونی از سؤالات مطرح شده‌اند. در زیر، نمونه‌هایی از این سؤالات را برایتان انتخاب کرده‌ایم تا بدانید آنها را چگونه پاسخ دهید:

انتخاب پاسخ صحیح از بین چند پاسخ

در این گونه سؤالات شما بایستی پاسخ صحیح را از بین پاسخهای داده شده، انتخاب کنید.

نمونه اینگونه سؤالات:

۱- کتاب مقدس کتابی است مشتمل بر

(a) ۱۰۰ کتاب

(b) ۶۶ کتاب

(c) ۲۷ کتاب

پاسخ صحیح این سؤال مورد ب - ۶۶ کتاب می‌باشد. در کتاب راهنمایان دور مورد ب - خط بکشید.

۱- کتاب مقدس کتابی است مشتمل بر

(a) ۱۰۰ کتاب

(b) ۶۶ کتاب

(c) ۲۷ کتاب

در برخی از این گونه سؤالات ممکن است بیش از یک پاسخ صحیح وجود داشته باشد، در این صورت در مقابل هر یک از آنها علامت بگذارید.

نمونه این گونه سؤالات:

۲- کدامیک از جملات زیر صحیح‌اند؟

- (a) کتاب مقدس کتابی است مشتمل بر ۱۲۰ کتاب.
- (b) کتاب مقدس پیغامی است برای مؤمنین امروز.
- (c) تمام نویسندگان کتاب مقدس در نگارش خود از زبان عبری استفاده کرده‌اند.
- (d) روح القدس در نگارش کتاب مقدس به نویسندگان آن الهام بخشیده است.

موارد ب و د صحیح‌اند. شما بایستی دور این دو مورد را خط بکشید تا انتخابتان مشخص شود، درست همانند نمونه‌ای که مشاهده کردید.

سؤالات ارتباطی

در این گونه سؤالات از شما خواسته می‌شود تا یک سری از موارد را با یک سری دیگر مربوط کنید. مثلاً نامها را با توصیفاتشان و یا کتابهای کتاب مقدس را با نویسندگانشان.

نمونه از اینگونه سؤالات:

۲- در موارد زیر نام هر یک از رهبرانی را که کارهایشان توصیف شده است، مشخص کنید.

(e) شریعت را در کوه سینا از خداوند گرفت.

(f) قوم بنی اسرائیل را در عبور از اردن هدایت کرد.

(g) اریحا را هفت بار دور زد.

(h) در دربار فرعون زندگی نمود.

موارد الف و د به موسی اشاره دارند و موارد ب و ج به یوشع. در کنار مورد الف و د شماره ۱ و در کنار موارد ب و خ شماره ۲ را قرار دهید.

گزارش دانشجویی شما

اگر هدف شما از مطالعه این درس دریافت گواهینامه نیز باشد، دفترچه سؤالات تحت عنوان "آزمون نهایی" در اختیار تان گذاشته می شود. این کتابچه به دو بخش تقسیم شده است. کتاب راهنمای شما زمان پاسخ به هر یک از دو بخش را برایتان مشخص خواهد ساخت. از دستورالعملی که در کتاب راهنما در رابطه با ارسال گزارش دانشجویی تان به دفتر نمایندگی ICI، پیروی کنید. آدرس این سازمان در کتاب راهنمای تان خواهد بود و اگر نباشد می توانید گزارش خود را به آدرس بروکسل ارسال کنید.

سخنی در مورد نویسنده

کشیش "ج. لول هَراپ" فارغ التحصیل دانشکده Southern College لیک لند فلوریدا، در حال حاضر شبانی مرکز مسیحی بروکسل بلژیک را بر عهده دارد. کشیش هاروپ پیش از عزیمت به بلژیک، مدت ۱۳ سال در الکساندریای ویرجینیا نزدیک واشنگتن دی. سی به شبانی اشتغال داشته است.

از جمله فعالیتهای دیگر کشیش هاروپ می‌توان به خدمت موعظه او در اردوگاههای خانوادگی، جلسات خادمین، و رهبری سمینارها اشاره کرد. او در مدارس متوسطه و دانشگاهی نیز به جوانان خدمت کرده است. او در نگارش این کتاب سعی کرده است تا آنجا که ممکن است، بصیرتی را که در طی سالها تجربه در مطالعه کلام خدا و برخورد و مشارکت با افراد مختلف در گروهها و زمینه‌های مختلف کسب کرده است، بگنجاند.

اکنون شما این آمادگی را یافته‌اید تا درس ۱ را شروع کنید. خداوند شما را در این مطالعه برکت دهد.

درس ۱

آیا خدا واقعاً نقشه‌ای دارد؟

چیزهای زیادی هستند که وقوع آنها بنظر تصادفی و شانسی می‌رسند.

در مصر سه بنای غول پیکر وجود دارند که به اهرام ثلاثه موسوم‌اند. این هرمها بسیار بزرگ و حجیم‌اند و چند هزار سال است که استوار بر جای خود ایستاده‌اند. سنگهایی که در بنای آنها بکار رفته‌اند، آنچنان دقیق و جفت هم هستند که برای نگاه داشتن و محکم کردن آنها در جای خود اغلب نیازی به شفته و آهک نیست. آیا یک چنین بنایی را می‌شد تنها با کنار هم چیدن سنگها بوجود آورد؟ نه می‌دانیم که بنای آنها بدین طریق صورت نگرفت.

در آن روز، در جایی معماری بود که پیش از بنای این هرمها می‌دانسته که بعد از اتمام کار، شکل آنها چگونه خواهد بود. او آنها را طرح‌ریزی کرده بود. او نقشه بنای آنها را کشیده بود و زمانی دست به کار بنای آنها زد که مطمئن شد تمام مصالح مورد نیاز را در اختیار دارد. پس از آن بود که هدایت هزاران انسان را به عهده گرفت تا کاملاً مطمئن گردد که هرکس وظیفه‌ای را که به عهده‌اش گذاشته شده است، انجام می‌دهد. بدون تردید، در حین انجام کار مشکلات زیادی بروز می‌کرد. بعضی ها دست از کار می‌کشیدند و

دیگران هم سهم کار آنها را انجام نمی‌دادند. اما معمار فوق آنقدر به کار ادامه داد تا اینکه کار بنای اهرام تمام شد.

چند لحظه در ذهن خود هزاران کارگر را با آن ستونهای سنگی عظیم تصور کنید. چه چیزی می‌تواند بدون وجود طرح و نقشه‌ای بنا گردد؟ در این درس از نقشه خدا با شما سخن خواهد رفت و حتی بیشتر از آن، در خواهید یافت که خدا برای شما هم نقشه‌ای دارد.

آنچه در این درس خواهید خواند...

خدا برای هر چیزی طرحی دارد
 خدا برای مردم طرحی دارد
 دیگران طرح الهی را تجربه کرده‌اند
 شما هم می‌توانید طرح خدا را تجربه کنید

این درس به شما کمک خواهد نمود تا...

- ☐ مفهوم و مقصود از "طرح الهی" را تشریح کنید
- ☐ مشخصات طرحی را که خدا برای انسانها دارد، توصیف نمایید
- ☐ از تجربیات زندگی شخصیت‌های کتاب مقدس، نتایجی را در رابطه با نقشه الهی کشیده و بیان دارید

خدا برای هر چیزی طرحی دارد

خدا برای هر چیزی طرحی دارد. خدا به ایوب فرمود که در ابتدای خلقت، او تعیین کنندهٔ عمق اقیانوسها بوده، همچنین آفتاب کی طلوع کند، و زمین به چه اندازه‌ای باشد. او خلقت ستارگان را طرح‌ریزی کرده و رعد و برق را آفرید. خدا حتی چگونگی تولد حیوانات را هم طرح‌ریزی کرد. او بوده که به گاو قدرت بخشیده و به اسب عظمت. او عقاب را قادر ساخت تا به اوج بلندترین کوهها به پرواز آید. (ایوب ۳۸ - ۳۹).

طرح همه چیز را خدا ریخت و طرح خلقت بشر زیباترین بخش این طرح بود. او به طرح خلقت انسانها توجه خاصی مبذول داشت، زیرا هدف خاصی برای آنها متصور بود. خدا بشر را بیشتر از آنکه شبیه حیوانات بیافریند، شبیه خود آفرید. خدا طالب مشارکت با انسان است. او ما را طوری آفرید که بتوانیم از مشارکت با او بهره‌مند گردیم. خدا فکر می‌کند و نقشه می‌ریزد. او به ما قدرت فکر کردن و طرح نقشه را داد. خدا محبت می‌کند. او ما را طوری آفرید تا بتوانیم محبت کنیم و دوست داشته باشیم. خدا قدرت انتخاب دارد. او به ما نیز قدرت انتخاب کردن بخشید.

خدا برای بشریت طرحی دارد، اما هر شخصی حاضر نیست آنچه که خدا طرح‌ریزی کرده، به مرحله انجام برساند. در واقع کتاب مقدس عملاً می‌گوید که هرکس آنچه که خودش می‌خواهد، انجام می‌دهد (رومان ۳: ۲۳). اما حتی این امر هم نقشه الهی را

بهم نمی‌ریزد. شما به تجربه دریافته‌اید که خدا به شما و تمامی انسانها این فرصت را عطا کرده است که از طریق نجات الهی قسمتی از طرح عظیم او باشید. ما می‌توانیم با خدا همکاری کنیم و روزی شبیه او گردیم.

آنچه باید انجام دهید

سؤالات و یا تمرینات هر یک از این بخشها، به شما کمک می‌کنند تا آنچه را که مطالعه کرده‌اید، مرور و یا در زندگیتان بکار گیرد. به هر شیوه‌ای که در این سؤالات از شما انتظار می‌رود، پاسخ دهید و جوابهای خود را در دفتر یادداشت خود بنویسید. اگر لازم باشد بخش "به سؤالات چگونه پاسخ دهیم" را که در اول این کتاب راهنما آمده است، دوباره مرور نمایید.

۱- کتاب پیدایش باب اول را بخوانید. در این باب دو مورد وجود دارد که توسط خدا طرح‌ریزی می‌شوند. آن دو مورد را نام ببرید.

۲- می‌دانیم که خدا قدرت انتخاب دارد. موردی را نام ببرید که شما نیز در آن مورد از قدرت انتخاب خود استفاده کرده‌اید و نشان می‌دهد که شما هم از قدرت انتخاب برخوردار هستید.

جوابهای خود را با جوابهایی که در انتهای این درس آمده است، مقایسه کنید.

خدا برای مردم طرحی دارد

طرحی که برای چیزی ریخته می‌شود، جنبه‌ها و یا مشخصات معین و بخصوصی دارد. به عنوان مثال، طرح یک خانه نقشه‌های دیوارها، پنجره‌ها، دربها و اتاقهای آن را شامل می‌گردد. گفته شد که خدا برای مردم طرحی دارد. مشخصات طرح الهی چیست؟

طرح الهی با شناخت و معرفت شروع می‌شود

داود یکی از رهبران قوم خدا بود. بسیاری از مزامیر کتاب مقدس توسط او نوشته شده است. در مزمور ۱۳۹ داود می‌گوید که خدا هم از اعمال او آگاه است و هم از افکار او. خدا حتی پیش از اینکه داود زبان بگشاید می‌دانست که او می‌خواهد چه بگوید. خدا داود را آفریده بود. خدا داود را در رحم مادرش شکل بخشیده بود.

آنچه باید انجام دهید

۳- آیات هر یک از متن‌های زیر را بخوانید. در کنار هر یک از این آیات نام شخصی را که گفته شده خدا همه چیز درباره‌ او می‌داند بنویسید. خدا این چیزها را در مورد شما هم می‌داند.

(a) ایوب ۱۰:۲۳

(b) مزمور ۷:۳۱

(c) مزمور ۱۰۳:۱۴

(d) مزمور ۱۳۹:۱۶

خدا نه تنها داود، بلکه شما را نیز او آفریده است. او داود را دوست می‌داشت با اینکه همه چیز را در مورد او می‌دانست. خدا شما را هم دوست دارد با اینکه در مورد شما نیز همه چیز را می‌داند. نقشه تولد، نجات، زندگی و حتی ابدیت شما را او کشیده است. اگر با او همکاری کنید و در پی آن باشید که از نقشه‌ای که او برای زندگی شما دارد تبعیت نمایید، او می‌تواند مؤثرتر و فعال‌تر شما را هدایت کند. (فلیپان ۱۳:۴)

طرح الهی دارای تنوع و گوناگونی است

مردم دنیا به نژادها و ملیتهای گوناگونی تعلق دارند. چند لحظه در مورد حالت مو، شکل چشم، و رنگ پوست آنها بیندیشید. در داخل هر نژاد هم افراد با یکدیگر فرق دارند. ما عقاید گوناگونی داریم. غذاهای گوناگونی را می‌پسندیم. آیا این امر زیبا نیست که خدا ما را بصورت افراد مختلف آفریده است؟

بعضی اوقات بچه‌های یک خانواده هم با همدیگر متفاوت است. بعضی‌ها لاغرند و بعضی‌ها چاق. بعضی‌ها موهای تیره دارند و بعضی‌ها موهای روشن. اما این تفاوت‌های ظاهری برای والدین آنها اهمیتی ندارد، زیرا آنها حقیقتاً بچه‌های خود را دوست دارند. آنچه که برای والدین مهم است، این است که بچه‌ها به آنها تعلق دارند.

حقیقت این است که خدا این گوناگونیه‌ها را آفریده است و این مطلب را نمی‌توان انکار نمود. او خواست که ما بعنوان افراد مشخص با یکدیگر فرق داشته باشیم. این یکی از موارد جالب نقشه الهی است. زمانی که احساس می‌کنیم که هیچکس دقیقاً مانند ما نیست، واقعیتی را احساس می‌کنیم.

آنچه باید انجام دهید

۴- موردی را نام ببرید که نشان می‌دهد شما با دوستان فرق دارید.

نقشه الهی دارای معیاری است

دوباره به موضوع اهرام مصر که در ابتدای درس مطرح شده، بازگردیم. مهم نیست که سنگها شبیه به هم باشند. سنگها احتمالاً هم از نظر اندازه و هم از نظر شکل با یکدیگر فرق داشتند. آنچه که مهم می‌نماید، این است که کنار یکدیگر جفت و جور شوند. تمامی سنگها بایستی بصورتی دربیایند که بشود از آنها استفاده کرد. منظور از این سخن این است که هر یک از این سنگها بایستی به شکلی باشند که معمار از قبل، طرح آن را ریخته است. به همین طریق ما نیز بایستی به شکلی دربیاییم که در نقشه الهی از پیش معین شده است و این طرح دارای معیار و الگویی است. در رساله پولس به افسسیان ۱۳:۴ می‌خوانیم که معیار زندگی ما "اندازه قامت پری مسیح" است. این همان هدفی است که خدا خود از

طریق آموزش کلام الهی ما را با آن رهنمون مرگردد. زمانی که به او اجازه می‌دهیم تا در ما کار کند، او ما را مطابق با معیار و الگوی پسر خود تغییر می‌دهد و عوض می‌کند. فراموش نشود که ما فرزندان او هستیم و بایستی بخواهیم که شبیه او باشیم.

این گفته به این معنی نیست که فردیت خود را از دست بدهیم. بلکه منظور این است که خدا نمی‌خواهد ما را دوقلوی عیسی مسیح بگرداند. بلکه می‌خواهد برادر او باشیم (رومیان ۸: ۲۹). زمانی که بچه‌ها رشد می‌کنند، مانند والدین خود بالغ می‌شوند و حتی بعضی اوقات از آنها هم بیشتر می‌دانند. در بسیاری از مسائل طرز فکر آنها درست همانند طرز فکر والدینشان می‌باشد. بچه‌ها حتی به این درک نیز می‌رسند که والدینشان چرا در تربیت خود به آنها سختگیری می‌کرده‌اند. چرا به آنها می‌آموخته‌اند و چرا در برخی موارد اجازه داده‌اند خودشان با مسائل مربوط به خود مواجه گردند. اما با این وجود هنوز هم فردیت خود را دارند.

اگر صادقانه یاد بگیریم که از عیسی مسیح اطاعت کنیم، روزی شبیه او می‌گردیم. به سخنی دیگر، روزی فرا خواهد رسید که تمام محدودیتهای فعلی ما از بین خواهد رفت و خدا را به طریقی پر و کامل خواهیم شناخت. هدف او را بصورت کامل خود در خواهیم یافت و با محبتی کامل او را دوست خواهیم داشت. جلالی که در مسیح عیسی است، جلال ما خواهد شد (رومیان ۸: ۳۰).

زمانی که شبیه او باشیم، زمانی که او را طوری بشناسیم که او ما را می‌شناسد، زمانی که جلال او جلال ما باشد، در آن زمان است که مشارکت کاملی خواهیم داشت.

آنچه باید انجام دهید

۵- جملات زیر در مورد مسیح بیان شده‌اند. در مقابل آن جمله‌ای که معیاری برای زندگی ما عرضه می‌دارد، علامت بگذارید:

- (a) او ارادهٔ خدا را انجام داد.
- (b) او از نژاد یهود بود.
- (c) او از حقیقت سخن گفت.
- (d) دوران کودکی خود را در دهکده کوچکی گذارند.

طرح الهی با همدیگر بودن را به ارمغان می‌آورد

ما، در نقشه الهی طوری طرح ریزی شده‌ایم که جفت و جور یکدیگر باشیم. زمانی که ما ضعیف هستیم، دیگری قوی است. در مقام خانوادهٔ خدا مشخصات و ویژگیهای پدر ما بر ما است و از مشارکت با یکدیگر بهره‌مند می‌گردیم (افسیان ۱۱:۲ - ۱۹). ما با یکدیگر آجرهای هیکلی (مبعدی) هستیم که خدا توسط روح خود در آن زندگی می‌کند (افسیان ۲۰:۲-۲۲). ما با همدیگر عروس مسیح هستیم (دوم قرن‌تیا ۲:۱۱، مکاشفه ۹:۲۱). ما با همدیگر لشکری هستیم (افسیان ۱۰:۶-۱۸). کاملاً واضح است که نقشه

خدا برای بشر، نقشه با هم بودن است، با او و با یکدیگر. بنابراین منطقی بنظر می‌رسد که نقشه خدا برای فرد فرد ما مخالف با نقشه‌ای که او برای دیگران و بقیه آفرینش دارد، نباشد.

به محض اینکه بفهمیم خدا در مورد ما چه قصدی دارد، این مطلب نیز بر ما آشکار می‌شود که او پیوسته در ذهن خود دو مطلب را داشته است: ۱- رشد فردی ما با مسیح به عنوان یک الگو ۲- رشد رابطه ما با دیگران و نیز با کسانی که در نقشه الهی با یکدیگر همکاری می‌کنند.

آنچه باید انجام دهید

۶- در کدامیک از موارد زیر می‌توان نمونه با همدیگر بودن در نقشه الهی را مشاهده کرد؟

- (a) یوآو می‌داند که خدا نسبت به همه چیز آگاه است و در مورد او همه چیز را می‌داند، چه خوب و چه بد.
- (b) مانوئل و برنا به هر دو جزو مؤمنین هستند، اما از دو نژاد مختلف.
- (c) پتیا یاد می‌گیرد که چگونه از استعداد معلمی خود استفاده کند تا جینی را در مطالعه کتاب مقدس یاری نماید.

۷- منتهایی را که در زیر آمده است بخوانید. آنگاه آنها را به مناسبترین موردی که از نقشه الهی بیان شده است، مربوط کنید:

- (a) یوحنا ۱۰:۱۴-۱۵ ۱- معرفت
- (b) یوحنا ۲۱:۱۷ ۲- گوناگونی
- (c) اول قرنتیان ۱۴:۱۲ ۳- معیار
- (d) فیلیپیان ۵:۲ ۴- باهمدیگر بودن
- (e) اول یوحنا ۱۶:۳

۸- فرض کنید که دوستی این سؤال را از شما می‌کند: نقشه خدا برای مدرم چیست؟ در دفتر یادداشت خود چهار مورد از مشخصات نقشه الهی را به عنوان جوابی که می‌توانید در مقابل این سؤال بیان دارید، بنویسید.

دیگران نقشه الهی را تجربه کرده‌اند

کتاب مقدس از اشخاص زیادی سخن می‌راند که در زندگی خود نقشه الهی را تجربه کرده‌اند. بگذارید زندگی برخی از آنها را بررسی کنیم و ببینیم تجربه آنها در زمینه نقشه الهی چه بوده است.

شاگردان عیسی

عیسی زمانی که در زمین بود، از میان پیروان خود ۱۲ نفر را برگزید تا همیشه با او باشند (مرقس ۳: ۱۳-۱۵). این کلیدی بود برای نقشه‌ای که در ذهن داشت. او در کنار آنها می‌بود و بوسیله بودن با آنها، ایشان را عوض می‌کرد. عیسی این شاگردان را بدقت انتخاب نمود و برای انتخاب آنها تمام شب را در دعا گذرانید (لوقا ۱۲: ۱۶). او نقشه‌ای هم داشت: او می‌بایست کاری را که پدرش، او را بخاطر آن فرستاده بود، انجا دهد (یوحنا ۱۷: ۴).

هدف های مسیح در نقشه‌ای که برای پیروان خود داشت، این بود که در اتحاد کامل با یکدیگر و با او باشند (یوحنا ۱۷: ۲۰-۲۳). با اینحال زمانی که داستان زندگی این افراد مختلف را در کتاب مقدس می‌خوانیم، بی درنگ در می‌یابیم که آنها همه یک جور نبوده‌اند.

دو نفر آنها به "پسران رعد" معروف بودند (مرقس ۳: ۱۷). یوحنا، یکی از آن دو نفر به کسی که "عیسی او را محبت می‌نمود" نیز معروف بود (یوحنا ۱۳: ۲۳). آنطور که معلوم است، عیسی در مورد پطرس، می‌بایست بیشتر از دیگران صبر و حوصله به خرج دهد. نتائیل کسی بود که در مورد او گفته می‌شود که "در او هیچ مکرری نبود" (یوحنا ۱: ۴۷).

این اشخاص حرفه‌های گوناگون داشتند و از زمینه‌های مختلف بودند. از ماهیگیر گرفته تا باجگیر. و اینها شخصیت‌های فردی خود

را حفظ کرده بودند. با اینحال، بودن با مسیح آنها را کنار یکدیگر قرار داده بود. آنها به "دوازده شاگرد" معروف شده بودند. در کتاب مکاشفه می‌بینیم که اسامی این دوازده شاگرد بر پایه‌های شهر خدا نوشته شده است. (مکاشفه ۱۴:۲۱).

دوازده رسول همراه با عیسی مسیح از تجربیات زیادی عبور کردند. بعضی اوقات راحت و سرحال بودند و بعضی اوقات خسته. یکبار به مناسبتی به طرزی معجزه وار غذایشان مهیا گردید ولی در دیگر مواقع غذای مورد نیاز خود را می‌خریدند. پیروزیهای زیادی نصیبشان گردید ولی با یأس و استیصال نیز آشنا بودند. اما با ماندن در کنار مسیح، نقشه خدا در آنها جامه عمل پوشید.

آنچه باید انجام دهید

۹- تجربه شاگردان عیسی نشان می‌دهد که برای آگاهی از نقشه الهی مهم‌ترین چیز این است که

سختیها و ناملایمات را تحمل کنیم.

(a) معجزات و پیروزیهای بزرگی را تجربه کنیم.

(b) با مسیح بمانیم.

۱۰- جواب پطرس در مقابل دعوت عیسی مانند جواب یوحنا نبود. با توجه به نقشه الهی این حقیقت، صفت مشخصه را نشان می‌دهد.

- (a) گوناگونی
- (b) معرفت
- (c) با همدیگر بودن

پولس رسول

بزرگ مرد خدایی که ما او را به نام پولس می‌شناسیم، در دوران پیشین زندگی خود به شائول طرسوسی ملقب بود. روزگاری بود که او از عیسی و کسانی که او را پیروی می‌کردند، بشدت نفرت داشت. او حتی مسؤول قتل مسیحیان زیادی بود، زیرا فکر می‌کرد که آنها نسبت به خدا کفر می‌گویند. عاقبت، خدا زمانی با شائول صحبت کرد که او می‌رفت تا پیروان عیسی را دستگیر کند. بعدها زمانی که پولس به این مقطع از زندگی خود می‌نگریست، خود را بدترین گناهکاران قلمداد می‌کرد (اول تیموتائوس ۱: ۱۵). اگر خدا می‌توانست در او کار کند، پس در این صورت، می‌تواند در زندگی هر کسی که در مقابل او سر تسلیم فرود آورد، کار کند. در دوم تیموتائوس ۷: ۴-۸ پولس برای دوست جوان خود تیموتائوس از اعتماد و اطمینانی سخن می‌راند که در آخر زندگی خود دارد. پولس می‌گوید که مسابقه را به اتمام رسانیده و ایمان خویش را حفظ کرده است. در واقع موضوع اصلی صحبت پولس این است که او مطمئن است که جایزه‌ای نه تنها برای او، بلکه برای تمام کسانی که این کار را انجام دهند، مهیا است.

آنچه باید انجام دهید

۱۱- در زیر سه مورد از زندگی پولس بیان شده است. کدامیک از این سه مورد به بهترین نحو، نقشه الهی را نشان می‌دهد؟

(a) برخی از مسیحیان قوت بسیاری از صرف مخالفت با نقشه الهی می‌نمایند.

(b) اراده کامل خدا می‌تواند علیرغم شکستهای گذشته فرد انجام گیرد.

(c) هر فرد مؤمن بایستی این مطلب را درک کند که این امکان هست که شکست را تجربه کند.

شما هم می‌توانید نقشه الهی را تجربه کنید

نقشه‌ای که خدا برای شما دارد، به همان اندازه کامل و شخصی است که برای هر یک از ۱۲ شاگرد بود. خدا می‌خواهد به همان صورتی که با شاگردان نزدیک بود، با شما هم نزدیک باشد (یوحنا ۲۱:۱۷). خدا به همان طریقی در شما و در وضعیت شما کار می‌کند که در آن روز با شاگردان و وضعیتهای آنها می‌کرد. همانطور که زندگی پولس نشان می‌دهد، خدا می‌تواند هدف خود را در زندگی شما به انجام رساند. شکستها و قصوراتی که احتمالاً در گذشته داشته اید، تفاوتی در این امر ایجاد نمی‌کند. وقتی که بفهمید خدا برایتان نقشه‌ای دارد، دیدگاهتان عوض می‌شود و از آن به بعد شما

با دیدگاه متفاوتی به اتفاقاتی که در زندگی تان روی می‌دهد، نظر خواهید افکند.

یک نجار با تیشه و اره شکل چوب را عوض می‌کند و سطح آن را با یک سنباده صیقل می‌دهد. یک قطعه الماس به بالاترین قیمت خود نمی‌رسد، مگر اینکه جواهر ساز قسمت بی‌ارزش آن را با اسکنه مخصوص ببرد و تراش دهد. شاید خدا در مورد شما با علاقه و توجه مخصوصی کار می‌کند! اوقاتی هست که احساس می‌کنیم که با چکش کوبیده شده و با اره دوباره شده‌ایم و بر ما سنباده کشیده اند. در این قبیل موارد اغلب این فکر به ما دست می‌دهد که تمامی این حوادث شانس و بر اساس "بخت و اقبال" و یا شرایطی که در آن هستیم صورت می‌پذیرد. بدون تردید زمانی عکس‌العمل ما متفاوت خواهد بود که باور بکنیم این اتفاقات قسمتی از ار خدا در زندگی ماست.

رومیان ۸: ۲۹-۳۰ از جریاناتی سخن می‌راند که حوادث زندگی ما در آن می‌گنجد. آیا این حقیقت را که خدا همه چیز را در مورد ما می‌داند، بخاطر دارید؟ نقشه الهی در زندگی ما از همان جا شروع می‌شود:

"زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد. و آنانی را که از قبل معین فرمود ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند، ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید ایشان را نیز جلال داد."

در حین مطالعه این دوره طرقي را خواهيدديد كه خدا از آنها براي عوض كردن ما استفاده مي‌كند. بويژه خواهيدديد كه چطور اوضاع و شرايط مي‌تواند ما را در آگاهي از اراده خدا، كمك كند. اما از همين ابتدا يك چيز را در ذهن داشته باشيد: خدا از هر شرايط و اوضاعی بزرگتر است، اگر با او همكاري كنيد، او تمامي اتفاقاتي را كه براي‌تان روي مي‌دهد بكار مي‌گيرد تا شما را به هدف نهايي‌اش برساند.

آنچه بايد انجام دهيد

۱۲- روميان ۸: ۲۸ را بخوانيد. در دفتر يادداشت خود وضعيتي از زندگي خود را بنويسيد. آنگاه از خود سؤال كنيد: خدا چطور از اين وضعيت استفاده كرد تا نقشه الهی خود را در مورد من انجام دهد؟ سعی كنيد براي اين سؤال پاسخي بنويسيد.

در درس بعدي، قدم دوم خدا را در مورد شما بررسي خواهيم كرد و اينكه او چگونه مي‌خواهد با شما صحبت كند. قبل از شروع درس دوم، مزمور ۱۳۹ را بخوانيد و در مورد حقيقت عجيب و خارق‌العاده‌اي كه در اين مزمور در رابطه با نقشه الهی مطرح مي‌شود، تفكر كنيد.

جواب‌های خود را مقایسه کنید:

جواب تمرینات به ترتیب ذکر نشده است تا شما در موقع مراجعه، جواب سؤال بعد را نبینید. سعی کنید تنها به آن شماره سؤالی که می‌خواهید، نگاه کنید.

(۷-ا) ۱) معرفت خدا

(ب) ۴) با همدیگر بودن

(ج) ۲) گوناگونی

(د) ۳) معیار

(ه) ۳) معیار

۱- جواب خودتان. در پیدایش باب ۱ موارد زیادی وجود دارند که خدا آنها را طرح‌ریزی نمود. مواردی از قبیل: نور و تاریکی (آیات ۳-۴)، دریاها و زمین (آیات ۹-۱۰)، و نوع بشر (آیات ۲۶-۲۷).

۸- جواب شما بایستی جنبه‌های معرفت، گوناگونی، معیار و با همدیگر بودن را به همان صورتی که تشریح شد، شامل گردد.

۲- جواب خودتان. تصمیم شما مبنی بر مطالعه این دوره، خود نشان دهنده این مطلب است که شما از قدرت انتخاب برخوردارید. این طریقی است که خدا می‌خواهد شما را تشبیه خود بکند.

(ج-۹) با مسیح بمانیم.

۳- (a) قدمها و یا طریق او

(b) ناراحتی‌های او

(c) از چه چیزهای ساخته شد و چگونه شکل گرفت

(d) تعداد روزهای او

۱۰- (a) گوناگونی

۴- جواب خودتان

۱۱- (b) ارادهٔ کامل خدا می‌تواند علیرغم شکستهای گذشته فرد

انجام گیرد.

۵- (a) او ارادهٔ خدا را انجام داد

(c) او از حقیقت سخن گفت.

۱۲- جواب خودتان. سعی کنید از کار خدا در زندگی‌تان

بیشتر آگاهی داشته باشید.

۶- (c) پتیا یاد می‌گیرد که چگونه از استعداد معلمی خود

استفاده کند تا جینی را در مطالعه کتاب مقدس یاری

نماید.

درس ۲

آیا خدا قدم بعدی را به من نشان خواهد داد؟

از نقشه‌ای که خدا برای من دارد، مطمئن نیستم...

شکی نیست که تا اکنون مسیح را به عنوان منجی خود پذیرفته‌اید و اینک به این نتیجه رسیده‌اید که خدا برای زندگی شما نقشه‌ای دارد. می‌دانم که می‌خواهید از اراده او پیروی کنید.

اما شاید الان در مورد رابطه‌ای که با طرح الهی دارید، دچار سردرگمی شده‌اید. ممکن است اطمینان ندارید که شما نیز قسمتی از نقشه او هستید و خدا می‌خواهد در مورد نقشه خود با شما سخن گوید.

با مطالعه این درس به موقعیتی که اکنون در نقشه الهی دارید، پی خواهید برد و حقایق مطرح شده، به شما نشان خواهد داد که چرا می‌توانید مطمئن باشید که خدا با شما سخن می‌گوید. در این درس از وعده‌ها و تدارکاتی که خدا برای انجام نقشه‌ای که برایتان دارد، سخن می‌گوید.

آنچه در این درس خواهید خواند...

شما اینک در طرح الهی قرار دارید
خدا از شما می‌خواهد تا از طرح او تبعیت کنید

خدا می‌خواهد نقشه خود را آشکار سازد

این درس به شما کمک خواهد کرد تا ...

- △ از رابطه‌ای که هم اکنون با طرح الهی دارید، مطمئن باشد.
- △ تشریح کنید چرا خدا می‌خواهد از نقشه‌اش تبعیت کنید.
- △ دلایل اطمینان خود را ذکر نمایید که چرا خدا می‌خواهد نقشه خود را به شما آشکار کند.

شما اینک در طرح الهی قرار دارید

در مقام یک مؤمن به مسیح، این اطمینان در شما هست که مسیح را پذیرفته و بدین ترتیب به مقام فرزندی خدا نائل آمده‌اید. این همان اطمینانی است که شما در شناخت آن قسمت از اراده و طرح الهی که برایتان نامعلوم است، احتیاج دارید. بگذارید لحظه‌ای به تجربه شما در زمان توبه و قبول مسیح نظری بیندازیم تا در ایجاد آن اطمینان کمکی کرده باشیم. با اینکه تجربه شما شخصی و بی نظیر بوده است، اما با تجربه تمام افرادی که به مسیح ایمان آورده‌اند، چندین نقطه مشترک دارد.

شما به مسیح ایمان آوردید

ایمان آوردن شما به مسیح نه شانسی بود و نه با فال. این رابطه عظیم تصادفی هم بوجود نیامد. هیچکس تا به حال به این طریق نجات نیافته است. خدا خود به طریقی، نقشه خود را برای شما آشکار کرد. بیشتر از آن، خدا با شما از طرح خاص خود برای زندگی

شما سخن گفت. ارتباطی که بدین طریق ایجاد شد بخودی خود، نجات شما محسوب نمی‌شد، بلکه زمانی که شما اطاعت کردید، نجات یافتید.

عمل ظاهری، در نجات شما عنصر ضروری نبود، بلکه اطاعت شما اهمیت داشت. در تمامی طرقی که کلام خدا برای نجات ذکر می‌کند، یک عنصر مشترک به چشم می‌خورد، ایمان. بنابراین آنچه که ما باید پیوسته اطاعت کنیم، این است: ما باید ایمان بیاوریم. به عنوان مثال، به پاسخی که پولس و سیلاس به زندانبان زندان فلیپی دادند، لحظه‌ای توجه کنید: "مرا چه باید کرد تا نجات یابم" (اعمال ۱۶: ۳۰). جواب پولس و سیلاس را ساده‌ترین تعلیم نجات می‌توان دانست "به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو اهل خانه‌ات نجات خواهید یافت" (اعمال ۱۶: ۳۱). زندانبان می‌بایست از این تعلیم اطاعت کند و به مسیح ایمان آورد تا نجات یابد.

به همان ترتیب، در پاسخ به اطاعت شما، عیسی آمد و در قلبتان ساکن شد.

آنچه باید انجام دهید

- ۱- متنهایی که در زیر آمده است، بخوانید. آن موردی که نشان می‌دهد در مقابل اطاعت فرد، ایمان در قلب او ساکن می‌شود علامت بگذارید:

(a) مرقس ۱۵:۱۳

(b) لوقا ۱:۴۵

(c) یوحنا ۱۷:۸

(d) اعمال ۱۸:۸

۲- آیا نجات نتیجه اطاعت است؟ چگونه می‌توان این امر را بیان داشت؟

شما از کلام خدا اطاعت کردید

زمانی که مسیحی شدید، در واقع از کتاب مقدس که کلام خداست اطاعت کردید. کتاب مقدس است که با ما در شخص خدا و قدوسیت او و پسرش عیسی مسیح سخن می‌گوید. کتاب مقدس است که می‌گوید مسیح به این جهان آمد، مرد و زنده شد و گناه را می‌بخشد. به عبارتی، در نتیجه اطاعت از اراده خدا که در کتاب مقدس آمده است، شما مسیح را پذیرفتید و از اراده او به اندازه کافی اطلاع پیدا کرده، فرزند خدا شدید.

شما از روح القدس اطاعت کردید

در همان حینی که با حقایق کتاب مقدس روبرو بودید، بدون تردید از درون هم، عاملی برای متقاعد کردن شما کمک می‌کرد. به عنوان مثال، در رابطه با حقیقت قیام مسیح، نه تنها از آن اطلاع حاصل کردید، بلکه عملاً متقاعد شدید که مسیح قیام کرد و اکنون زنده است. این امر توسط روح القدس صورت گرفت که شما را به

راستی و حقیقت هدایت نمود. شما با این متقاعد شدن در واقع از روح القدس اطاعت کردید.

شما هم از کلام خدا اطاعت کردید و هم از روح خدا و نتیجه این اطاعت این است که اکنون فرزند خدا هستید. نقشه‌ای که خدا برایتان دارد، در آینده شروع نخواهد شد بلکه این نقشه از زمانی آغاز شد که شما فرزند او گشتید. خدا قادر بود که طرح خود را حتی زمانی هم که از او جدا بودید، شامل شما گرداند. در مقام فرزند خدا، می‌توانید مطمئن باشید که او به صحبت با شما ادامه خواهد داد.

آنچه باید انجام دهید

۳- در دفتر یادداشت خود از رابطه‌ای که الان با نقشه الهی دارید، توضیح دهید و مشخص نمایید که چگونه در این نقشه قرار گرفتید. جواب شما بیشتر از سه و یا چهار جمله نباشد.

خدا از شما می‌خواهد تا از طرح او تبعیت کنید

خدا از ما در مقام فرزند خواندگی اطاعت می‌طلبد. این طریقی است که ما می‌توانیم به وسیله آن از طرح او تبعیت کنیم. این خواسته در کتاب مقدس دائماً به چشم می‌خورد. (به عنوان مثال به تثنیه ۲۷: ۱۰، اول سموئیل ۱۲: ۱۴ و متی ۱۹: ۱۷ مراجعه کنید).

رابطه نزدیک مابین دوست داشتن شریعت و کلام خدا و اطاعت از آن موضوعی است که در سراسر مزمور ۱۱۹ می‌توان دید (مثلاً آیات ۴۷ و ۹۷ و ۱۶۷).

اطاعت شما برکت می‌آورد

بزرگترین دلیلی که خدا بدان جهت از ما اطاعت می‌طلبد، این است که اطاعت سبب می‌گردد زندگی ما از برکات الهی مملو شود.

قوم اسرائیل در زمان اسارت خود در مصر شدیداً مورد اذیت و آزار بودند و زندگی بسیار سختی داشتند اما خدا آنها را از مصر بیرون آورد و آنها عازم شدند تا به مدت یک نسل در بیابان باشند.

آنچه باید انجام دهید

۴- خروج ۲۶:۱۵ درخشان‌ترین وعده‌ای است که خداوند به قوم خود می‌دهد. این آیه را بخوانید و در دفتر یادداشت خود به سؤالات زیر جواب دهید.

- (a) خدا از مردم می‌خواست چه کنند؟
- (b) اگر قوم آنچه را که خداوند فرموده بود انجام می‌داد، چه اتفاقی می‌افتاد؟

مزمور ۱ سخن از کسی می‌راند که "رغبت او در خداوند است". (آیه ۲). این شخص برکات زیادی را دریافت می‌کند.

زندگی‌اش همانند درخت پرباری است که برگهایش هرگز نمی‌ریزند و در تمام امور زندگی خود موفق است.

در کتاب مقدس آیات دیگری نیز سخن از برکاتی می‌رانند که در نتیجه اطاعت از اراده‌ی خدا حاصل می‌شود. در "موعظه سر کوه" (متی ۵-۷). عیسی مسیح خوشبختی را به کسانی وعده می‌دهد که شخصیت آنها همانند شخصیت خود اوست - پاک‌دلان، رحم‌کنندگان و صلح‌کنندگان. در رومیان ۷:۲ می‌خوانیم که حیات جاودان از آن کسانی خواهد بود که در انجام اعمال نیکو می‌کوشند.

اطاعت شما ملکوت خدا را برقرار می‌سازد

رشد ملکوت خدا اغلب به اطاعت ما بستگی دارد. این امر را به راحتی می‌توان از کلمات دعایی که عیسی به شاگردان خود یاد داد، دریافت: "ملکوت تو بیاید، اراده‌ی تو چنانکه در آسمان است در زمین نیز کرده شود (متی ۶:۱۰)". برای برقراری ملکوت خدا اطاعت امری ضروری است. در کتاب مقدس بارها می‌بینیم که هر وقت قوم مطیع اراده‌ی خدا شده‌اند، پادشاهی و ملکوت خدا برقرار شده است. و باز می‌خوانیم که هر وقت فرزندان خدا ناطاعتی می‌کنند، نقشه‌ی خدا خلل می‌پذیرد و در انجام آن مانع بوجود می‌آید.

به عنوان مثال، آدم در باغ عدن از میوه‌ی درخت معرفت نیک و بد خورد (پیدایش ۴:۶). آیا خلقت الهی با این عمل برکت یافت و یا

لعنت شد؟ قبل از اینکه آدم میوه آن درخت را بخورد، آرامش در همه جا حکمفرما بود. حتی یک مورد هم نمی‌بینیم که حیوانی، حیوانی را بکشد. خار و خاشاکی نبود. آدم این فرصت را داشت که با نسل خود این زمین آرام را از صلح و آشتی پر سازد اما ببینید که بعد از ناطاعتی او چه اتفاقاتی روی داد.

چهره صاف و روشن خدا در آدم تیره و تار شد. آدم زن خود را متهم و از حضور خدا پنهان گشت. آنگاه زمینی که خدا آفرید بود لعنت شد و تمام مخلوقات که در زمین بودند لعنت شدند، زمین، حیوانات و خود انسان. ناطاعتی بر ملکوت و پادشاهی تأثیر گذاشت. (پیدایش ۳: ۸-۱۹).

درست به همان اندازه که ناطاعتی آدم بر ملکوت خدا اثر منفی گذاشت، اطاعت کامل مسیح بر این ملکوت اثری مثبت داشت. در واقع تمام ملکوت زمینی، هم از آدم و هم از مسیح تأثیر گرفتند. اعمال هر دوی آنها بزرگترین نتایج را به همراه داشت. در آدم تمام خلقت لعنت شد، در مسیح تمام خلقت رهایی و نجات یافت.

آنچه باید انجام دهید

۵- رومیان ۵: ۱۵-۲۱ را بخوانید. مشخص کنید نتایج زیر توسط عمل چه کسی حاصل شد، اطاعت مسیح و یا ناطاعتی آدم؟

(a) بخشش بر همه آمد

(b) مرگ حاکمیت یافت

(c) بشر آزاد شد

(d) زندگی عطا گردید

(e) محکومیت بر همه آمد

۱- اطاعت مسیح ۲- ناطاعتی آدم

.....

.....

.....

اشخاص دیگری نیز بر ملکوت خدا اثر گذاشتند. کتاب مقدس در این زمینه از براهیم، موسی، یوشع، داود، و ایلیا سخن می‌راند. تمامی این اشخاص با اطاعت خود اثر بزرگی بر ملکوت خدا گذاشتند.

اطاعت شما را خشنود می‌کند

خدا مشتاق است تا فرزندانش برای کسب برکات الهی و برقراری ملکوت او، اطاعت کنند. از سویی دیگر، خدا از اطاعت فرزندان خود لذت زیادی می‌برد.

مسیح در پی آن نبود که اراده خود را انجام دهد، بلکه اراده پدر را. او خود شهادت داد که تنها آنچه که پدر را خشنود می‌سازد، انجام می‌دهد (یوحنا ۸:۹). اطاعت او پری رابطه پدر و فرزندی را نشان می‌دهد. خدا چقدر خوشحال بود که می‌دید پسر یگانه‌اش تا به این حد در اطاعت، کامل است! به متی ۳:۱۷ و ۵:۱۷ چند لحظه توجه کنید. می‌بینید که خدا به اطاعت فرزند خود چطور پاسخ می‌دهد. او عملاً از آسمان صحبت کرد و خشنودی خود را ابراز نمود. شما نیز در مقام پسر او می‌توانید از طریق اطاعت خود، خدا را خشنود سازید.

آنچه باید انجام دهید

۶- خدا چرا از شما می‌خواهد از طرح الهی تبعیت کنید. در این زمینه سه دلیل بیان کنید.

خدا می‌خواهد طرح خود را آشکار سازد

اگر خدا قادر است که اراده خود را پیش از اینکه فرزندان او شویم، بر ما معلوم دارد و اگر از اطاعت فرزندان خود خشنود است، آیا اراده خود را بر ما معلوم نخواهد کرد تا از آن تبعیت کنیم؟

بعضی‌ها طوری به حضور خدا می‌روند که گویی باید خدا را قانع کنند تا اراده‌اش را بر آنها معلوم دارد. این افراد شدیداً دعا می‌کنند و حتی غیر ممکن می‌یابند که پیش از "درک اراده خدا" دست به عمل بزنند.

آیا این همان تصویری است که کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد؟ خیر، به مثلهایی که عیسی در مورد مسئولیت انسان فرمود لحظه‌ای بیندیشید، مثلهایی نظیر آنچه که در متی ۲۵: ۱۴-۳۰ و لوقا ۱۲: ۴۲-۴۸ نوشته شده است.

او در هیچ موقعیتی نگفت که انسان بایستی در شناخت آنچه که خدا از او می‌خواهد دچار مشکل و نرا حتی شود. خدا می‌خواهد که نقشه الهی خود را آشکار سازد! اما کدامین حقایق این مطلب را نشان می‌دهند؟

ما از این می‌دانیم که خدا می‌خواهد نقشه خود را بر ما ظاهر سازد، چون که وعده فرموده است که ما را هدایت کند. او ما را بدون هادی رها نمی‌کند.

زمانی که مسیح در روی زمین بود، شاگردان، مشکلی در آگاهی از اراده او نداشتند. عیسی به روشی بسیار ساده به آنها می‌گفت که اراده‌اش چیست. عیسی آنها را هر وقت و به هر جا که می‌خواست می‌فرستاد تا بشارت دهند. او زمانی که پنج هزار نفر را با ۵ نان و دو ماهی غذا می‌داد به آنها فرمود که چگونه به مردم خدمت کنند (لوقا ۹: ۱۴). آنها نه تنها از گفته‌های عیسی بلکه از زندگی او نیز خیلی چیزها می‌آموختند. شکی نیست که عیسی هر جا که می‌رفت، شاگردان نیز بخشی از خدمت او محسوب می‌شدند. آنها اراده خدا را به این ترتیب می‌فهمیدند. اما مسیح می‌دانست که همیشه نمی‌تواند به این شیوه آنها را تعلیم دهد. زمانی که او به آسمان

برمیگشت، در آن صورت آنها از کجا می فهمیدند که چه باید بکنند؟ ایا گیج می شدند؟ اراده خود را چگونه به آنها می گفت؟ یوحنا ۱۶-۱۷ آنچه را که عیسی برای آماده کردن شاگردان برای زمانی که دیگر نزد آنها نمی بود، بخوبی نشان می دهد. عیسی به آنها گفت که برای انجام چه کاری می رود (آماده کردن جایی برای آنها) او حتی به شاگردان گفت که از رفتن او ناراحت نباشند. در واقع عیسی به شاگردان می گفت که بازگشت او به آسمان برای آنها امتیازی بزرگ دارد، زیرا روح القدس که کلید درک اراده الهی است، زمانی نازل می شد که او از زمین رفته باشد. (یوحنا ۱۶:۷).

تنها در همین سه فصل، بارها اطمینان می یابیم که مسیح ما را تنها رها نکرده است. در تمرین بعدی به پاره ای از این موارد اشاره می شود.

آنچه باید انجام دهید

۷- عیسی مسیح در متنهای زیر شخصیت و کار روح القدس را تشریح نمود.

هر یک از موارد ستونهای سمت چپ را به مورد مناسب خود در سمت راست ارتباط دهید:

- | | |
|----------------|----------------------------------|
| ۱- یوحنا ۱۴:۱۶ | (a) به آنها تعلیم خواهد داد. |
| ۲- یوحنا ۱۴:۱۷ | (b) مسیح را جلال خواهد داد. |
| ۳- یوحنا ۱۴:۲۶ | (c) تا به ابد با آنها خواهد بود. |

۴- یوحنا ۱۶:۱۴ (d) باعث خواهد شد که گفته‌های

مسیح را بخاطر آورند.

۵- یوحنا ۱۶:۱۳ (e) از آینده به آنها خبر خواهد

داد.

(f) از مسیح

(g) در آنها خواهد ماند

خواهد گرفت و به آنها خواهد داد.

در مورد این وعده لحظه‌ای بیندیشید. می‌بینید که چقدر روشن و واضح است. خدا واقعاً می‌خواهد اراده خود را آشکار سازد.

خدا برای هدایت شما تدارکاتی را فراهم ساخته است

در اینصورت خدا برای هدایت من چه چیزهایی را تدارک دیده است؟ آیا وعده‌هایی که دیدیم تنها برای آینده بود و یا اینکه در حال حاضر همه، جامعه عمل می‌پوشید؟ در اعمال باب ۲ می‌خوانیم که روح‌القدس به همان صورت که مسیح فرموده بود، عطا می‌شود. مسیح واقعاً به آسمان برگشت. مسیح واقعاً از خدای پدر خواست که روح‌القدس را عطا کند. کلیسا واقعاً آنچه را که وعده داده شده بود، دریافت داشت.

اما کتاب اعمال رسولان تنها جامعه عمل پوشیدن وعده مسیح را مبنی بر نزول روح‌القدس نشان نمی‌دهد. در این کتاب می‌بینیم که این تدارک عالی برای رهبری کردن آنها بسیار مؤثر و کافی بوده

است. در واقع بعد از نزول روح القدس آنها بیشتر از زمانی که مسیح در روی زمین بود، قادر به خدمت بودند. رفتن مسیح برای آنها امتیازی به همراه داشت، درست همانطور که خود او هم فرموده بود.

بنابراین کتاب مقدس می گوید که روح القدس، تدارک مسیح است تا ما را به شناخت اراده خدا هدایت کند. اما بیشتر از آن، کتاب مقدس نمونه های ویژه ای از اینکه کار روح القدس چیست و تعلیم او چگونه است نیز، عرضه می دارد. کتاب مقدس به ما می گوید که چگونه می توانیم با عمل روح همکاری کنیم.

روح دعا می کند

شکی نیست که در زمان پرسیدن این سؤال که "آیا خدا به من خواهد گفت قدم بعدی ام چیست؟" با این شکل روبرو شده اید! چگونه و برای چه دعا کنم؟ خدا برای این مشکل هم، چاره ای تدارک دیده است. روح القدس حتی می تواند از طریق شما دعا کند و این عمل را در اراده کامل پدر انجام خواهد داد. دعای شما می تواند کامل ترین بی ان اشتیاق پدر باشد. (رومیان ۸: ۲۶-۲۷).

آنچه باید انجام دهید

۸- رومیان ۸: ۲۶-۲۷ را بخوانید. بر طبق این آیات دعاها را می تواند کامل ترین بیان اشتیاق الهی باشد زیرا

- (a) روح القدس آنچه را که باید بگوییم به ما می گوید.
 (b) خود روح القدس از طریق ما دعا می کند.
 (c) می دانیم که چه باید بگوییم.

روح القدس عطایا می بخشد

طریق دیگری که روح القدس توسط آن قدرت آگاهی از اراده خدا را به ما عطا می کند، عطایایی است که می بخشد. این عطایا در اول قرنیتان ۱۲ و ۱۴ به تشریح آمده است. این عطایا برای جلال دادن عیسی مسیح و اکرام بخشیدن به اوست که هم کلیسا را بنا می کند و هم افراد را. ما به توسط کلام حکمت و یا معرفت، بصیرت ویژه‌ای نسبت به شخصیت و فکر خدا پیدا می کنیم و این بصیرت بسیار بالاتر و برتر از شعور طبیعی ما می باشد و شعور طبیعی قادر به تعلیم آنچه که از این بصیرت می آموزیم، نیست.

روح القدس ساکن می شود

روح القدس به طریقی کاملاً واقعی در شما به عنوان فرزند خدا ساکن می شود. شما کانالی هستید که روح القدس از طریق آن سخن می گوید.

مسیح توسط روح الهی که در او ساکن بود به بیابان برده شد (متی ۱:۴). روح القدس بود که فلیپس را هدایت فرمود تا به خواجه سرای حبشی بشارت دهد (اعمال ۸:۹). پولس می خواست به آسیا برود اما با هدایت روح به اروپا رفت (اعمال ۱۶:۶-۱۰). به همان

طریق روح القدس هم که در شما ساکن است، وسیله‌ای است که شما را به اراده خدا هدایت می‌کند.

روح القدس بود که کتاب مقدس را عطا فرمود

طریق بخصوص دیگری هم هست که خدا برای روح القدس مهیا فرموده است تا از آن طریق ما را هدایت کند. این طریق، همان کتاب مقدس است. در درسی دیگر خواهیم دید که خدا چگونه کلام را بکار می‌گیرد تا ما را هدایت کند. اما در حال حاضر همین قدر بدانید که کلام خدا حاصل کار روح القدس است (۲ پطرس ۱: ۲۱). کتاب مقدس کانالی است که در حال حاضر روح القدس از طریق آن سخن می‌گوید و معیاری است که ما با آن دیگر پیغامها را مورد سنجش و قضاوت قرار می‌دهیم.

آنچه باید انجام دهید

۹- فرض کنیم دوستی از شما سؤال کند: "از کجا بدانم که خدا می‌خواهد نقشه خود را بر من معلوم دارد؟" ابتدا قسمت مربوط به این سؤال را مطالعه کنید و آنگاه در دفتر یادداشت خود طوری جواب دهید که این پنج مورد در آن باشند:

(a) وعده مسیح را مبنی بر اینکه چگونه به اراده الهی هدایت خواهیم شد، بیان کنید.

(b) بگویید که وعده مسیح چگونه به انجام رسید.

(c) چهار طریقی را که روح القدس با استفاده از آنها طرح الهی را بر ما معلوم می‌دارد، بیان کنید.

شما فرزند خدا هستید. آیا او به شما خواهد گفت که قدم بعدیتان چیست؟ بله! مطمئن باشید که خدا قادر است سخن گوید و می‌خواهد تا شما از اراده او باخبر باشید و هم اکنون نیز چاره‌ای اندیشیده است تا با شما سخن گوید.

جواب‌های خود را مقایسه کنید:

۵- در زیر ستون ۱، اطاعت مسیح، این موارد باید باشند:

- (a) بخشش بر همه آمد.
- (b) (c) بشر آزاد شد.
- (c) (d) زندگی عطا گردید.

و در زیر ستون ۲، ناطاعتی آدم:

- (b) مرگ حاکمیت یافت.
- (e) محکومیت بر همه آمد.

۱- (c) یوحنا ۱۷: ۸

(d) اعمال ۱۸: ۸

- ۶- خدا از شما می‌خواهد تا به تبعیت از طرح الهی ادامه دهید، زیرا اطاعت شما، برکت می‌آورد، ملکوت و پادشاهی خدا را برقرار می‌سازد و او را خشنود می‌نماید.
- ۲- زیرا شخص زمانی نجات می‌یابد که از این تعلیم "به مسیح ایمان آورد" اطاعت می‌کند "جواب شما باید مشابه این جواب باشد).

:۷

(a) ۳-یوحنا ۱۴:۲۶

(b) ۵-یوحنا ۱۶:۱۴

(c) ۱-یوحنا ۱۴:۱۶

(d) ۳-یوحنا ۱۴:۲۶

(e) ۴-یوحنا ۱۶:۱۳

(f) ۵-یوحنا ۱۶:۱۴

(g) ۲-یوحنا ۱۴:۱۷

۳-جواب خودتان. من جواب می‌دادم "اگر شما به مسیح ایمان دارید، در اینصورت همین الان هم با اطاعتی که نشان داده‌اید در نقشه الهی جای گرفته‌اید. شما با ایمان آوردن به مسیح و با باور کردن شهادت کلام خدا و روح القدس از خدا اطاعت کردید.

۸- (b) خود روح القدس از طریق ما دعا می‌کند

۴- (a) به ایشان فرمود که از تمامی دستورات او اطاعت کنند.

(b) به ایشان فرمود که آنها از تمامی بیماریهایی که بر مصریان آمد مصون خواهند بود.

۹- جواب شما بایستی شبیه جواب زیر باشد:

(a) مسیح فرمود که روح القدس خواهد آمد تا مؤمنین او را هدایت کند

(b) وعده مسیح مبنی بر نزول روح القدس در روز پنطیکاست جامه عمل پوشید و

(c) روح القدس از طریق ما دعا می کند، عطایای معرفت و حکمت می بخشد، و در ما ساکن می گردد. او کتاب مقدس را که کلام خداست به ما عطا کرده است.

درس ۳

آیا خدا بیش از اندازه توقع دارد؟

... نقشه خدا بسیار بزرگ است!

سام، هفده سال داشت و این اولین باری بود بود که از شهر خود بیرون آمده بود. او سالها در زادگاه خود که شهر کوچکی بود به تحصیل اشتغال داشت. حال می‌رفت تا در دانشگاه پایتخت به تحصیل ادامه دهد. اولین روز کلاس برایش واقعاً دلهره‌آور بود. تعدادی افرادی که در هر کلاس دانشگاه شرکت می‌کردند برابر با کل دانش‌آموزان مدرسه‌ای بود که قبلاً در آن درس می‌خواند. علاوه بر آن، معلم نیز کارها و تکالیفی را که باید در طی سال انجام می‌دادند اسم برد: متونی که می‌بایست بخواند، تکالیف نوشتنی، امتحانات، گزارشات شفاهی، و پروژه‌ها. انجام دادن تمامی اینها بنظر غیر ممکن می‌رسید. سام واقعاً مأیوس شد.

آنچه را که سام نفهمید، این بود که تمامی این تکالیف، همه برای یک روز نبودند. گذشته از آن، خود معلم نیز کمک می‌کرد. معلم برای همین آنجا بود - که به سام کمک کند تا به اهداف آموزشی خود برسد. بله درست است انجام دادن نقشه الهی با قوت طبیعی ما کار محالی است. اما زمانی که خدا با انسان است، همه چیز امکان پذیر می‌باشد. در این درس خواهیم دید که خدا چه انتظاری از ما

دارد و وقتی تلاش می‌کنیم تا به اهدافی که او برایمان مقرر کرده است، دست یابیم، در ما و برای چه کاری انجام می‌دهد.

آنچه در این درس خواهید خواند...

خدا چیزهای بزرگی انتظار دارد
خدا با قدرت کمک می‌کند
زمانی که ما شکست می‌خوریم، خدا باز نمی‌ایستد

این درس به شما کمک خواهد نمود تا ...

- △ آنچه را که خدا از ما انتظار دارد، توصیف کنید.
- △ بدانید چگونه می‌توانیم انتظارات خدا را برآورده کنیم.
- △ توضیح دهید که چرا قصورات ما نقشه‌هایی را که خدا برای ما دارد، از بین نمی‌برد.

خدا چیزهای بزرگی انتظار دارد

زمانی که با خدا در نقشه الهی همکاری می‌کنید، آینده جالبی را برای خود تدارک می‌بینید. نقشه‌ای که خدا برایتان دارد نقشه‌ای است نیکو و ابدی. بگذارید لحظه‌ای در برخی از اهدافی که خدا برایمان مقرر ساخته است، تأمل کنیم. این اهداف بخشی از نقشه الهی هستند. ما مخصوصاً آن دسته از اهدافی را بررسی خواهیم کرد که خدای برای همه ما مقرر کرده است. همانطور که خدا، ما را در دست یابی به این اهداف کمک می‌کند، در عین حال قادر است تا نقشه خود را برای زندگی فردی ما نیز به انجام رساند.

تبدیل

رومیان ۲:۱۲ اشعار بر آن دارد که ما باید کاملاً عوض شویم. فکر می‌کنم در این دنیا اشخاص زیادی باشند که دوست دارند عوض شوند. اما زمانی که به دنبال این هدف تلاش می‌کنند تا از دیگر اشخاص و یا برخی از عقاید تقلید کنند، تنها بعضی از چیزهای ظاهری آنها عوض می‌شوند. آیا کل نقشه الهی همین است؟ آیا خدا از ما می‌خواهد که تنها المثنای ظاهری افرادی باشیم که بنظر خوب می‌رسند؟ انجام این عمل نه تنها مشکل است، بلکه غیر ممکن هم بنظر می‌رسد. از طرف دیگر، اگر به آن دست یابیم چه ارزشی خواهد داشت؟ شما بارها در مورد بزرگی نقشه الهی فکر کرده‌اید! آیا در این نقشه ما باید صرفاً المثنای دیگران باشیم؟ این ایده زیاد هم مناسب به نظر نمی‌رسید.

عوض شدن و تبدیل، چیزی بسیار فراتر از تقلید است. تبدیل، کلیدی است برای نقشه الهی. بدون تبدیل، قسمت اعظم نقشه الهی دست نیافتنی است.

فریسیان، رفتار مذهبی را کپی می‌کردند. آنها عوض نشده بودند. ببینید که در متی ۷:۱۵-۸ عیسی به آنان چگونه صحبت می‌کند. آنها دشمنان خود را محبت نمی‌کردند و این زیاد هم عجیب نیست. ما هم طبیعتاً نه می‌توانیم آنها را محبت کنیم و نه برای لعن کنندگان خود برکت بطلبیم. اگر به "موعظه سر کوه"

نگاه کنیم. متوجه می‌شویم که انجام بسیاری از دستورات مسیح مطلقاً محال اند.... مگر اینکه عوض شده باشیم.

شاید همین الان هم، با برخی از انتظاراتی که خدا از شما دارد و بنظر محال می‌رسند، مواجه هستید.

آنچه باید انجام دهید

۱. در ستون سمت چپ آیاتی از کلام خدا ذکر شده است. این آیات را بخوانید. آنگاه هر یک از آنها را به شخصی که در ستون سمت راست آمده است مربوط کنید.

۱- کسی که سعی می‌کند تقلید کند (a) متی ۴۰:۵

۲- کسی که عوض شده است (b) متی ۴۴:۵

(c) متی ۲:۶

(d) متی ۵:۶

(e) لوقا ۳۶:۶

اطاعت

در درس پیش به این واقعیت رسیدیم که خدا از ما توقع دارد اطاعت کنیم. وقتی ما بخواهیم اطاعت کنیم و او نیز بخواهد که ما اطاعت کنیم آیا چیزی می‌تواند ما را مانع گردد؟ بله خیلی چیزها.

در کتاب مقدس، بعضی از مزامین عملی‌اند به این معنی که به ما دستور می‌دهند تا کاری را انجام دهیم. اما فرامینی هم هستند که

منفعل بنظر می‌رسند. به این معنی که به ما امر می‌کنند تا بگذاریم کاری و یا چیزی در ما انجام پذیرد و یا چیزی را تجربه کنیم. ما بارها شاهد بوده‌ایم که اطاعت از فرامین منفعل برایمان غیر ممکن است. اما بدانید که اطاعت از فرامین عملی هم به همان میزان، غیر ممکن و محال‌اند، زیرا از ما می‌خواهند تا مخالف با آنچه که امیال طبیعی ما می‌خواهند، رفتار کنیم.

حتی زمانی هم که عوض شده‌ایم، انجام دادن آنچه که درست است، آسان بنظر نمی‌رسد. از همان زمانی که تلاش می‌کنیم تا کار درست را انجام دهیم، یعنی همان معیاری را که مسیح برایمان مقرر ساخته است، با دیگر نیروهای درکار مواجه شده و می‌بینیم که این نیروها سعی می‌کنند ما را به انجام عملها و رفتارهای غلط وادارند.

آنچه باید انجام دهید

۲. رومیان ۲۱:۷-۲۳ را بخوانید و در دفتر یادداشت خود برای دو سؤال زیر جوابی مناسب بنویسید.

(a) تضاد و منازعه‌ای که پولس رسول از آن سخن می‌گوید چیست؟

(b) پولس در مورد این موقعیت چه توصیفی را بیان می‌دارد؟

پولس، خود، این شریعت را ایجاد نکرد. او این شریعت را در وجود خود، سرگرم فعالیت دید. این شریعت، از اطاعت ساده به

امری که او درستی آن را می‌دانست و مایل به انجام آن بود، ممانعت بعمل می‌آورد.

رشد

خدا علاوه بر تبدیل و اطاعت، از ما توقع دارد که رشد هم بکنیم. او نمی‌خواهد که ما "کودکان روحانی باشیم، بلکه دورهٔ کودکی را طی کرده و عاقبت بالغ گردیم. در حین رشد، تصمیم می‌گیریم که مهم‌ترین چیز کدام است و بدین ترتیب می‌توانیم بطور صحیح انتخاب کنیم. این کار به شخصیت ما استحکام می‌بخشد. در حین رشد نه تنها بیشتر یاد می‌گیریم، بلکه از مرحله گرفتن به مرحله دادن، می‌رسیم. ما از مرحلهٔ پیوسته یاد گرفتن به مرحلهٔ قبول مسئولیت برای تعلیم دادن، وارد می‌شویم. با این وجود در حال حاضر صحبت ما در مورد اولین قدمها در آگاهی از نقشه الهی است، تعلیم به دیگران ممکن است یکی از آن اهداف دست نیافتنی بنظر آید.

آنچه باید انجام دهید

۳. آیات زیر را از رساله افسسیان بخوانید. در مقابل آن موردی که جریان رشد روحانی را توصیف می‌کند، علامت بگذارید.

۵-۴:۲ (a)

۱۵-۱۳:۴ (b)

۲-۱:۵ (c)

۴. یکی از موارد زیر به بهترین نحو خود بیان می‌کند که چرا ما در انجام خواسته‌های الهی، احتیاج به کمک خدا داریم. آن مورد را مشخص کنید.

- (a) کسانی که جدیدالایمان هستند، نمی‌توانند توقع داشته باشند که خدا با آنها سخن گوید.
- (b) ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که بسیاری از اشخاص از انجام اراده الهی، سرباز می‌زنند.
- (c) تمایلات طبیعی ما نمی‌گذارد تا ما آنچه راکه خدا انتظار دارد، انجام دهیم.
- (d) برای ما دانستن خواسته الهی واقعاً امر مشکلی است.

خدا با قدرت کمک می‌کند

آیا خدا بیش از حد توقع دارد؟ آیا این امکان هست که بتوان خدا را راضی کرد؟ آیا او کمک می‌کند؟ چندی قبل به برخی از اهدافی که خدا برایمان مقرر داشته است، اشاره کردیم. این اهداف آنطورها هم که بنظر می‌رسند، متفاوت نیستند. این اهداف تنها نشانگر آن نوع کارهای الهی هستند که خدا می‌خواهد از نقطه نظرهای مختلف در ما انجام دهد.

ما قبلاً تأکید کردیم که در نقشه الهی، این اهداف بنیادی هستند و خدا در مورد آنها بیش از دیگر اهداف توقع دارد. خدا برای دست یابی به این اهداف چه کمکی می‌کند؟ بگذارید چندی

به آنچه که مطالعه کردیم برگردیم و ببینیم که خدا در تبعیت از نقشه الهی چه کمکی می‌تواند انجام دهد.

خدا ما را عوض می‌کند

یکی از رازهای بزرگ طبیعت، چگونگی تبدیل کرم ابریشم به پروانه می‌باشد. کرم ابریشم بیشتر از هر چیز به یک کرم شبیه است. کرم ابریشم می‌خزد و حتی اگر بخواهد هم نمی‌تواند پرواز کند. چگونه می‌توان انتظار داشت که این موجود به پروانه‌ای آن چنان زیبا تبدیل شود؟ با اینحال علیرغم انتظار ما، خدا در چارچوب حیات این جانور، تبدیل و تغییر فوق را طرح‌ریزی کرده است. نظر خدا این است که کرم ابریشم بعد از مدتی خزیدن بتواند پرواز کند. این تبدیل و تغییر چگونه روی می‌دهد؟

کرم ابریشم زمانی که به پيله خود می‌رود به عنوان یک کرم ابریشم "می‌میرد" تا بصورت پروانه‌ای از آن بیرون آید. کرم ابریشم پرواز کردن را یاد نمی‌گیرد. کرم ابریشم بر اساس غریزه و طبیعت خود می‌خزد و پروانه نیز بر اساس غریزه و طبیعت خود به پرواز درمی‌آید. این تبدیل که به "تغییر شکل" موسوم است، نتیجه تلاش کرم ابریشم در تقلید از پروانه نیست، بلکه ماحصل تغییری درونی است.

آنچه باید انجام دهید

۵. در کتاب مقدس خود آیات زیر را بخوانید. کدامیک از این آیات به بهترین نحو خود "تغییر شکل" را در زندگی مسیحی نشان می‌دهد؟

(a) غلاطیان ۲:۱۹-۲۰

(b) افسسیان ۱:۹-۱۰

(c) دوم پطرس ۱:۱۰

"تغییر شکل" کرم ابریشم حقیقتاً می‌تواند آنچه را که خداوند در ما انجام می‌دهد، مجسم سازد. تغییر شکل، همان ایده‌ی داده شده در رومیان ۱۲:۱-۲ در رابطه با تغییر که خدا انتظار دارد می‌بینیم و توجه داشته باشید - این امر تنها زمانی اتفاق می‌افتد که اصل و بنیاد یک حیات جدید در ما باشد. همانطور که قبلاً نیز ذکر شد، کرم ابریشم در تغییر و تبدیل خود به هیچ تلاشی دست نمی‌زند. حیاتی که خدا در او گذاشته است، باعث می‌شود که او به پروانه تبدیل شود. ما نیز به همین شیوه توسط روح القدس که روح الهی ساکن در ماست، عوض می‌شویم و تغییر می‌یابیم.

آنچه باید انجام دهید

۶. رومیان ۱۲:۱-۲ را بخوانید و در دفتر یادداشت خود به سؤالات زیر جواب دهید:

(a) دو موردی که از ما خواسته می‌شود تا انجام دهیم، کدامند؟

(b) چه کاری را ما باید اجازه دهیم تا خدا انجام دهد؟

قدرت خدا در ما کار می‌کند

دیدن سهم خدا در فرامین "منفعل" که تنها همکاری ما مورد نیاز می‌باشد، بسیار آسان است. اما در مورد فرامینی که خدا از ما می‌خواهد چطور؟ آیا برای انجام آن به قوت خود تکیه می‌کنیم؟ در افسسیان ۲۰:۶-۱۷:۴ به عنوان مثال چندین طریق عملی ذکر می‌گردد که می‌توانیم توسط آنها مسیحیت و شباهت خودمان به مسیح را نشان دهیم. ممکن است چنین تصور شود که این موارد را حداقل برای آن ذکر کرده‌اند تا آنها را انجام دهیم. اما حتی انجام آنها نیز توقع بیش از اندازه‌ای از توانایی شخصی ما می‌باشد.

در افسسیان ۱۰:۲ می‌خوانیم که خدا ما را آفرید و ما در عیسی مسیح، خلق شده‌ایم تا اعمال نیکو بجا آوریم. این اعمال نیکو در افسسیان ۲۰:۶-۱۷:۴ بیان شده‌اند. سپس در افسسیان ۲۰:۳ گفته شده است که "الحال او را که قادر است بکند بی‌نهایت زیاده‌تر از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم به حسب آن قوتی که در ما عمل می‌کند."

در این مورد لحظه‌ای فکر کنید. تقاضای ما به نزدیکی حد قدرت و توانایی او نمی‌آید، و آن قدرت در درون ما عمل می‌کند.

ما از "شریعتی" اسم بردیم که در پولس کار می‌کرد (و در هر یک از ما نیز کار می‌کند).

همان شریعت باعث می‌شد که مانعی در مقابل اطاعت کامل پولس ایجاد شود. اگر این شریعت تا این حد قوی باشد، آیا می‌توانید نقشه‌ای را که خدا در مورد ما دارد، محدود سازد؟

پولس حداقل یکبار در طول حیات خود احساس نمود که این "شریعت" بطور مؤثری او را از انجام آنچه که باید انجام دهد، باز می‌دارد. اما جواب به این معما هم در رومیان ۸: ۱-۴ داده شده است. تأثیر "شریعتی" که باعث ناطاعتی می‌شود، از بین رفته است: "هیچ قصاص نیست" (رومیان ۸: ۱). بجای آن قدرت خدا در ما کار می‌کند.

خدا با فرستادن پسر خود حقیقتاً ما را یاری نمود. او ما را بوسیله قدرت روح القدس حقیقتاً یاری می‌کند. نقشه خدا برای شما چیزی نیست که او فقط از شما انجام آن را بخواهد. نقشه الهی عملاً چیزی است که خدا می‌خواهد هم در شما و هم از طریق شما انجام دهد.

کتاب مقدس آیه مهمی را بکار می‌گیرد تا تعادل بین تلاش ما در انجام طرح الهی و کمکی را که می‌توانیم از سوی خدا انتظار داشته باشیم، بهتر به ما بفهماند. این ایده در فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳ بیان شده است:

نجات خود را با ترس و لرز به عمل آورید. زیرا خداست که در شما بر حسب رضامندی خود هم اراده و هم فعل را به عمل ایجاد می‌کند.

آنچه باید انجام دهید

۷. در زیر سه مورد بیان شده است. هر یک از این سه مورد بیانگر طریقی هستند که می‌توان بوسیله آن به اهدافی که خدا مقرر داشته است، رسید. در مقابل آن موردی که بهتر از دو مورد دیگر این مطلب را بیان می‌کند، علامت بزنید.

تصمیم می‌گیریم که از متابعت دنیا دست برداریم. در حین انجام این کار فکر خود را عوض می‌کنیم بطوریکه می‌توانیم از خدا اطاعت کنیم و با سعی و اهتمام به اهداف مورد نظر دست می‌یابیم. خود را به خداوند وقف می‌کنیم و بر آن می‌شویم تا از او اطاعت کنیم. در همان زمان قدرت خدا در ما کار می‌کند تا ما را عوض نماید. ما و خدا با یکدیگر به سوی اهدافی که او برایمان مقرر داشته است، حرکت می‌کنیم.

خدا فکر ما را کنترل می‌کند و ما را بر آن می‌دارد تا آنچه را که درست است، انجام دهیم. از آنجا که اهداف مقرر شده بسیار مشکل‌ن‌اندان‌دشی‌اند، خود خدا تمامی کارها را انجام می‌دهد تا به ما کمک کند به این اهداف دست یابیم.

زمانی که ما قصور می‌ورزیم و شکست

می‌خوریم، خدا باز نمی‌ایستد

در درک و شناخت نقشه الهی و تبعیت از هدایت او، جنبه‌ای هست که ما دوست نداریم با آن روبرو گردیم! بعضی اوقات ما شکست می‌خوریم و قصور می‌ورزیم. شاید این امر به دلیل عدم آگاهی و یا ضعیف ما صورت می‌گیرد. بعضی اوقات حتی انگیزه‌هایمان نیز با همدیگر قاطی می‌شوند. علیرغم "قدرتی که در ما عمل می‌کند" (افسیان ۲۰:۳)، علیرغم این حقیقت که "خدا در کار است" (فیلیپیان ۱۳:۲)، ما باز شکست می‌خوریم.

شکست و قصور. خدا برای گناه جوابی دارد - بخشش، تولد تازه. اما اگر بعد از تولد تازه هم قصور ورزیدیم آن موقع چطور؟ آیا شکست و قصور، طرح الهی را عوض می‌کند؟ آیا خدا نقشه دیگری برای ما بکار می‌گیرد؟ اگر ما نقشه اول خدا را خراب کنیم آیا خدا برای زندگی ما نقشه دومی هم دارد؟ آیا شکست ما او را به تعجب وامی‌دارد؟ آیا اگر شکست بخوریم خدا ما را رها می‌کند تا با مسائلی که پیش می‌آید به قوت خودمان برخورد کنیم؟

بیاید به حقایقی که می‌توانند ما را در شناخت و درک شکست یاری کنند لحظه‌ای بنگریم - به اینکه چرا ما شکست می‌خوریم و خدا چگونه آن را جواب می‌دهد. این امر ما را کمک می‌کند تا بتوانیم به سؤالات بالا، پاسخ گوئیم.

شکستهای که در گذشته داشته‌ایم، بر ما اثر می‌گذارند بسیاری از احساسات و عواطف ما توسط گذشته خود ما شکل می‌گیرند. به عنوان مثال، اگر یک روز تعطیل هر سال بطریقی جشن گرفته شود، بعد از چند سال با نزدیک شدن آن روز احساس خصوصی به انسان دست می‌دهد. بعضی از تعطیلات، روزهای جشن و شادی، خانواده‌ها و دوستان به یکدیگر هدیه می‌دهند، خانه‌ها را تزیین می‌کنند، همه‌جا آواز سرود و شادی است. اینگونه تعطیلات تا فرا می‌رسند تمام خاطرات جشنهای سالهای گذشته نیز دوباره زندگی می‌گردند و به مردم احساس مشخصی دست می‌دهد و آن احساس بر طرز فکر آنها اثر می‌گذارد.

بعضی اوقات شکستهایی که در زندگی ما پیش می‌آیند بدین طریق احساسات ما را شکل می‌بخشند. قبل از اینکه مسیح پای به قلب ما بگذارد، گذشته‌ای داریم که از هر گوشه آن گناه می‌چکد. زمانی که شرایطی فرا می‌رسند که ما را در گذشته در شرایطی شبیه آن شکست خورده‌ایم، خاطرات این شکستها دوباره زنده می‌شوند. آنگاه احساس ما، ما را وامیدارد تا به شیوه‌ای مشخص فکر کنیم. ممکن است شیطان از این خاطرات و احساسات سود جوید و ما را مورد وسوسه قرار دهد و ما دقیقاً همان‌گونه رفتار کنیم که قبلاً کرده بودیم.

آنچه باید انجام دهید

۸. کدامیک از موارد زیر به نحو خوبی بیانگر نمونه‌ای هستند که نشان می‌دهد شکستهای گذشته شخص می‌تواند بر چگونگی احساسات او اثر گذارد؟

a. ترزا قبل از اینکه ایمان آورد، دوستان نادرستی داشت. ترزا به منظور حفظ دوستی خود با آنها، همان اعمالی را مرتکب می‌شد که آنها مرتکب می‌شدند. حال که او به مسیح ایمان آورده است دیگر به این گونه اعمال دست نمی‌زند. دوستان جدیدش او را تشویق می‌کنند که درست زندگی کند.

b. جسی قبل از اینکه ایمان آورد، اغلب نسبت به کسانی که عقایدی مخالف با عقاید او داشتند، خشمگین بود. او اخیراً برادری مسیحی را ملاقات کرد که با او هم عقیده نبود، جسی متوجه می‌شود که نسبت به این برادر احساس خشم و کینه دارد.

ما بعد از اینکه نجات یافتیم با اینکه مجبور نیسیم گناه کنیم، اما مرتکب آن می‌شویم. عادات ما همیشه درست نیستند. مطمئناً محیط اطراف زیر لعنت قرار دارد. ما شکست می‌خوریم چون انسان هستیم. هنوز وسوسه می‌شویم. هنوز در دنیایی سقوط کرده زندگی می‌کنیم. هنوز رشد می‌کنیم و هنوز عوض می‌شویم.

خدا قصورات و شکستهای ما را می داند

خدا نسبت به همه شکستهای ما آگاهی دارد. دانستن این نکته مهم است که ما به هیچ وجه نمی توانیم او را متعجب کنیم. هیچ شرایطی در زندگی ما او را به تعجب و انمی دارد. آنچه که ما را متعجب می کند باعث تعجب او نمی شود. اگر گناه ما، خدا را متعجب نمی کند، اگر او به شکستها و قصورات ما حتی پیش از آنکه آنها را تجربه کنیم، آگاه است، پس می توانیم مطمئن باشیم که خدا آنها را هم به حساب آورده است.

آنچه باید انجام دهید

۹. در پایان درس اول از شما خواسته شد تا مزمور ۱۳۹ را مطالعه کرده و در مورد آن تفکر کنید. این مزمور ما را مطمئن می کند که خدا همه چیز را در مورد ما می داند. آیات ۲-۴ و ۱۱-۱۶ را دوبار بخوانید و در مقابل هر یک از اظهارات درست زیر علامت بزنید.

- (a) آگاهی خدا نسبت به ما از زمان تولدمان شروع می شود.
- (b) برخی از افکار ما بر خداوند پوشیده است.
- (c) تمامی اعمال ما بر خداوند آشکار است.

فیض خدا بر شکستهای ما چیره می‌شود

گفتیم که خدا نسبت به شکستهای ما آگاه است. با توجه به حقیقت شکست، چه چیزی به ما اطمینان می‌بخشد که فیض خداکماکان در زندگی ما کار خواهد کرد؟

اول، بخشش الهی در دسترس ماست. این طریقی است الهی که ما را از گناهان جدا سازد. در اول یوحنا ۹:۱ می‌خوانیم که خدا وعده فرموده است که گناهان ما را در صورتی که اعتراف کنیم، می‌بخشد. نقشه‌ای که خداوند در مورد ما دارد به هیچ وجه بر اساس توان ما مبنی بر اینکه می‌توانیم کامل باشیم، استوار نشده است، بلکه بر شناخت و توان خود او.

دوم، قدرت خدا در دسترس ماست. تمام قدرتی را که خدا بکار گرفت تا شما را به نجات آورد بعد از شما نیز در دسترس قرار دارد. خدا منتظر نشد تا شما نجات یابید و پس از آن برای زندگی شما نقشه‌ای ترتیب دهد. تجربه نجات شما روز انتخاب شما را مشخص ساخته است نه او را. به عنوان فرزند خدا، می‌توانید مطمئن باشید که قدرت الهی همین الان در دسترس شماست.

این قدرت بسیار مؤثر است. در دوم قرن‌تیا ۷:۱۲-۱۰ پولس از تجربه‌ای که داشته است سخن می‌راند. او از مشکلی که برایش دعا می‌کرد، خلاصی نیافت. اما پولس از این تجربه درسی آموخت که به ما نشان می‌دهد قدرت خدا چقدر مؤثر و کارساز است.

آنچه باید انجام دهید

۱۰. دوم قرن‌تین ۷:۱۲-۱۰ را بخوانید و در دفتر یادداشت خود به سؤالات زیر جواب دهید:

(a) پولس در تجربه خود، در مورد قدرت الهی چه درسی آموخته است؟

(b) در نتیجه این درس، پولس توان انجام چه کاری را یافت؟

گذشته از تمامی اینها، قدرت خدا بالاتر از شکستهای ما کار می‌کند. موردی که ما اغلب در مواقع شکست با آن روبرو می‌شویم این است: آیا شکست به این معنی است که من نقشه شماره یک را از دست داده‌ام و حال می‌توانم از نقشه شماره ۲ خدا بهره‌مند گردم؟ آیا من طرح کامل او را بهم ریختم؟ خدا به ارمیای نبی درسی آموخت که ما را در درک این مطلب قویاً یاری می‌کند. ارمیا بعد از مشاهده قصور و شکست بنی اسرائیل به خانه کوزه‌گری فرستاده شد (ارمیا ۱۸: ۱-۱۰). او کوزه‌گر را دید که مشغول کار است و گل بر می‌دارد و به آن شکل می‌بخشد. اما در وسط کار "شکستی" در گل بوجود می‌آید. کوزه‌گر بجای اینکه گل را به کناری بیندازد و یا کوزه‌ای ترک دار درست کند، از سر نو گل را بصورت کوزه‌ای کامل شکل می‌بخشد.

در معرفت الهی، عدم کاملیت شما به همان اندازه کاملیتتان آشکار و معلوم است. با اینحال خدا هنوز هم می‌خواهد که شما را به کوزه‌ای مبدل سازد که او را خشنود می‌کند. خدا در ترکیب گل

زندگی شما می‌بیند که "مسیح در شما" است (کولسیان ۱: ۲۷). شکست و حتی گناه، این حقیقت را که مسیح در شما زندگی می‌کند، تغییر نمی‌دهد.

در عبرانیان ۱۱ به اسامی اشخاص زیادی بر می‌خوریم که به قهرمانان ایمان موسوم‌اند و اسم و رسمی دارند. مطمئناً در مورد آنها نمی‌توان گفت که نقشه شماره یک خدا را خراب کرده‌اند و خدا نقشه شماره ۲ را در مورد آنها بکار برده است. اما به این اسامی دوبار نگاه کنید. اگر شما داستان زندگی این اشخاص را بخوانید، می‌فهمید که شکست برای این افراد کلمه آشنایی بوده است. آنها هم، شکست خورده بودند - اما با اینحال کتاب مقدس از آنان به عنوان قهرمانان ایمان نام می‌برد.

آنچه باید انجام دهید

۱۱. گفتیم که می‌توانیم مطمئن باشیم که شکستها، قصورات و ضعفهای ما نقشه‌ای را که خدا در مورد ما دارد، برهم نمی‌زند. از میان موارد زیر، آن موردی را که دلیل این امر را بخوبی بیان می‌کند، علامت بزنید.

- (a) هر کسی در زندگی‌اش شکست‌هایی دارد.
- (b) نقشه خدا متکی بر توانایی ما می‌باشد تا بعد از اینکه ما مسیح را پذیرفتیم، این نقشه در تبعیت کامل توانایی ما باشد.
- (c) زمانی که خدا برای ما نقشه می‌ریخت، نسبت به شکست‌های آینده ما آگاهی داشت.

(d) شکستها و گناهان ما در مقابل قدرت الهی ای که در ما کار می‌کند، ممانعتی ایجاد نمی‌نماید.

(e) مردم اغلب به این دلیل شکست می‌خورند که گذشته‌ای مملو از شکست دارند.

(f) خدا برای آنها که در نقشه شماره ۱ شکست می‌خورند، نقشه شماره ۲ خود را مهیا می‌کند.

شما نیز همانند اشخاصی که در عبرانیان ۱۱ از آنها یاد شده است، می‌توانید ارادهٔ کامل خدا را علیرغم شکستهایی که داشته‌اید، تجربه کنید. عیسی همان چیزی را که به پولس گفت به شما نیز می‌گوید "قوت من در ضعف کامل می‌گردد" (دوم قرنتیان ۹:۱۲). قدرت او می‌تواند بر شکستهای ما چیره گردد و این امکان را برایتان فراهم سازد تا نقشه الهی را به انجام رسانید.

جواب‌های خود را مقایسه کنید:

(a) ما باید (۱) خود را همانند قربانی زنده تقدیم کنیم و

(۲) و نگذاریم که هم شکل این جهان گردیم.

(b) ما باید اجازه دهیم که خدا ما را با تغییر ذهن و

فکرمان، باطناً تبدیل کند. (جواب شما نیز بایستی مشابه جواب بالا باشد).

- ۱- (a) شخصی که عوض شده است.
 (b) شخصی که عوض شده است.
 (c) شخصی که سعی می کند تقلید کند.
 (d) شخصی که سعی می کند تقلید کند.
 (e) شخصی که عوض شده است.
 ۷- (b) ما خود را به خداوند
- ۲- (a) او می خواست آنچه را که درست است، انجام دهد، اما عملاً
 آنچه را که غلط بود، انجام می داد.
 (d) او می گفت که در درون او شریعتی در کار است که او را به
 زندانی گناه تبدیل کرده است.
 ۸- (b) جسی قبل از اینکه
- ۳- (b) ۱۳:۴-۱۵
 ۹- (a) غلط
 (b) غلط
 (c) درست
- ۴- (c) تمایلات طبیعی مان نمی گذارند تا ما آنچه را که خدا انتظار
 دارد، انجام دهیم.
- ۱۰- (a) پولس فهمید زمانی که او ضعیف است، قدرت الهی،
 قوی ترین است.

- (b) پولس می‌توانست در ضعف خود شادی کند زیرا در این موقع بود که قدرت الهی را به بهترین نحو خود تجربه می‌کرد. (جواب شما باید شبیه جوابات بالا باشد).
- ۵- (a) غلاطیان ۲: ۱۹-۲۰.
- ۱۱- (c) خدا زمانی که ...
- (d) شکستها و گناهان ما.....

درس چهارم

آیا از نقشه الهی منحرف شده‌ام؟

...زندگی همیشه راحت نیست.

بعضی اوقات انجام دادن ارادهٔ خدا دلپذیر است و بعضی اوقات مشکل. ابراهیم با یکی از اوقات مشکل روبرو گردید.

خدا به ابراهیم وعده فرموده بود که او را پدر ملت بزرگی خواهد ساخت. اما سالها از این وعده گذشته بود و از انجام آن هنوز خبری نبود. نقشه‌ای را که ابراهیم و سارا براساس وعدهٔ الهی ریخته بودند، برایشان تنها غم و غصه به ارمغان آورده بود. در این زمان بود که خداوند دوباره با ابراهیم سخن گفت و وعده خود را یادآور شد. بالاخره این وعده با تولد معجزه‌وار اسحاق صورت حقیقت و انجان بخود گرفت. اما امتحان ابراهیم هنوز تمام نشده بود.

چند سال بعد، خدا به ابراهیم فرمود که فرزند خود اسحاق را که بسیار دوست می‌داشت در کوهستان موريا برای او قربانی کند. ابراهیم در چالشی بزرگ افتاد و تلاش می‌نمود تا علیرغم احساسات، شرایط و میال شخصی خود از خدا اطاعت کند. ابراهیم از این چالش پیروز بیرون آمد. او از ارادهٔ الهی اطاعت کرد و معجزه‌ای بزرگ را تجربه کرد. خدا به جای اسحاق قوچی را به جهت قربانی عرضه داشت. (پیدایش ۱:۲۲-۱۹).

شما نیز ممکن است با چالشی شبیه این روبرو گردید. خدا ممکن است از شرایط بخصوصی در زندگی شما استفاده کند و شما را نیز زیر آزمایش بکشد. در این درس خواهیم دید که شرایط ما چه رابطه‌ای با نقشه الهی دارد. در حین مطالعه به طریقی برخورد خواهید نمود که خدا از آن طرق شرایط را بکار می‌گیرد تا نقشه‌ای را که برای زندگی شما دارد به مرحله انجام رساند.

آنچه در این درس خواهید خواند...

- شرایط، سؤالاتی را مطرح می‌سازد.
- شرایط، می‌تواند ایمان ما را بیازماید.
- شرایط، می‌تواند ما را دیسپلین بخشد.
- شرایط، می‌تواند ما را تشویق کند.

این درس به شما کمک خواهد کرد تا...

- ☐ دلایلی بیان دارید که چرا خدا اجازه می‌دهد با مخالفتها و مشکلات روبرو گردیم.
- ☐ تشریح کنید که چرا زمانی که می‌خواهیم از نقشه الهی تبعیت کنیم، مشکلات بروز می‌کنند.
- ☐ تبعیت کنیم، مشکلات بروز می‌کنند.
- ☐ ارزش و فوایدی را که می‌توانیم از مشکلات کسب کنیم، تشریح کنید.

شرایط، سؤالاتی را مطرح می‌سازد

زمانه‌هایی پیش می‌آیند که گویی ارادهٔ خدا بوسیله شرایطی که وجود دارد، تأیید می‌گردد. مواقعی نیز هستند که شرایط عینی انجام ارادهٔ خدا را بسیار مشکل می‌نمایند. آیا بروز ناراحتی و مشکلات به این معنی است که ما از نقشه الهی منحرف شده‌ایم؟ آیا این امکان وجود دارد که از ساده و یا مشکل بودن انجام ارادهٔ الهی نسبت به آن آگاهی حاصل کنیم؟ اگر انجام ارادهٔ الهی بنظر غیر ممکن رسد چه باید کرد؟ به عبارت دیگر اگر شرایط ظاهری با آنچه که بنظر ما ارادهٔ الهی می‌رسد، مخالف باشند، چه باید کرد؟ بگذارید رابطه‌ای را که شرایط ما با نقشه و ارادهٔ الهی دارند، بررسی کنیم.

شرایط می‌تواند ایمان ما را بیازماید

ما با آزمودن چیزی می‌فهمیم که آن چیز چقدر ارزش دارد. یک ملاح قایقی را پیش از اینکه بخواهد اقیانوسی را با آن بپیماید در دریاچه و یا بندری مورد آزمایش قرار می‌دهد. یک کوهنورد طناب کوهنوردی خود را پیش از اینکه به آن اعتماد کند و جان خود را به خطر اندازد، مورد امتحان و آزمایش قرار می‌دهد.

بعضی مواقع چنین بنظر می‌رسد که خدا شرایط مشکل را بکار می‌گیرد تا ایمان ما را بیازماید. او ایمان ما را از آن جهت می‌آزماید که رابطه مستقیم ما با او همین ایمان است. خدا از طریق ایمان کار

می‌کند. بدون ایمان، تمام آنچه که ما انجام می‌دهیم نه او را خشنود می‌سازد و نه در نقشه الهی‌اش می‌گنجد. (عبرانیان ۶:۱۱).

شرایط، می‌تواند ایمان ما را بیازماید

آزمایش، ایمان ما را آشکار می‌سازد

بعضی از مردم فکر می‌کنند که به خدا توکل دارند و این در زمانی است که اصولاً لزومی در آن نیست. شرایط و حوادث همیشه توکل و اعتماد آنها را نسبت به خدا حمایت نموده و انجام اراده الهی را برایشان یک کار بسیار سهل و آسان گردانیده است. در بسیاری از اوقات آنها آنچه را که خودشان می‌خواهند انجام می‌دهند و اغلب اتفاقی می‌افتد که خواسته آنها، اراده خدا هم هست. این ایمان چقدر قابل اطمینان است؟

خدا از ما می‌خواهد که ببینیم چقدر به او اعتماد و توکل می‌کنیم. خدا برای نشان دادن این مطلب ممکن است تمامی عوامل کمک کننده را از صحنه دور کند. این امر ممکن است اطاعت از خدا را قدری مشکل نماید. حتی ممکن است ما را گیج کند و ندانیم که آیا هنوز در اراده خدا هستیم یا نه.

اما اگر اجازه ندهیم که خدا ما را بیازماید و معلوم دارد که چقدر به او توکل داریم، ضعف ایمان ما معلوم نخواهد شد مگر اینکه شیطان حمله کند.

پطرس از وفاداری خوب نسبت به مسیح مطمئن بود. عقیده شخصی او اشعار بر آن داشت که او بیشتر از دیگران خود را به مسیح وقف کرده است. پطرس قبل از محاکمه عیسی به او فرمود: "هرگاه همه درباره تو لغزش خورند، من هرگز نخورم" (متی ۲۶: ۳۳).

آنچه باید انجام دهید

۱. آیاتی را که در رابطه با همین قسمت از زندگی پطرس آمده است، بخوانید. آنگاه در دفتر یادداشت خود به سؤالاتی که مطرح شده است، پاسخ دهید.

(a) لوقا ۲۲: ۳۱. عیسی چه خطاری به پطرس کرد؟
(b) متی ۲۶: ۳۴. مسیح به پطرس فرمود که چه خواهد کرد؟

(c) متی ۲۶: ۳۵. پطرس به مسیح گفت که چه کاری را مرتکب نخواهد شد؟

(d) متی ۲۶: ۶۹-۷۵. پطرس چه کار کرد؟

می‌بینیم که شرایط سختی که بر پطرس پیش آمد، ضعف ایمان او را در آن لحظه ظاهر ساخت. او نمی‌توانست بدون حمایت عوامل دیگر بر ایمان خود استوار باشد.

اما ایمانی که آزموده شده است ارزش دارد. یعقوب رسول، این ارزش را بخوبی می‌دانست. او این ارزش را بدین صورت بیان داشت:

"ای برادران من وقتی که در تجربه‌های گوناگون مبتلا شوید، کمال خوشی دانید چون که می‌دانید امتحان ایمان شما صبر را پیدا می‌کند" (یعقوب ۱: ۲-۳).

به این آیات بیشتر دقت کنید - تجربه‌های گوناگون، صبر، این آیات از مشکلات و مخالفت سخن می‌رانند با اینحال نمی‌بینیم که مشکلات دلالت بر این داشته باشند که ما از نقشه الهی منحرف شده‌ایم. در واقع زمانی که تجربه‌های گوناگون پیش می‌آیند بایستی کمال خوشی دانیم.

آنچه باید انجام دهید

۲. از کتاب مقدس خود یعقوب ۱: ۲-۴ را بخوانید. نتیجه نهایی امتحان ایمان ما چیست؟

آزمایش، ایمان ما را بنا می‌کند

آزمایش ایمان ما از طریق شرایط منفی می‌تواند بر ما معلوم دارد که چقدر قادر هستیم به خدا اعتماد کنیم. این گونه شرایط می‌توانند در بنای ایمان ما کمک بزرگی باشند.

بدون تردید، تجربه ابراهیم در کوه موریای پیروزی بزرگ ایمان بود، بزرگترین پیروزی‌ای که تابحال کسب کرده بود. او درست در

لحظه‌ای که می‌خواست فرزند خود اسحاق را قربانی کند، خداوندی بجای او قوچی را مهیا ساخت و به او نشان داد. ابراهیم علیرغم سخت بودن شرایط از خدا اطاعت کرد، ایمان ابراهیم به امتحان کشیده شد و او سربلند بیرون آمد. حال او آموخته بود که خدا می‌تواند در صورت لزوم، خود قربانی عرضه دارد. حال او یاد گرفته بود که خدا می‌توند خانواده‌اش را حفظ کند.

در اول سموئیل ۱۷ به زمانی برمی‌خوریم که داود با جلیات، قوی‌ترین دشمن اسرائیل، رو در رو است. غیر ممکن بود که داود جوان بتواند سلحشوری، قوی هیکل همچون جلیات را شکست دهد! اما داود زمانی که پرخاشگری و حریف طلبیهای جلیات را شنید آماده شد تا با او بجنگد.

آنچه باید انجام دهید

۳. اول سموئیل ۲۷:۳۴-۳۷ را بخوانید. داود آماده بود تا با جلیات بجنگد، زیرا

(a) چندی از برادرانش بر این باور بودند که می‌تواند جلیات را شکست دهد.

(b) جلیات یک فلسطینی کافر بود و داود یک اسرائیلی خدا شناس.

(c) داود از نبرد خود با شیر و خرس، درس توکل کردن بر خدا را فراگرفت.

آن شرایطی که خدا اجازه می‌دهد تا ما به منظور آزمایش ایمانمان با آنها روبرو گردیم، کدامند؟ در این شرایط ممکن است خطرات و ناامیدیه‌ها نیز خفته باشند. ممکن است در اطراف ما افرادی باشند که بر ما اعتماد نمی‌کنند. ناراحتی ممکن است، مشکلی باشد. رسیدن به اهداف، ممکن است خارج از قوت ما باشد. در تمامی اینها خدا ایمان ما را نسبت به خود مورد امتحان قرار می‌دهد تا ضعف ایمان ما را به ما نشان دهد و باعث شود که بیشتر به او اعتماد کنیم.

آنچه باید انجام دهید

۴. در این زمینه که چرا خدا اجازه می‌دهد با شرایط سخت، ایمان ما مورد آزمایش قرارگیرد، دو دلیل بیان کردیم. در موارد زیر آن موردی را که می‌تواند یکی از این دو دلیل باشد، مشخص نمایید:

(a) بعضی اوقات لازم است که قدرت ایمان ما در عمل

معلوم شود تا مبادا خودمان را گول زنیم.

(b) خدا ایمان ما را می‌آزماید و بدین ترتیب می‌تواند

دریابد که آیا ما قوی هستیم و یا ضعیف.

(c) ایمان ما به این منظور آزموده می‌شود تا به ما نشان

می‌دهد که از نقشه‌ای که خدا برای ما دارد، منحرف

شده ایم.

d) بعد از اینکه ایمان ما آزموده شد، قادر می‌گردیم تا بیشتر از قبل مجاهده ایمان کنیم.

شرایط می‌تواند ما را دیسپلین بخشد

شرایط سختی که در زمان تبعیت از اراده خدا بروز می‌کنند، می‌توانند ما را دیسپلین هم ببخشند. هدف این دیسپلین این است که تلاش ما را بطرف هدفی که خدا برایمان مقرر داشته است، معطوف دارد. بعضی بر این عقیده‌اند که منظور از دیسپلین همان تنبیه کردن است، در صورتی که برای دیسپلین تنبیه ضرورتی ندارد. تنبیه زمانی لازم می‌شود که در امر دیسپلین حقیقی، شکست و قصوری روی دهد. دیسپلین یعنی تربیت کردن، دیسپلین یعنی انتخاب فعالیت‌های بخصوصی که هدفی را به انجام می‌رسانند.

در ورزش، دیسپلین، آنگونه تربیتی است که در چارچوب مقررات، منجر به برد در یک بازی می‌گردد. فعالیت‌هایی که در خارج از مقررات صورت می‌گیرند نه تنها باعث تلف کردن انرژی می‌شوند، بلکه اثرات مضری هم دارند و مشمول جریمه می‌باشند. دیسپلین، ممکن است یکی سری برنامه را شامل شود. در ورزش این سخن به این معنی است ورزشکار عمداً با مقاومت روبرو می‌گردد تا قویتر شود.

حال ارتباط بین دیسپلین شدن و شاگرد بودن را به راحتی می‌توان دید. دوازده شاگرد عیسی مسیح اشخاصی بودند که

دیسپلین یافتند تا اراده خدا را انجام دهند. اگر داستان زندگی آنها را بخوانیم، می بینیم که مسیح دائماً اجازه می داد و یا حتی خود، آنها را هدایت می کرد تا با مشکلات روبرو گردند. این تجربیات بخشی از دوره تربیتی آنها محسوب می شد.

آنها همراه با مسیح در دقایقی بودند که طوفان خطرناکی حادث شد، اما مسیح طوری رفتار می نمود که انگار قصد ندارد کاری انجام دهد. او خوابیده بود (مرقس ۴: ۳۵-۴۱). ۹ نفر از آنها در پای کوهی که مسیح در بالای آن تبدیل هیئت یافت، به حال خودشان رها شده بودند. آنها با پسری روبرو بودند که ارواح شریر وجود او را تسخیر کرده بودند (مرقس ۹: ۱۴-۲۹).

آنچه باید انجام دهید

۵. مرقس ۶: ۳۴-۴۴ را بخوانید. آنگاه در دفتر یادداشت خود به سؤالات زیر جواب دهید.

- (a) شاگردان با چه مشکلاتی روبرو شدند؟
- (b) مسیح در این زمینه به آنها چه فرمود؟
- (c) آنها چه منابعی در اختیار داشتند؟
- (d) مسیح چه کاری انجام داد؟
- (e) نتیجه چه بود؟

در هر یک از این شرایط سخت و منفی، مسیح به شاگردان خود محدودیت توان و قدرتشان را نشان داد. او به آنها می آموخت

که کاملاً بر او متکی باشند. او سعی داشت که توجه آنها را تنها به خود معطوف کند و آنها را از محدودیتهایی که داشتند بیرون کشد.

ما نباید اجازه دهیم که مشکلات، ذهن ما را نسبت به اراده خدا مغشوش نمایند. بجای آن ما بایستی به این درک برسیم که شاید خدا این مسائل و مشکلات را بکار می گیرد تا ما را نسبت به خود ساده دل و بی ریا نماید. به همین جهت نیز یکی از کلیدهای پیروزی بر مشکلات همان توجه داشتن به خود خداست و بس.

آنچه باید انجام دهید

۶. شرایط سخت ما را اینگونه دیسپلین می بخشند.

(a) کمک به ما در درک این مطلب که از اراده خدا تبعیت نمی کنیم.

(b) ضروری ساختن اتکا به خداوند بطور کامل.

(c) نشان دادن این امر که قدرت رویارویی با مشکلات را به تنهایی داریم.

(d) باعث تنبیه ما می شوند، بنابراین ما در می یابیم که قصور کرده و شکست خورده ایم.

شرایط، می‌تواند ما را تشویق کند

این سخن حقیقت دارد که شرایط سخت ایمان ما را می‌آزماید و ما را دیسپلین می‌بخشد. اما همین مسائل می‌توانند خود، منبعی جهت تشویق هم باشند. اما این امر کاملاً بع عکس‌العمل ما در مقابل شرایط سخت بستگی دارد و اینکه از ارادهٔ خدا چقدر آگاهی داریم. بگذارید به سه جنبه این تشویق نظری بیندازیم.

اثبات این مطلب که ما به خدا تعلق داریم

اول، مشکلات می‌توانند بر ما معلوم دارند که ما به خدا تعلق داریم. کتاب مقدس صریح و روشن منبع نیروهای شیطانی را که در دنیا هستند، بیان می‌دارد. شیطان دشمن کسانی است که از مسیح پیروی می‌کند. شیطان در هر فرصتی که بدست می‌آورد، سعی می‌کند در مقابل برقراری ملکوت خدا مانعی ایجاد کند. شیطان به این عمل عمدی، ارادی و کینه جویانه دست می‌زند. او با اینکه قدرتش محدود شده است، کماکان قوی است. شیطان، بیشتر از آنکه قوی باشد، مکار است. او پدر دروغگویان به شمار می‌رود.

شیطان، دشمن مسیحیان است و سیستم جهان نیز به همین صورت می‌باشد. این سیستم، بر عدالت استوار نیست. سیستمی است که بر فریب، ظلم و بی‌عدالتی استوار است. سیستمی که بر جهان حاکم است، سیستم مغشوشی است. سیستمی مملو از انسانهایی که بد را خوب می‌دانند و خوب را بد.

دنیا سیستمی است که وعده می‌دهد بدون اینکه به آن عمل کند و دانش و معلوماتی ارائه می‌دهد که از حقیقت جداست. دنیا سیستمی است که با خدا و یا فرزند خدا به مخالفت برخاسته است. دنیا سیستمی است که پسر خدا را به این دلیل که عادل و صالح بود، رد کرد و مصلوب نمود. عدالت پسر خدا، کینه و نفرت این سیستم را برانگیخت.

آنچه باید انجام دهید

۷. یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۰ را بخوانید و جمله زیر را کامل کنید.

مسیح به شاگردان خود فرمود که دنیا از او نفرت دارد. او به آنها هشدار داد که دنیا از آنها نیز نفرت خواهد داشت زیرا
در این صورت یک فرزند خدا زمانی که از اراده الهی تبعیت می‌کند، چه توقعی می‌تواند داشته باشد؟ او در محیطی مغشوش و بهم ریخته زندگی می‌کند و سعی بر آن دارد که در مسیری درست گام بردارد. در دنیای تاریک و غرق در ظلمت، او می‌خواهد از نور، تبعیت کند. کتاب مقدس، هرگز نمی‌گوید که اراده خدا با این سیستم، موافق است و یا حتی با هم رابطه آشتی گونه‌ای دارند. این دو با یکدیگر در جنگ و اصطکاک و برخورد و مخالفت‌اند. مسیح فرمود: در جهان برای شما زحمت خواهد شد و لکن خاطر جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده‌ام" (یوحنا ۱۶: ۳۳).

مشکلات بجای اینکه ما را در این امر که "آیا از نقشه الهی منحرف شده‌ایم یا نه" بر سردرگمی بیندازند، می‌توانند بر طبق گفته

مسیح دلالت بر این کنند که ما در اراده او هستیم. این امر بویژه زمانی حقیقت دارد که مشکلات از مخاصمه‌ای که بین سیستم شریر دنیا و زندگی درست ما وجود دارد، ناشی گردند.

در لوقا ۲۰:۶-۲۶ به جملات تشویق آمیزی که برای شاگردان در آیات ۲۰-۲۳ بیان می‌شود، توجه کنید. آنها باید مستقیماً بوسیله خود مشکلات تشویق می‌گشتند! در همان حین به هشدار که در آیات ۲۴-۲۶ آمده است، نگاه کنید. این هشدارها مستقیماً اشاره به مخالفتی دارند که قرار است از سوی جهان ابراز شود.

آنچه باید انجام دهید

۸. لوقا ۲۰:۶-۲۶ را بخوانید. هر یک از تجربیات سمت چپ را با نتایج حاصل آن در سمت راست، مربوط کنید.

- | | |
|--------------------------|--------------------|
| ۱- نتیجه‌ای خوشحال کننده | (a) فقر |
| ۲- نتیجه‌ای وحشتناک | (b) دولت‌مندی |
| | (c) موافقت انسانها |
| | (d) گریه و ماتم |
| | (e) نفرت انسانها |

مشکلات می‌توانند ما را تشویق نمایند. مشکلات نه تنها دلیل بر این نیستند که ما از اراده الهی منحرف شده‌ایم، بلکه ممکن است خود نشان‌دهنده این مطلب نیز باشند که ما در اراده خدا هستیم.

فرصتهایی جهت پیروزی

دوم، مشکلات می‌توانند فرصتهایی به جهت پیروزی به ما عرضه دارند. منشأ این مشکلات از دنیا است. تمامی زحمات ما از این امر ناشی می‌شود که ما در دنیا هستیم. اما مسیح بر سیستم دنیا پیروز گشته است.

مشکلات و مخالفتها انجام اراده الهی را غیر ممکن نمی‌سازند. مشکلات را می‌توان شکست داد. در واقع مشکلات هستند که پیروزی را ممکن می‌سازند و بدون برخورد و درگیری، پیروزی مفهومی ندارد. ما توسط مسیح نه تنها پیروزمندان بلکه چیره‌گران هستیم.

به همان اندازه که شخصیت یک فرد از بررسی دوستان او شناخته می‌شود، با نگاهی به دشمنان او نیز این امر قابل تشخیص است. کتاب مقدس معتقد است که دوستی این دنیا دشمنی با خداست (یعقوب ۴:۴). این سخن به این معنی است که اگر ما دوست خدا هستیم در این صورت دشمنان جهان محسوب می‌گردیم.

آیا کسی که در نبرد پیروز شده است نیاز به این دارد که دشمن شکست خورده، پیروزی او را تأیید و تصویب کند؟ به همین شکل ما هم نمی‌خواهیم که توجه خود را نسبت به خدا بخاطر دریافت تأیید و همکاری سیستم این جهان، از دست بدهیم.

برعکس، تجربه پیروزی بر این جهان قوت جدیدی در ما ایجاد می‌کند که از خدا تبعیت کنیم.

آنچه باید انجام دهید

۹. مکاشفه ۲۱:۳ را بخوانید. مسیح به چه کسی وعده می‌دهد تا در کنار او بر تخت بنشیند؟

اطمینانی که از مخالفتها حاصل می‌شود

سوم، مشکلات می‌توانند ما را مطمئن سازند که سعی بر این داریم تا خدا را خشنود بگردانیم. در مطالبی که عنوان شد مشکلاتی را، که هم از شیطان و هم از سیستم این دنیا ناشی می‌شد، بیان کردیم و گفتیم که این مشکلات چگونه می‌توانند منبعی به جهت تشویق ما باشند. محدوده دیگری نیز وجود دارد که برای ما مشکل ایجاد می‌نماید. کتاب مقدس این محدوده را "طبیعت بشری"، "طبیعت گناه آلود"، و یا "جسم" می‌خواند. منظورم از جسم فقط اندام فیزیکی نیست، بلکه آن قسمت از ماست که با امیال دنیا موافق است و آنها را می‌طلبد.

دشمنی شیطان با ما، خود به اندازه کافی بد هست. علاوه بر آن ما در دنیایی سقوط کرده و در سیستمی حاصل از این دنیا زندگی می‌کنیم. اما مشکل بزرگتری که داریم، این است که ما به دشمن بزرگ خدا متصل هستیم، طبیعت بشریمان. ما نمی‌توانیم

خود را از دست طبیعت بشری خود، رها سازیم. ما باید بر آن چیره شویم. اما برای چیره شدن اول لازم است نبردی وجود داشته باشد. در غلاطیان ۵ به کارهایی که از جسم و یا طبیعت بشری برمی‌خیزد اشاره شده است. لیستی که در این باب آمده است، کامل نیست اما به اندازه کافی بعضی از موارد را نام برده که ما را قادر می‌سازد آنهایی را که ذکر نشده‌اند، بشناسیم.

ما چگونه می‌توانیم بوسیله مخالفت با جسم و یا طبیعت بشری، تشویق گردیم؟ آگاهی از این مطلب که بین طبیعت جسمانی ما و روح خدا جنگی پایان ناپذیر وجود دارد، ما را مطمئن می‌سازد که زمانی که از پیروی جسم سر باز می‌زنیم، خدا را خشنود می‌سازیم. اگر صرفاً مطابق با هوسهای جسم مان زندگی می‌کردیم در اینصورت جنگی وجود نمی‌داشت. جسم با خود جنگ نمی‌کند. جنگی که وجود دارد جنگ ماین روح و جسم است.

آنچه باید انجام دهید

۱۰. ما در این درس به برخی از ارزشها و فواید رویارویی با شرایط سخت اشاره کردیم. دلایل بروز این مشکلات را هم مطالعه نمودیم. در زیر، در قسمت اول، دو عبارت آمده است.

این عبارت را به توصیفات صحیح خود (قسمت دوم) مربوط کنید.

۱- ارزش مشکلات

۲- دلیل بروز مشکلات

- (a) مشکلات می‌توانند ما را کمک کنند تا چشم از محدودیتهای خود برداشته و بر خدا نگاه کنیم.
- (b) مسیح دشمن شیطان و جهان و سیستم آن است.
- (c) روح با جسم در جنگ است.
- (d) نفرت و کینه‌ای که دنیا به ما دارد، ما را مطمئن می‌سازد که از آن خدا هستیم.
- (e) مخالفتی که طبیعت بشریمان با ما دارد، به ما اطمینان می‌دهد که با امتناع از متابعت آن، خدا را خشنود می‌سازیم.
- طرق زیادی وجود دارد که خدا می‌تواند توسط آنها شرایط سخت را بکار گیرد تا شما در متابعت از طرح الهی کمک نمایید. این شرایط می‌توانند به رشد ایمان شما کمک کنند. اینگونه شرایط به شما می‌آموزند که به خدا متکی باشید. این شرایط فرصتهایی جهت پیروز شدن فراهم می‌سازند. در مورد آنچه که مسیح وعده فرمود، لحظه‌ای بیندیشید. صلیب، جنگ، مسابقه، رد شدن از سوی جهان، وسوسه، رنج و زحمت. اما مسیح وعده‌های دیگری نیز به ما داده است:

پیروزی، تاج، تخت، ردایی سفید، قبول و تأیید از جانب پدر. "وقتی که در تجربه‌های گوناگون مبتلا شوید کمال خوشی دانید" (یعقوب ۲:۱).

حال شما چهار درس اول را به اتمام رسانیدید و آماده هستید تا به اولین بخش گزارش تحصیلی خود پاسخ دهید. درس ۱-۴ را مرور کنید. سپس برگ پاسخ به سؤالات را طبق موازین گزارش تحصیلی‌تان پر کنید. بعد از اتمام، برگ پاسخ به سؤالات را به آدرسی که در صفحه آخر گزارش تحصیلی آمده است عودت دهید.

جواب‌های خود را مقایسه کنید:

۶- b) ضروری ساختن اتکاء کامل به خداوند
۱- a) عیسی به پطرس فرمود که شیطان او را تجربه و امتحان خواهد نمود.

b) عیسی فرمود که پطرس سه بار آشنایی با او را انکار خواهد کرد.

c) پطرس گفت که هرگز او را انکار نخواهد نمود.

d) پطرس سه بار آشنایی با عیسی را انکار کرد.

(جواب‌های شما بایستی مشابه جواب‌های بالا باشد).

۷- آنها از آن او هستند و به دنیا تعلق ندارند. (یا یک جواب مشابه).

۲- ما کامل و تمام می‌شویم. (یا یک جواب مشابه).

۸- a) ۱- نتیجه‌ای خوشحال کننده.

- (b) ۲- نتیجه‌ای وحشتناک
- (c) ۲- نتیجه‌ای وحشتناک
- (d) ۱- نتیجه‌ای خوشحال کننده
- (e) ۱- نتیجه‌ای خوشحال کننده
- ۳- (c) داود از نبرد خود با شیر و خرس ...
- ۹- به کسانی که پیروز می‌شوند.
- ۴- (a) بعضی اوقات لازم است که
- (d) بعد از اینکه ایمان ما آزموده باشد.....
- ۱۰- (a) ۱- ارزش مشکلات
- (b) ۲- دلیل بروز مشکلات
- (c) ۲- دلیل بروز مشکلات
- (d) ۱- ارزش مشکلات
- (e) ۱- ارزش مشکلات
- ۵- (a) جمعیتی در آنجا گرد آمده بودند که همگی گرسنه بودند.
- (b) "ایشان را غذا دهید" (آیه ۳۷)
- (c) ۵ نان و ۲ ماهی
- (d) او غذا را برکت داده و آنها را به شاگردان داد تا بین مردم تقسیم کنند.
- (e) غذا به اندازه کافی برای همه بود، بطوریکه خوردند و سیر شدند.
- (جواب‌های شما بایستی شبیه به جواب‌های بالا باشد).

آیا مسیحی بودن کافی است؟

...شاید من باید اعمال خود را بررسی کنم.

"تام واتسن" کار خوبی داشت و روز بروز بر وسعت آن افزوده می‌شد. او از آنجا که از انجام کارهای سخت ابایی نداشت، از کارمندان خود نیز همین توقع را داشت. او به هیچ عنوان نمی‌توانست تنبلی را تحمل کند و در توبیخ کارمندی که به اندازه کافی کار نمی‌کرد، لحظه‌ای درنگ نمی‌نمود. تام واتسن مسیحی هم بود.

تام در کلیسای خود مرد فعالی به شمار می‌رفت و در انجام مسئولیت‌هایی که به گردن گرفته بود، همان غیرتی را به کار می‌برد که در شغل خود داشت، اما بسیار از مواقع احساس می‌کرد که دیگر مسیحیان از شیوه کار او می‌رنجند. اغلب، اینطور بنظر می‌رسید که بعضی از موعظه‌ها بر علیه اعمال او ایراد می‌شوند، در حالیکه در همان حال از نتایج اعمال او خشنود بودند و آنها را تحسین می‌کردند. تام بالاخره مجبور شد این حقیقت را قبول کند که هرچند می‌توان از درستی اعمال او دفاع کرد اما خود، در درون خویش از آنها خشنود نیست. او از یک چیز کاملاً مطمئن بود: در درون او تضادی بود که تاکنون بر طرف ندشه بود.

شاید شما هم از خود پرسیده باشید "خویش و خود واقعی من چیست؟ آیا من همان کسی هستم که خود احساس می‌کنم؟ حتی در حین مطالعه کتاب مقدس نیز مشکل می‌نماید که بدانیم ما چه هستیم. آیا ما جنگاوران و سربازانیم و یا صلح کننده؟ شجاع و یا ترسو؟ صبور و یا شکيبا؟ در این درس ما اعمال و تجربیات خود را با آنچه که کتاب مقدس در مورد ما می‌گوید، مقایسه خواهیم کرد. ما در این درس به دنبال آن خواهیم بود که بدانیم چه چیزی در نظر خدا مهم است. آنگاه این مطلب را به مطالعه خواهیم کشید که چگونه می‌توانیم عملاً همان کسی باشیم که خداوند از ما انتظار دارد. این هدف واقعی ماست.

آنچه در این درس خواهید خواند...

خدا به ما چگونه می‌نگرد.
 چه چیزی در نظر خدا مهم است.
 انجام توقعاتی که خدا دارد.
 این درس به شما کمک خواهد کرد تا ...

- ☐ طریقی را که خدا به ما می‌نگرد، توصیف کنید.
- ☐ اهمیت کار مسیح و عکس‌العمل ما را نسبت به آن بیان کنید.
- ☐ دلایلی بیان کنید که چرا ما می‌توانیم به آنچه که خدا از ما توقع دارد، جامهٔ عمل بپوشانیم

خدا به ما چگونه می‌نگرد

بگذارید این بحث را با این مطلب شروع کنیم که کتاب مقدس در مورد ما چه نظری دارد و بنظر او ما چه هستیم.

کتاب مقدس چه می‌گوید؟

بعضی اوقات می‌شنویم که بعضی از مسیحیان در این مورد صحبت می‌کنند که در "مسیح" چه هستند. اینگونه صحبتها اغلب بنظر مزاح می‌رسند، اما در واقع کتاب مقدس مقام ما را توصیف می‌کند.

در افسسیان باب ۱ می‌خوانیم که برکات زیادی در جایهای آسمانی داریم (آیه ۳). مقدس و بدون خطا هستیم (آیه ۴). انتخاب شده‌ایم تا بخاطر هدف و تصمیم خدا قوم او باشیم. (آیه ۱۱). در فصل ۲ می‌خوانیم که با مسیح زنده هستیم و با او در جایهای آسمانی قیام کرده‌ایم (آیات ۵-۶). خدا ما را آنطور که هستیم آفریده است (آیه ۱۰) و ما شهروندی از قوم خدا و عضوی از خانواده الهی هستیم (آیه ۱۹).

این ایده را در اول پطرس ۲:۹ نیز می‌توان پیدا کرد. در این قسمت می‌خوانیم که ما نژاد منتخب، کاهنان سلطنتی و ملت مقدس هستیم. در کنار این مطلب، توصیفات بیشتری نیز وجود دارند. چه عناوین و نامهایی برتر از اینها می‌توان پیشنهاد کرد؟

آنچه باید انجام دهید

۱- هر یک از آیات زیر را بخوانید. در مقابل آن موردی که مشخص می‌کند "ما در مسیح چه هستیم"، علامت بزنید.

(a) افسسیان ۲:۲۲

(b) افسسیان ۴:۱

(c) افسسیان ۴:۱۷

آنچه که تجربه می‌کنیم

با این وجود در تجربیاتی که عملاً کسب می‌کنیم با کشمکشی روبرو می‌گردیم. ما خسته و گرسنه و تشنه می‌شویم. آرزوها و رؤیایها داریم. احساس می‌کنیم که به درون خود هدایت می‌شویم و در بیرون از خود جذابیت‌های زیادی پیدا می‌کنیم. وسوسه گناه هنوز از ما برداشته نشده است. زمانی که فکر می‌کنیم در قسمتی پیروز شده‌ایم، جنگ به نقطه‌ای دیگر کشیده می‌شود.

بعضی از ما در مقام فرزند خدا، خود را در هماهنگی کامل با دیگر مؤمنین نمی‌بینیم. ما می‌ترسیم. ناتوان هستیم و بنظر می‌رسد که خدا در کلام خود عناوین پر طمطراقی به ما بخشیده است. عناوینی که یک سر آن تا به آسمان می‌رسد. ما به محدودیت‌های که بر ما حاکم‌اند بخوبی آشنا هستیم و این عوامل در زمین بیشتر آشناترند تا در آسمان.

علاوه بر این‌ها آنطور که از اعمال ما برمی‌آید، این اعمال بیشتر از طبیعت زمینی‌مان ناشی می‌شوند نه از طبیعت آسمانی‌مان. واقعاً

آسان می‌بود اگر با یکبار دعای واقعی مسائل و مشکلات بر طرف می‌گردیدند، اما اغلب درمی‌یابیم که دعاهايمان هیچ مسئله‌ای را حل نکرده است. ما هنوز هم با وسوسه و عجز روبرو هستیم.

این مشکلات را چگونه می‌توان با نقشه‌ای که خدا برای ما دارد، مرتبط ساخت؟ در مورد مسائل زندگی تصمیم‌گیری آسان است - می‌خواهیم معلم باشیم، یا شبان، یا دکتر؟ کدامیک؟ هرکدام را که بخواهیم، با گذارندن آموزش مربوطه به سادگی به آن دست می‌یابیم. اما نقشه‌ای که خداوند برای ما دارد فقط تصمیم‌گیری برای زندگی نیست. نقشه الهی تمامی اعمال ما را در بر می‌گیرد. مشکل واقعی در این است که آنچه را که می‌دانیم درست است و باید انجام دهیم، چگونه انجام دهیم.

ما اغلب به چیزهایی اهمیت می‌دهیم که مهم نیستند و چیزهایی را بی‌اهمیت تلقی می‌کنیم که واقعاً اهمیت دارند. و رابط ما پیچیده شده است. اهدافی که داریم نشان می‌دهند که ما اشخاص دودلی هستیم. علت اینکه در مورد مسائل زندگی خود دچار مشکل می‌گردیم این است که در تصمیم‌گیری روزانه و پیش پا افتاده خود اشتباه می‌کنیم.

نتیجه اینکه آگاهی ما نسبت به مقامان در مسیح به تنهایی کافی نیست بلکه می‌باید این آگاهی بر روی طرز فکر، اعمال، اهداف و امیال ما تأثیر بگذارد.

آنچه باید انجام دهید

۲- شاید متوجه شده‌اید که در برخی از زمینه‌ها نمی‌توانید مطابق با آنچه که در مسیح هستید عملاً زندگی کنید. در جدول زیر وضعیت خود را با علامت x مشخص کنید. در حین ادامه مطالعه منتظر باشید که خدا طرق حل مشکلاتی را که عنوان کردید معلوم دارد.

هیچ کمی زیاد

حرکت به سوی هدفهای باارزش

چیره گی به انگیزه‌های خودخواهانه

تصمیم گیری درست

سرو کار داشتن با وسوسه

رابطه خوب با دیگران

تمرکز روی مسائل مهم

آنچه خدا می‌بیند

زمانی که بچه‌ها بزرگ می‌شوند والدین، تنها خاطرات خوش ایام گذشته آنها را بخاطر می‌سپارند. مسائل و مشکلاتی که به خاطر آنها بوجود می‌آید، همه به بوته فراموشی سپرده می‌شوند - بیدارباشها، مریضی‌های دوران کودکی، استفرغها، آموختن قضای حاجت و تمام آن اوقات "ناخوشایند".

تنها خوبی‌ها و خوشیها به یاد می‌ماند. حتی بچه‌ای که تربیت او بسیار مشکل بوده، بعد از اینکه بزرگ شد، بنظر فرشته می‌آید. آیا خدا نیز ما را این گونه می‌بیند - با چشمانی متعصب‌وار، هرگز.

خدا برای عدالت، معیاری مطلق و تغییر ناپذیر دارد. او ما را "مقدسین"، "فرزندان خود" و "کاهنان" می‌خواند. وقتی که او به ما نگاه می‌کند، چی می‌بیند؟

خدا زمانی که به ما نگاه می‌کند ما را همانطور که هستیم می‌بیند. او غرایز طبیعی ما را که البته گناه نیستند، می‌بیند. از طرف دیگر طبیعت گناه‌آلود و قدیمی ما را هم می‌بیند که در طول زندگی دائماً با آن نبرد می‌کنیم تا بر آن چیره شویم. او خودخواهی‌های را که می‌بیند که به روشهای مختلف، متجلی می‌شوند. او شاهد آغازه‌های خوبی است که در انتها حتی نتیجه کوچکی را هم ببار نمی‌آورد.

خدا نوح را شخص باایمانی یافت و او را لایق این دانست که از طوفان حفظ شود (پیدایش ۶:۷-۱۰).

با اینحال بدمستی او را هم دید (پیدایش ۹:۲۰-۲۱). او موسی را در اوج ایمان خود دید (خروج ۱۴:۱۳-۱۴) و عصبانیت و عدم شکیبایی او را هم زمانی که بر صخره می‌کوبید، مشاهده کرد (اعداد ۲۰:۱۱-۱۲). او داود را دید، با آن سرودهای پرستشی‌اش (دوم سموئیل ۲۲، مزمور ۱۸) با این وجود گناه او را با بتشیع هم دید

(دوم سموئیل ۱۱). او پطرس را با عدم پایداری اش دید (متی ۱۶: ۱۷، لوقا ۲۲: ۵۴-۶۲) و پولس را با ناشکیبایی که در مورد مرقس به خرج می داد (اعمال ۱۵: ۳۷-۴۰). و کدامیک از آن دوازده شاگرد در زمان رنج و عذاب مسیح نسبت به او وفادار بودند؟ هیچکدام! او تنها بود. (متی ۲۶: ۵۶)

مقدسین قاصر و شکست خورده، با اینحال مقدس!

خدا همانطور که این افراد را آشکارا می دید، ما را نیز به همان صورت می بیند. اگر شرح زندگی ما هم مانند زندگی آنها جزء به جزء نوشته می شد، همان الگو در زندگی ما هم مشهود می گردید. همه چیز در نظر خدا مشهود است.

آنچه باید انجام دهید

۳- در مقابل آن پاراگرافی که به بهترین نحو مطلب "خدا ما را چگونه می بیند" را بیان می کند، علامت بزنید.

(a) ما با مسیح قیام کرده ایم و فرزندان خدا هستیم. ما مقام کهنات داریم و عضوی از خانواده او هستیم.

(b) ما ملتی مقدس هستیم که توسط خدا انتخاب شده ایم و به او تعلق داریم. با این وجود در زندگی ما زمانهایی نیز فرا می رسند که ناپایدار می شویم و قصور نمی ورزیم.

(c) ما انسان هستیم و قاصر می‌آییم. اغلب ما، در زندگی خود، مواقعی با ناتوانی و عجز روبرو می‌شویم و غالباً روابط ما با دیگران درست نیست.

چه چیزی در نظر خدا مهم است

دیدیم که نظر کتاب مقدس در مورد ما چیست و حقایق را هم که در تجربه روزانه ما بود، مشاهده کردیم. اما چه چیزهایی در نظر خدا مهم است؟ آیا خدا بیشترین ارزش را بر مقدس بودن ما می‌گذارد و یا بر رفتارمان؟

این سؤال را می‌توان از دو جنبه پاسخ گفت.

کار مسیح

خدا بالاترین ارزش را بر کار مسیح می‌گذارد - بر عدالت او، بر کاملیت او و بر اطاعت او. هم کتاب مقدس و هم منطق بر این مطلب، بوضوح دلالت دارند.

پیام نجات این است: زمانی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد، عادل‌ی بجای گناهکار، تا اینکه بتواند ما را به حضور خدا آورد. مسیح، علت است، در حالیکه آمدن ما به حضور خدا، معلول آن علت. عدالت او سبب عدالت ما می‌شود.

بنابراین زمانی که خدا ما را مقدسین می‌خواند (و ما احساس نمی‌کنیم که مانند مقدسین هستیم)، تصویر نادرستی نمی‌بینید. او

انتهای این جریان را می‌نگرد - علتی را که پیشاپیش، کامل و روشن است و معمولی را که کاملاً تضمین شده است. او در زمان، محدود نیست که محتاج باشد نسبت به چیزهای که هنوز بر ما معلوم نیست، آگاهی یابد. او در همان آغاز، انتها را می‌بینید. او در همان ابتدا، انتها را می‌داند. آرشیس

آنچه باید انجام دهید

۴- خدا می‌تواند ما را واقعاً "مقدسین" و یا "اشخاص مقدس" خطاب کند، زیرا او

(a) می‌داند که می‌خواهیم او را خدمت کنیم.

(b) خطایا و قصورات ما را نمی‌بیند.

(c) آنچه را که خواهیم شد می‌بیند.

بررسی علت نجات ما، ما را در این مورد اطمینان کامل عطا می‌کند. کولسیان ۱: ۱۵-۲۷ از تقدیمی که کار (و شخص) مسیح در نقشه الهی داشت، سخن می‌راند. مسیح ما را رها کنید. آزادی و رهایی ما در اوست. او صورت مرئی خدای نامرئی است. او خالق همه چیزهاست. او پیش از همه چیز وجود داشت و نگهدارنده همه است. او در همه چیز مکان نخست (تقدم) را دارد. از جمله در آنچه که خدا می‌بیند. او عملاً علت است: "که آن مسح در شما و امید جلال است." (کولسیان ۱: ۲۷).

عکس‌العمل شما

نتیجۀ علت (مسیح و کار او) تصمیم شده است: تقدس به انجام رسیده، جلال فرزندان خدا آشکار شده است (رومیان ۸: ۱۹، اول یوحنا ۳: ۱-۲). اگر زمانی را که برای این جریان علت و معلول لازم است، ندیده بگیریم (چرا که خدا در زمان محدود نمی‌شود)، در اینصورت علت و معلول با یکدیگر و همزمان اتفاق می‌افتند. به این معنی که در نظر خدا، ما الان همان چیزی هستیم که در آینده خواهیم بود.

این ضمانت واقعاً عظیم است، با این حال سهم شما اهمیت دارد. شما کماکان مهم باقی می‌مانید اما نه برای افزودن چیزی به کار مسیح، بلکه با ماندن در این جریان (کولسیان ۱: ۲۳).

آنچه باید انجام دهید

۵- فرض کنید ایمانداری از شما اینطور سؤال کند: چه چیزی در نظر خدا از همه مهم‌تر است - آنچه که مسیح برای من انجام داده است یا عکس‌العملی که من در مقابل کار او نشان می‌دهم؟ در مقابل بهترین جواب علامت بزنید.

a) خدا کار مسیح را از همه مهم‌تر تلقی می‌کند زیرا می‌داند که ضعف بشری ما، ما را در شرکت در جریان فوق ناتوان می‌سازد. این سخن به این معنی است که خدا عکس‌العمل ما را مهم تلقی نمی‌کند.

b) خدا هر دو آنها را در طریق متفاوت، مهم تلقی می‌کند. او کار مسیح را در مقام علت، مقدم بر هر چیزی می‌داند. عکس‌العمل و پاسخ ما نیز از آن جهت مهم است که ما هم بایستی در این جریان باقی بمانیم تا معلول اتفاق افتد.

ما اینک می‌دانیم که مابین آنچه که خدا ما را می‌خواند و ما خود را می‌بینیم، چه تفاوتی وجود دارد. هدف ما کاملاً مشهود است: علت او، جامهٔ عمل پوشیدن نقشهٔ او در ما. اما اکنون بایستی این مطلب را کشف کنیم که چطور می‌توانیم با خدا همکاری کنیم تا نقطه نظر او در تجربه ما نیز صورت حقیقت بخود گیرد. ما بایستی دریابیم که چگونه می‌توانیم همان مقدسینی باشیم که از دید خدا هستیم.

انجام توقعاتی که خدا دارد

کُشتی (مبارزهٔ روحانی)، جنگ تجربه مسیحی، عدم اطمینان، و تنشهای زندگی مسیحی همه از آن جهت حادث می‌شوند که ما سعی می‌کنیم به این سؤال پاسخی مناسب پیدا کنیم: ما چگونه می‌توانیم هر روز آنچه را که خداوند برای ما طرح ریزی کرده است، انتخاب کنیم؟

بسیاری از تعالیم عهد جدید با این سؤال در ارتباط است. قسمتهایی که به ما می‌گویند چگونه می‌توانیم مسیحی باشیم، بسیاری را اندکند. اما قسمتهایی که می‌گویند چگونه

بایستی مثل یک مسیحی دست به عمل زد به تفصیل بیان شده‌اند.

توانایی در تغییر کردن از دو منبع اصلی ناشی می‌شوند: اولین منبع، واقعیت کار مسیح در شکست دادن شریعت گناه و مرگ است. دومین منبع، قدرت بخصوصی است در نیکی برای چیره شدن بر بدی و جایگزین شدن بجای آن، وجود دارد.

مسیح برگناه پیروزی داشت

چرا می‌توانیم نقشه الهی را در زندگی خود پیاده کنیم؟ اولین دلیل این است که مسیح بر گناه پیروز شد. گناه دیگر بر ما تسلط ندارد. گناه نفوذ می‌کند، ولی تسلط ندارد.

پیروزی و کار مسیح تا چه حد واقعی است؟ کار مسیح یک ایده و یا یک فکر نبود. کار مسیح یک رویداد واقعی بود. این عمل در جایی مشخص و در زمانی مشخص صورت گرفت. کار مسیح یک جنگ واقعی بود. خونی واقعی ریخته شد، مرگی واقعی، قیامی واقعی، و پیروزی واقعی. کار مسیح واقعی بود چرا که قدرت گناه واقعی بود.

در تاریخ بشر، کسی نتوانسته است از قدرت شریعت گناه فرار نماید (رومان ۲: ۲۳). این خود دلیلی است کافی، مبنی بر اینکه گناه واقعیت دارد. اما اگر چه برای اثبات واقعیت گناه شواهدی کافی در دست است، برای اثبات پیروزی مسیح بر گناه نیز شواهدی کافی

در دست می‌باشد. قیامت مسیح از مردگان و زنده شدن او به مدت ۴۰ روز توسط افراد زیادی آزموده شد (اعمال ۳:۱، اول قرن‌تیان ۱۵:۳-۸). جای هیچ سؤالی نمانده بود. مسیح از مردگان قیام کرده بود.

قدرت گناه بر سقوط آدم، استوار بود. پیروزی بر گناه نیز از طریق اطاعت یک نفر که همان عیسی مسیح است، استوار می‌باشد (رومیان ۵: ۱۸-۱۹). این پیروزی، ظفر "حیات" است بر "شریعت" ظفر امید است بر ناامیدی، ظفر هدف خداست بر حماقت انسان و ظفر محبت است بر نا مهربانی.

شما می‌توانید از نظر شریعت عادل و از یوغ شریعت گناه، آزادی داشته باشید زیرا مسیح به مفهوم واقعی خود در راه گناهان شما مرد. او جان‌نشین شما شد. شیوه‌ای که شیطان برای وسوسه شدن شما به کار می‌گیرد، مایوس کردن شماست و اینکه شما در واقعیت پیروزی خود شک کنید. او برای رسیدن به هدف خود از تهدید، اتهام، فریب و حيله بیش از اندازه سود می‌جوید. اما بدانید که شما حقیقتاً آزاد هستید.

آنچه باید انجام دهید

۶- گناه دیگر بر ما تسلط ندارد زیرا

- (a) نا اطاعتی آدم گناه را بر تمام نژاد بشری، حاکم ساخت.
- (b) پیروزی واقعی مسیح بر قدرت واقعی گناه، چیره گشت.

c) کتاب مقدس بر ما معلوم می‌دارد که چگونه مثل یک مسیحی رفتار کنیم.

نیکی بر بدی غلبه می‌یابد

دومین دلیلی که می‌توان در مورد امکان انجام نقشه الهی بیان داشت، این است که نیکی (از جانب خدا) بر بدی (از جانب شیطان) غلبه می‌یابد. کتاب مقدس این حقیقت را از آن جهت بر ما آشکار می‌کند تا بر ما معلوم دارد که چگونه طبیعت کهنه و گناه‌آلود خود را که موجب این همه ناراحتی است، شکست دهیم.

اعمال گناه‌آلود بازداشته نشده، بلکه جایگزین شده است. گناه خلاق نیست بلکه منحرف کننده نیروست. به عبارت دیگر گناه، استفاده غلطی از انرژی، مهارت و عملی است که می‌توانست بطریقی درست بکار رود. بنابراین کتاب مقدس چندین نمونه بیان می‌دارد تا نشان دهد که نیکی، جایگزین بدی شده است. این اعمال خوب، اعمالی کم عمق و سطحی نیستند بلکه بیان طبیعت جدیدی هستند که جایگزین طبیعت کهنه گشته است. سهم ما در این جنگی که بین روح و جسم درگرفته است این است که نیکی را جایگزین بدی بکنیم.

طبیعت کهنه بر دروغ بنیان یافته است (عطای شیطان که پدر دروغگویان است). طبیعت جدید خود را در راستی نمایان می‌سازد.

بنابراین بایستی از دروغگویی دست برداشته و آن را با راستی جایگزین سازیم (افسسیان ۲۵:۴). در تمرین بعدی به چندین نمونه از این جریان برخورد خواهید خورد.

آنچه باید انجام دهید

۷- از کتاب مقدس خود آیات زیر را بخوانید. در زیر هر یک از اعمال بدی که توصیف شده است عمل خوبی را که بر اساس توصیه کتاب مقدس باید با آن جایگزین شود، بنویسید.

(a) افسسیان ۲۸:۴. دزدی و سرقت

(b) افسسیان ۲۹:۴. سخنانی که آسیب می‌رسانند.

(c) اول پطرس ۳:۹. بدی به عوض بدی

(d) غلاطیان ۵:۱۶-۲۶. انجام اعمال بدی که طبیعت ما می‌طلبد.

(e) سوم یوحنا ۱۱. تقلید از آنچه که بد است.

این جریان، الگویی را نشان می‌دهد که در سراسر کتاب مقدس می‌توان آن را دید. شیطان پیوسته کوشیده است تا اعمال بد را جایگزین اعمال خوب نماید. این همان چیزی است که سقوط را نیز به همراه آورد (پیدایش ۳). ما باید اعمال خوب را جایگزین اعمال بد نماییم.

مبادرت ورزیدن بع اعمال درست به این معنی نیست که خود - عادل شویم. بلکه این عمل در واقع بکار بردن قدرت ذهن و اراده

در کتاب طبیعت جدیدی است که در قدوسیت خلق می‌شود. در همان حینی که خدا در محدوده‌هایی که خارج از قدرت ما قرار دارند، کار می‌کند. ما قدرت و توان خود را از انجام بدی بازداشته و به انجام کار خوب معطوف می‌داریم و به این مطلب که "مسیح در ماست" بیانی روشن می‌بخشیم. این همان فرآیند تبدیل و شدن است (ما هنوز در آن فرایند هستیم).

زمانی که می‌پذیریم در آن فرآیند قرار داریم، چندین نتایج حاصل می‌شود. کسانی را که در این فرآیند و جریان قرار دارند راحت‌تر می‌پذیریم، جنگ و نبردی را که داریم بهتر درک می‌کنیم و با دانستن اینکه چگونه در مقابل وسوسه مقاومت کرده و عکس‌العمل نشان دهیم، قوی‌تر می‌گردیم. از قدرت عادت که قبلاً شیطان آن را بکار می‌گرفت، استفاده خواهیم کرد تا بجای اینکه ضعیف‌تر شویم قوی‌تر گردیم. یعنی، ما عادات خود را اعتلا بخشیده و آن را با عادات بد ناشی از طبیعت گناه‌آلود، جایگزین می‌نماییم.

آنچه باید انجام دهید

۸- دلایلی را که می‌گفتند چرا می‌توانیم توقعات و انتظارات خدا را برآورده سازیم، مطالعه کردیم. از میان موارد زیر، آن موردی را که می‌تواند یکی از این دلایل باشد، علامت بزنید.

a) خدا از ما توقع دارد که در تمام آنچه که انجام می‌دهیم کاملاً عادل و کامل باشیم.

(b) گناه در ما نفوذ دارد ولی بر ما تسلط ندارد.

(c) نیکی‌ای که از جانب خدا می‌آید بر بدی‌ای که از شیطان است، پیروز است.

(d) جنگی که در زندگی مسیحی حادث می‌شود از این امر ناشی می‌گردد که ما بر آن می‌شویم که همانی باشیم که هستیم.

(e) ما در همان پیروزی واقعی‌ای که مسیح با غلبه بر گناه بدست آورد، سهیم هستیم.

برآورده کردن توقعات و انتظارات خدا امری است ممکن. ما می‌توانیم در انجام این امر پیروز باشیم. زیرا مسیح بر گناه پیروز شد و قدرت حیات او در دعا می‌تواند نیکی را بر بدی چیره گرداند.

آنچه باید انجام دهید

۹- در حالیکه این درس را مطالعه می‌کنید، لحظاتی چند وقت بدهید و اول یوحنا ۳:۱-۳ و ۹ و ۱۰ را بخوانید در دفتر یادداشت خود به سؤالات زیر جواب دهید:

(a) ما چه امیدی داریم (آیه ۴)؟

(b) چرا به گناه ادامه نمی‌دهیم؟

جواب‌های خود را مقایسه کنید:

۵- (b) خدا هر دو آنها را در دو طریق متفاوت، همه تلقی می‌کند...

۱- (a) افسسان ۲:۲۲.

- ۶- b) پیروزی واقعی مسیح بر قدرت واقعی گناه، چیره گشت
- ۲- جواب خودتان. هر مشکلی که داشته باشید می‌تواند فرصتی برای پیروزی باشد.
- ۷- a) کار کردن و بخشیدن به دیگران (توجه: در هر حال ما با چیزها مربوط هستیم، چه با دزدین و چه با کار کردن و بخشیدن)
- b) بکار بردن سخنان خوب و سخنانی که مردم را یاری می‌کند (توجه: در هر حال سخن بکار می‌رود، سؤال اینجاست که چه عادت‌های ما اعتلا می‌بخشیم)
- c) برکت به عوض بدی
- d) انجام اعمال خوبی که روح می‌طلبد.
- e) تقلید از هر آنچه که خوب است.
- (با کلمات خود پاسخ دهید)
- ۳- b) ما ملتی مقدس هستیم... (جوابهای دیگر هر دو جنبه نظر الهی را شامل نمی‌شوند)
- ۸- b) گناه در ما نفوذ دارد ولی بر ما تسلط ندارد.
- c) نیکی‌ای که از جانب خدا می‌آید....
- e) ما در همان پیروزی واقعی که...
- ۴- c) آنچه را که خواهیم شد، می‌بیند.
- ۹- a) روزی شبیه مسیح خواهیم شد.
- b) زیرا همان طبیعت خدا در ما زندگی می‌کند.

درس ۶

خدا چگونه می‌تواند با من سخن گوید؟

... من صدای او را هرگز نشنیده‌ام.

"بروید و چیزهای ناپاک را لمس ننمایید." صدا واقعاً محکم بود و قدرت داشت. انسان را کاملاً قانع می‌کرد. مانوئل در راه خانه بود که این صدا را شنید. او شغل مهمی داشت و حقوق بسیار خوبی به او می‌پرداختند، اما این شغل خدا را جلال نمی‌داد. صدایی که شنید تمامی افکارش را بهم ریخت. صدا واقعی بود. مانوئل می‌دانست که صدا ادامه دارد با اینحال هنوز مطمئن نبود که با گوشه‌هایش می‌شنود و یا با گوش دلش. این جملات را قبلاً در جایی دیگر هم شنیده بود.

مانوئل در یک خانواده مسیحی بزرگ شده بود بخاطر می‌آورد که وقتی که پسر بچه بود، به کلاسهای کتاب مقدس می‌رفت. برادر و تمامی خواهرانش خدا را خدمت می‌کردند، اما مانوئل از همان دوران نوجوانی به داشتن "زندگی خوب" علاقمند شده بود - داشتن پول زیاد، خانه‌ای بزرگ، و زندگی کاملاً راحت. بهمین جهت زندگی او در مسیری متفاوت با بقیه اعضای خانواده پیش رفته بود. او هرگز نگذاشته بود که وجدانش او را بیازارد. او جوان بود، هدفهایش کاملاً مشخص، و در راه موفقیت بخوبی پیش می‌رفت. آنگاه این صدا، مانوئل از خود پرسید:

"این صدا از کجا آمد؟ صدای چه کسی بود؟"

همانطور که مانوئل گوش فرا داده بود از یک چیز مطمئن شد: صدا، صدای خدا بود. این کلمات را از داستانهای کتاب مقدس بیاد آورد. اما این چیزی بیشتر از یک خاطره بود. در نیمه راه مانوئل از رفتن باز ایستاد. تمامی افکار خود را معطوف به خدا نمود و به خداوند پاسخ داده و زندگی خود را وقف به او کرد.

خدا سخن می گوید. خدا می تواند بشنود. بعضی اوقات خدا به همان شیوه ای که مانوئل شنید، سخن می گوید. بعضی اوقات نیز به طریقی متفاوت. این درس به شما کمک می کند تا بدانید خدا چگونه با شما سخن می گوید.

آنچه در این درس خواهید خواند...

طریقه هایی که خدا با ما سخن می گوید
چرا عده ای صدای خدا را نمی شنوند
خداوند حتماً صحبت می کند

این درس به شما کمک می کند تا.....

طرقی را که خدا با شما سخن می گوید، توصیف کنید.
تشریح کنید که چرا عده ای صدای خدا را نمی شنوند.
مطمئن گردید که خدا با شما سخن خواهد گفت.

طریقه‌هایی که خدا با ما سخن می‌گوید

بسیاری از مردم مدتها در این مورد سرگردان می‌مانند که آیا خدا می‌تواند با آنها ارتباط برقرار کند یا نه. "آیا خدا می‌تواند با من صحبت کند؟ او چگونه سخن می‌گوید؟" اینها سؤالاتی هستند که ذهن اینگونه افراد را دائماً بخود مشغول می‌دارد. جالب است که اغلب فکر می‌کنیم خدایی که ما را آفرید و به ما این توان را بخشید با بشنویم و با دیگران ارتباط برقرار کنیم، خود در ایجاد ارتباط و سخن گفتن ناتوان است! اما خدا سخن می‌گوید. او طریقه‌های زیادی را برای سخن گفتن با ما انتخاب کرده است.

خدا از طریق کتاب مقدس سخن می‌گوید

اولین طریقی که خدا توسط آن با ما سخن می‌گوید، کتاب مقدس یعنی همان کلام مکتوب خدا می‌باشد. غیر ممکن بنظر می‌رسد که کتابی که در ۲۰۰۰ سال قبل نگارش آن تمام شده است بتواند با بشر امروز در رابطه با اراده‌ای که خدا در مورد او دارد، صحبت کند.

اما کتاب مقدس بیشتر از یک کتاب معمولی است. کتاب مقدس پیغامی است که از جانب خدا برای ما آمده است و همین مطلب می‌تواند با ما سخن گوید و ما می‌توانیم سخن آن را بفهمیم.

روح القدس، کتاب مقدس را الهام بخشید. روح القدس، شخص سوم تثلیث اقدس است. روح القدس نیز به همان اندازه خدای پدر و خدای پسر، خداست. هر صفتی که خدای پدر و پسر دارند، روح القدس نیز دارد. از جمله معرفت کامل، او بر همه چیز آگاه است. او حال را می داند. او گذشته را می داند (فراموش نمی کند). او آینده را می داند. او شما را پیش از اینکه متولد شوید، می شناخت. حتی قبل از اینکه والدین شما دنیا آیند و حتی پیش از اینکه کسی مولود شود.

روح القدس، نویسنده کتاب مقدس است. او بود که هدایت نگارش آن را به عهده گرفت و از درستی و صحت آن مطمئن شد (دوم پطرس ۱: ۱۹-۲۱). کتاب مقدس، مکاشفه نقشه الهی برای بشر است. کتاب مقدس نه تنها می تواند شما را به نجات رهنمون باشد، بلکه برای هدایت شما در طول زندگی نیز کاملاً مفید و مؤثر است. روح القدس، تمام آنچه را که شما برای یک زندگی موفق مسیحی لازم دارید، در این کتاب آورده است.

آنچه باید انجام دهید

(۱) در کتاب مقدس خود دوم تیموتاؤس ۳: ۱۶-۱۷ را بخوانید. آنگاه در دفتر یادداشتان به سؤال زیر جواب دهید: کتاب مقدس مرد خدا و یا خادم خدا را چگونه یاری می کند؟ معجزه کتاب مقدس تنها در چگونگی نگارش آن نیست، بلکه

در چگونگی درک و فهم آن نیز هست. روح القدس بود. عامل درک کتاب مقدس نیز روح القدس است.

لحظه‌ای در مورد آیاتی که در درس ۲ خواندید و شما را مطمئن ساخت که روح القدس می‌تواند شما را هدایت کند، فکر کنید. به عنوان مثال سخن مسیح را در یوحنا ۱۴ و ۱۶ در رابطه با کمک کننده و تسلی دهنده‌ای که خواهد آمد - همان روح القدس - بخاطر آورید. (یوحنا ۱۴: ۱۶ و ۱۵: ۱۲-۱۵). رومیان ۸: ۲۶-۲۷ را نیز که به ما اطمینان می‌بخشد که روح القدس فکر و ذهن بشر را می‌داند و او را در دعا هدایت خواهد کرد، فراموش نکنید. مسیح حتی فرمود که روح القدس تعالیم او را هم بیاد مؤمنین خواهد آورد (یوحنا ۱۴: ۲۶). روح القدس چگونه به این عمل مبادرت خواهد کرد؟ از طریق کلامی که خود، مؤلف آن بود.

آیا شده که کتاب مقدس را بخوانید و ناگهان آیه‌ای یا متنی برجسته‌تر از دیگر مطالب برایتان مصور شود؟ آن قسمت جواب احتیاج شما بوده، با اینکه دلیل آن را نمی‌دانید، اما در آن مورد بخصوص، جواب و یا نقطه هدایتی بوده است. شاید هم شما را از چیزی مطمئن ساخته. اگر ما خود کتاب مقدس را ورق می‌زدیم، نمی‌توانستیم برای تقویت ذهنیتی که داشتیم چنین آیه و یا متنی را پیدا کنیم. اما زمانی که می‌خواهیم از طریق کلام خدا نسبت به فکر خدا آگاهی یابیم، چنین چیزی را تجربه می‌کنیم.

مسیح کاملاً آگاه بود که روح القدس در یک چنین طریقی سخن خواهد گفت، زیرا اغلب از عهد عتیق آیاتی را ذکر می کرد و می گفت که این آیات اسناد به او دارند. اگر روح القدس کمک نکند، از حقیقت و یا مسیر منحرف خواهیم شد. (به عنوان مثال به لوقا ۱۸:۴ مراجعه کنید). اشخاص دیگری نیز این نوع مکاشفه را تجربه کرده اند (نظیر پطرس در اعمال ۲:۱۴-۲۱).

در ابتدای درس، از مانوئل سخن رانیدیم. مانوئل دوست نزدیک من است. صدایی که او شنید صدای خدا بود که از طریق اشعیا ۱۱:۵۲ صحبت می کرده از طریق آیه ای که در اصل برای اشخاص دیگری گفته شده بود. این نمونه ای است از طریقی که روح القدس، کتاب مقدس را بکار می گیرد و باعث می شود پیامی را بخوبی درک کنیم.

آنچه باید انجام دهید

۲) فرض کنید برای کسی توضیح می دهید که روح القدس چگونه کتاب مقدس را بکار می برد تا با ما سخن گوید. در دفتر یادداشت خود نمونه ای از این امر را که در زندگی شما و یا کسی که می شناسید، اتفاق افتاده است، بنویسید.

روح القدس، به ما کمک خواهد کرد تا کتاب مقدس را مطابق با اصولی که آموختیم، بکار ببریم. خدا با خود متناقض نخواهد بود.

اگر روح القدس بر آن است که ما را در تبعیت از طرح الهی کمک کند، در اینصورت بایستی بدانیم که این امر در کتاب مقدس به چه صورت آمده است. کتاب مقدس مجموعه‌ای از عقاید اجتماعی نیست. کتاب مقدس کتابی است که آنچه را که خدا با بشر گفته در خود دارد و می‌توان پاسخ و عکس‌العمل بشر را هم در آن دید. در کتاب مقدس، اصول بیان می‌گردند و ما معنی آن را با آزمودن اثراتی که روی زندگی انسانها داشته است، می‌فهمیم. کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد که این اصول چگونه بکار می‌رود و ما را بر آن می‌دارد تا در نقطه نظری که به آنها داریم تعادلی بوجود آوریم.

به عنوان مثال، مسیح از اصل پیروزی نهایی فروتنی و تواضع سخن گفت (۵:۵). اما فروتنی چیست؟ از زندگی موسی درمی‌یابیم که فروتنی چگونه می‌تواند با دیگر صفات در تعادل باشد. (به عنوان مثال خروج ۱۲ را مطالعه کنید).

ما از زندگی داود و شائول، دو تن از پادشاهان اسرائیل، اختلاف بین توبه و غصه را درمی‌یابیم. این بزرگی گناه شائول نبود که باعث شد پادشاهی را از دست بدهد. تنها عکس‌العملی که شائول در مقابل گناه خود نشان داد این بود که غمگین شد، اما هرگز توبه ننمود و نقطه نظر خود را تغییر نداد. درست مخالف با آن، داود با تمامی قلب و وجود توبه کرد. (به عنوان مثال اوّل سموئیل ۸:۱۳-۱۴، ۱۵:۱۷-۲۵ با دوم سموئیل ۱۲ و مزموّر ۵۱ مقایسه کنید).

آنچه باید انجام دهید

(۳) اعمال ۴۰:۵-۴۲ و آیات زیر را بخوانید. حادثه‌ای که در اعمال رسولان اتفاق می‌افتد، نمونه‌ای از اصلی است که در آمده است.

(a) متی ۷:۵

(b) متی ۱۱:۵

(c) لوقا ۳۷:۶

بنابراین می‌بینیم که روح‌القدس کلام خدا را بکار می‌گیرد تا ما را به اصولی محکم و منطقی هدایت نماید، اصولی که با مشاهده چگونگی عملکرد آن در زندگی انسانها بیشتر مفهوم می‌گردد.

آنچه باید انجام دهید

(۴) تا اینجا به سه نوع از هدایتی که توسط کتاب‌مقدس انجام می‌شود اشاره کردیم. هر یک از آیات زیر را بخوانید و آن را به مورد درست خود مربوط کنید.

(۱) فرمان مستقیمی که به یک شخص یا گروه داده

می‌شود.

(۲) اصلی مربوط به رفتار و منش.

(۳) نمونه‌ای از یک اصل موجود در زندگی یک شخص.

(a) یوشع ۴:۶

(b) متی ۴۴:۵

(c) متی ۲۱:۱۹

(d) اعمال ۷:۵۴-۶۰

خدا توسط دیگران سخن می گوید

خدا، در تشریح اراده خود به ما از دیگران نیز استفاده می کند. او در انجام این کار هم از شخص مسیحی سود می جوید و هم از شخص غیر مسیحی.

ما در باطن چهارچوبها و روابطی زندگی و کار می کنیم که بر اقتدار استوارند نظیر آنچه که در حکومتان، در خانواده مان و حتی در کلیسایمان می بینیم. هر یک از این نهادها مسئولیت هدایت در محدوده مشخصی را به عهده دارند. کتاب مقدس، اینها را وسایلی می داند که خدا به توسط آنها سخن می گوید. به عنوان مثال، والدین بچه های جوان آنها را راهنمایی می کنند و کلام خدا می گوید که اراده الهی در این است که فرزندان از والدین اطاعت کنند (افسسیان ۱:۶). حاکمان یک ملت این حق را دارند که شهروندان آن ملت را هدایت کنند و کلام خدا می فرماید که اراده الهی در این است که از حاکمان اطاعت شود (رومیان ۱:۱۳).

به غیر از این نوع روابط، ما با اشخاص بخصوصی که خدا آنها را برگزیده و به زندگی ما وارد کرده، روابط دیگری داریم. این اشخاص

حکیم‌اند، زیرا مدیدی است که با خدا راه می‌روند. پندها و نصایح آنها اغلب پرارزشند زیرا آنها به طریقه‌های خدا آشنا هستند.

آنچه باید انجام دهید

(۵) از کتاب مقدس خود خروج ۸: ۱۳-۲۶ را بخوانید. در دفتر یادداشت‌تان به سؤالات زیر جواب دهید.

- (a) مشکل موسی چه بود؟ (آیات ۱۷: ۱۳).
- (b) یثرون به موسی چه اندرزی داد؟ (آیات ۲۳: ۱۸).
- (c) نتیجه چه بود؟ (آیات ۲۶: ۲۴).

با این وجود داود پادشاه، علیرغم نصیحت یوآب با سرشماری مردم اسرائیل مرتکب گناه شد (دوم سموئیل ۲۴: ۳-۴ و ۱۰). یثرون و یوآب بر موسی و داود (اقتدار و حاکمیت) نداشتند. موسی خود رهبر بود و داود خود پادشاه. اما در مشورت‌های ایشان ارزش زیادی نهفته بود.

ممکن است خدا از سؤالات امتحانی مدرسه‌تان کمک گیرد تا عطایا و استعداد‌های بخصوصی را که به شما عطا کرده است، معلوم دارد. خدا می‌تواند از طریق معلمانی که اغلب استعداد‌های ویژه را می‌شناسند، سخن گوید.

حال اگر نصیحتی که داده می‌شود، موافق نظر خود ما نباشد چه اتفاقی می‌افتد؟ (معمولاً هم چنین است) بعضی از نصیحت‌ها را باید ندیده گرفت زیرا مخالف با طریقه‌های کلام خداست. بعضی

اوقات لازم است فردی که نصیحت می‌کند، خود مورد بررسی قرار گیرد. منظور و مقصود این شخص در رابطه با ما چیست؟ اما با این که این طرق جهت تشخیص صدای خدا بیان می‌گردد، ولی بخاطر داشته باشید که خدا می‌تواند آشکارا سخن گوید و آشکارا نیز سخن خواهد گفت.

آنچه باید انجام دهید

۶) کِنت سخت کار می‌کند ولی احساس می‌نماید که حقوقش کافی نیست. از دوستان خود در این زمینه چاره‌جویی می‌کند. افسسیان ۸-۵:۶ را بخوانید و مشخص کنید که بنظر شما کدامیک از نصایح زیر برخلاف نصایح کلام هستند.

(a) کارول، پیشنهاد می‌کند که بخاطر حقوق کم، مواقعی

که کارفرما نیست او زودتر به خانه برود.

(b) باب، به او می‌گوید که با کارفرما صحبت کند و مشکل

را با او درمیان بگذارد.

(c) جیم، پیشنهاد می‌کند که تا زمانی که حقوق مکفی به او

پرداخت نمی‌شود، اینقدر سخت کار نکند.

خدا از طریق تجربیات گذشته سخن می‌گوید

تجربیهایی که در گذشته در رابطه با تبعیت از هدایت خدا داشته اید، می‌تواند آموزگار خوبی باشد و شما را توان بخشد که صدای خدا را از طریق کانالهایی که او انتخاب می‌کند، بوضوح

بشنوید. اگر به گذشته خود نگاه کنید درمی‌یابید که خدا همیشه نسبت به شما وفادار بوده و با شما سخن گفته است. هربار که صدا و یا هدایت او را تشخیص می‌دهید توانایی شما در این زمینه بیشتر می‌گردد.

خدا، به همان طریقی که در زندگی قهرمانان کتاب مقدس، مطابق با اصولی بخصوص کار کرده است، در زندگی شما نیز براساس همان اصول کار می‌کند. احتمالاً شما به کار خدا در زندگی خود به عنوان مجموعه‌ای نگاه می‌کنید که وقایع آن با یکدیگر نامربوطند. سپس، در این مجموعه می‌توانید الگویی را مشاهده نمایید. نهایتاً از تجربیاتی که در رابطه با تبعیت از خدا داشته‌اید به اصولی پی می‌برید که خدا بوسیله آنها کار می‌کند. مثالی زیبا این مطلب را بخوبی تصور می‌کند.

زمانی که جیم از دانشکده علوم الهی فارغ‌التحصیل شد، دو کلیسا از او دعوت کردند تا شبانی آنها را قبول نماید. او دعا کرد و کلام خدا را مطالعه نمود و از رهبران و بزرگان روحانی در این مورد نظر خواست. هیچ چیز بنظر روشن و واضح نمی‌رسید. در کلام خدا در رابطه با انتخاب هر یک از این دو کلیسا مخالفتی نمی‌دید. معلمان دانشکده به او پیشنهاد کردند که شبانی کلیسا اول را بپذیرد. یکی از رهبران روحانی به او پیشنهاد نمود که شبانی کلیسا دوم را قبول کند. بالاخره زمانی رسید که دیگر بیش از این نمی‌توانست منتظر باشد و می‌بایست از آن دو یکی را انتخاب کند.

او با ترس و لرز انتخاب خود را انجام داد و این مطلب را به اطلاع کلیساها رسانید. حال او به زیر تعهدی رفته بود. او در این زمینه هرچه که می‌دانست، انجام داده بود.

مطلب حیرت‌آور این است که ترس او از تصمیم‌گیری، به اطمینانی عمیق ناشی از تعهدش تبدیل شده بود و او مطمئن گردید که در اراده خدا قرار دارد.

آیا بخت با جیم یار بود و تصمیم درستی گرفت؟ نه تصمیم او به کمک بخت و اقبال نبود. تصمیم او نتیجه هدایت خدا بود. جیم در طول مدتی که به دنبال عقیده و نظر افراد صالح می‌گشت، صادقانه بر آن بود تا از اراده الهی تبعیت نماید. او با هدایت روح‌القدس جلو می‌رفت. جیم ذهن و فکر احیا شده و تبدیل یافته داشت (رومیان ۱: ۱۲-۲). تصمیم او عملاً در پاسخ به هدایت روح‌القدس گرفته شد، بی‌آنکه خود جیم نسبت به این امر آگاهی داشته باشد.

چند سال بعد، از جیم خواسته شد تا تصمیم مهم دیگری اتخاذ کند. باز او به دنبال اراده خدا دعا نموده و نظر دیگران را جویا شد و در این حین امکانات مختلف را هم جستجو کرد. و باز زمانی فرا رسید که دیگر بیش از این نمی‌توانست منتظر باشد. و مجبور به تصمیم‌گیری بود. جیم تصمیم خود را گرفت و باز همانطور که خدا را تبعیت می‌کرد، ترس او جای خود را به اطمینانی عمیق بخشید.

جیم به این نتیجه رسید که در تبعیت از ارادهٔ خدا یک اصل مداوماً به چشم می‌خورد. زمانی که او در طلبیدن ارادهٔ خدا صداقت و درستی نشان داده بود، خدا نیز او را در تصمیم‌گیری‌هایش، هدایت فرموده بود. این اصل پایه و بنیاد اطمینانی عمیق در جیم شد. جیم پی برد اصلی که در مزمور ۲۳:۳۷ بیان می‌گردد: "خداوند قدمهای انسان را مستحکم می‌سازد و در طریقه‌هایش سرور می‌دارد" در زندگی او به واقعیتی زنده تبدیل شده است و عمل می‌کند. او می‌توانست بر این اصل اتکا داشته باشد. صدایی نبود که او بتواند آن را تشخیص دهد. اما با این وجود خدا سخن گفت. خدا عملاً به طریقه‌های گوناگون سخن می‌گفت. در مجموع تصمیم جیم عملاً پاسخی به خدا بود.

آنچه باید انجام دهید

(۷) دیدیم که خدا چگونه فردی را که ارادهٔ او را می‌طلبد هدایت فرمود: خدا شما را چگونه در زندگیتان هدایت کرده است؟ در این زمینه لحظه‌ای بیندیشید. آنگاه در دفتر یادداشت خود به سؤالات زیر بصورتی کوتاه پاسخ دهید.

- (a) خدا چگونه شما را به نجات خود رهنمون کرد؟
- (b) خدا برای هدایت شما از چه اشخاصی استفاده کرد؟
- (c) چه پیغامی از کلام خدا هدایت ویژه‌ای به شما داد؟
- (d) خدا چه شرایطی را بکار گرفت تا شما را شکل بخشد؟

(e) آیا در هدایت‌های زندگی خود الگو و یا اصلی را مشاهده کرده‌اید؟ آن را بیان کنید.

خدا ممکن است مستقیماً سخن گوید

خدا در کنار استفاده از کتاب مقدس، دیگر اشخاص و تجربیات گذشته، بعضی اوقات نیز مستقیماً سخن می‌گوید. خدا این روش را چه مواقعی بکار می‌گیرد؟ اگر ما وجدان خود را به عنوان نماینده‌ای از صدای خدا تلقی کنیم، در اینصورت خدا اغلب مستقیماً با ما سخن می‌گوید. اگر تأکید ما در این امر بیشتر کلمات رسا باشد، خدا برای هدایت ما کتاب مقدس را بکار می‌گیرد. اما در هر حال خدا صحبت می‌کند. و فراموش نکنید، پیام او هرگز با آنچه که در کلام خود گفته است متناقض نخواهد بود.

چگونه می‌فهمید صدایی که می‌شنوید، صدای خداست؟ کلام خدا در این زمینه دو مورد بیان می‌دارد که یکدیگر را تعادل می‌بخشند. اولین مورد، مورد ذهنی است. همانطور که گوسفندان صدای شبان را می‌شناسند (یوحنا ۱۰:۴)، شما نیز صدای شبان خود را خواهید شناخت. (یوحنا ۱۰:۱۴-۱۵). زمانی که شما اراده خدا را طلبیده‌اید و ذهن خود را از کلام او مملو ساخته و از روح القدس تبعیت نموده‌اید، می‌توانید بفهمید که خداست که سخن می‌گوید. مورد دوم، مورد اول را تقویت می‌کند. اراده خدا هم‌یشه مطابق با کلام مکتوبش می‌باشد (اشعری ۸:۱۰).

آنچه باید انجام دهید

۸) اعمال ۳۳-۹:۱۰ را بخوانید و در دفتر یادداشت خود به سؤالات زیر جواب دهید:

(a) دو طریقی را که خدا مستقیماً با پطرس سخن گفت؟،

کدامند؟ (آیات ۹-۱۹، ۱۶-۲۰).

(b) پیام خدا چگونه تأیید می‌شود؟

(آیات ۱۴ و ۱۷-۱۸ و ۲۲).

چرا عده‌ای صدای خدا را نمی‌شنوند

معمولاً در زمینه اینکه چرا عده‌ای صدا و یا هدایت خدا را نمی‌فهمند دو دلیل عمده وجود دارد: اول اینکه نمی‌توانند شیوه‌ای را که خدا از آن طریق صحبت می‌کند، قبول نمایند. دوم اینکه تابحال از آنچه که خدا فرموده است، اطاعت نکرده‌اند.

مردود شمردن شیوه خدا

اول، برخی از مردم، خود از پیش تعیین می‌کنند که خدا باید چگونه در چه طریقی سخن گوید و زمانی که خدا طریق دیگری را انتخاب می‌کند، برای آن طریق آمادگی ندارند. بعضی اوقات آنها صدای خدا را بکلی از دست می‌دهند و بعضی اوقات نیز پیام خدا را بدلیل واسطه‌ای که در این زمینه بکار رفته است (چگونگی ظاهر شدن آن) مردود می‌شمارند. در عبرانیان ۱:۱-۳ می‌خوانیم که خدا

طریقی را که قبلاً با بشر سخن می‌گفت عوض کرد. پیش از آمدن عیسی، خدا بوسیله پدران و نیاکان و انبیا سخن می‌گفت اما پس از آن، خدا بر آن شد تا از طریق پسر خود با مردم سخن گوید و این شیوه را جایگزین طریق قبلی نماید. پیام "خدا کیست؟" بطور کامل در عیسی مسیح داده شد، اما از آنجایی که عده‌ای واسطهٔ پیام را (عیسی) قبول کردند، پیام خدا را از دست دادند.

نعمان، سرداری بزرگ بود و به هر کاری که دست می‌زد، امکان نداشت، موفق نباشد (به دوم پادشاهان باب ۵ مراجعه کنید). اما با این وجود در زندگی خود باگره کوری مواجه بود. او جذام داشت... نوعی مرض پوستی خطرناک. خدا جهت صحبت با او از شیوه‌های مختلفی سود جست و عاقبت او را به نزد الیشع نبی راهنمایی کرد. نعمان، توقع داشت که خود الیشع با او سخن گوید، اما بجای او خادم الیشع پیام را برایش آورد (آیات ۹: ۱۲). بدون تردید نعمان، در قبول این پیام تا حدودی با خود مشکل داشت، زیرا پیام آور را نپسندیده بود. اما زمانی که از پیام اطاعت کرد از مرض خود بکلی شفا یافت (آیات ۱۳-۱۴).

بعضی اوقات خدا ممکن است به طریقی با ما سخن گوید که برای ما عجیب و غریب جلوه کند. او به دلیل اینکه خداست این امتیاز را برای خود قائل است. پیام خدا را بخاطر کانالهایی که او از آنها سود می‌جوید، از دست ندهید.

نااطاعتی

دوم، برخی از مردم هدایت و صدای خدا را به علت نااطاعتی از دست می‌دهند. قبلاً از اهمیت اطاعت در زمینه شنیدن صدای خدا سخن گفتیم. (درس ۲). اما من این اصل را بدلیل اهمیتی که دارد در اینجا نیز ذکر می‌کنیم. بسیاری از آنچه که خدا می‌فرماید حالتی پیش رونده دارند، یعنی، مرحله به مرحله برایمان آشکار می‌شود. خدا تمام نقشه خود را به یکباره به ما نشان نمی‌دهد.

جدعون، مشغول آماده‌سازی لشکری بود تا اسرائیل را آزاد سازد. او طریق انجام این کار را از خدا گرفته بود. اگر در مرحله‌ای از کار نااطاعتی می‌کرد، نمی‌توانست از خدا انتظار داشته باشد که به هدایت خود ادامه دهد و نقشه عمل خود را معلوم دارد. اما همچنانکه جدعون در مرحله‌ای اطاعت می‌کرد، مرحله بعدی بطوری کاملاً آشکار به او گفته می‌شد. عاقبت جدعون با ۳۰۰ نفر بر هزاران نفر مدیانی پیروز شد (دواران ۱:۷-۲۵). از تجربه جدعون این اندرز را در می‌یابیم: اگر در شنیدن صدا و هدایت الهی دچار مشکل هستید، کلام خدا را جستجو کنید تا دریابید که کی در انجام آنچه که خدا تابحال فرموده، قصور ورزیده‌اید.

آنچه باید انجام دهید

(۹) در زیر از اشخاصی سخن می‌رود که هدایت الهی را از دست داده‌اند. هر یک از آنها را با دلیل درستی که منتهی به این عمل شده است، مربوط کنید.

(۱) مردود شمردن روش

(۲) ناطاعتی

(a...) اولاً، می‌داند که خدا از او انتظار دارد فردی را که نسبت به او بدی کرده است، ببخشد. اما اولاً، این کار را انجام نداده است. حال او می‌بیند که دعا‌های او مبنی بر هدایت بیشتر بی‌جواب می‌ماند.

(b...) دان، هدایت الهی را می‌طلبد. والدین او نیز در مورد آنچه که باید انجام دهند، دعا می‌کنند. آنها به او توصیه می‌کنند که یک سال دیگر هم کار کند و برای تحصیل خود پول جمع کند. اما دان این توصیه را نمی‌پذیرد و به آن وقعی نمی‌نهد. او انتظار ندارد که خدا از طریق آنها سخن گوید.

(c...) لیندا، علاقه دارد بداند که خدا به عنوان قدم بعدی از او انجام چه کاری را طالب است. او می‌داند که خدا در حال حاضر از او می‌خواهد تا در تعلیم کلاس کتاب مقدس کمک کند، اما او تاکنون این کار را انجام نداده است.

خداوند حتماً صحبت خواهد کرد

کسی که مشتاق انجام اراده الهی است، نایستی از این مطلب که ممکن است در شنیدن صدای خدا ناتوان باشد، کوچکترین ترسی بخود راه دهد. قدرت ایجاد ارتباط به ما بستگی ندارد بلکه به خداوند.

خدا حتماً سخن می‌گوید. او با شما سخن خواهد گفت. می‌توانید به این سخن اطمینان داشته باشید و خود او کاری خواهد کرد که بتوانید صدایش را بشنوید. کتاب مقدس نمونه‌های بی‌شماری از افرادی بیان می‌دارد که خدا با آنها سخن گفته و آنها نیز صدای خدا را شنیده‌اند، حتی در مواقعی که خودشان علاقمند به شنیدن نبوده‌اند (مثلاً یونس در یونس ۱:۳ و سولس در اعمال ۹:۱-۶). او مطمئناً با کسی که به صدایش گوش می‌دهد، سخن خواهد گفت.

آنچه باید انجام دهید

۱۰) متنهای زیر را از کتاب مقدس بخوانید. در دفتر یادداشت خود به سؤالات هر یک از آنها پاسخ دهید.

(a) مزمور ۱۹:۷-۱۱. خدا چه شریعت و یا کلامی به ما عطا می‌کند؟ (آیه ۱۱).

(b) مزمور ۲۳:۱-۳. خدا ما را به چه چیز هدایت می‌کند؟ (آیه ۳).

(c) مزمو ۸:۲۵-۱۰. خدا چرا ما را تعلیم می دهد؟ (آیه ۸).

جواب های خود را مقایسه کنید:

۶- او بایستی (a) پیشنهاد کارول و (c) پیشنهاد جیم را رد کند.

می توانید علت را توضیح دهید؟

۱- او را تجهیز می کند تا پیوسته اعمال نیکو بجا آورد. (یا جوابی مشابه).

۷- جواب خودتان. امیدوارم که جواب شما در درک و فهم

هدایت خدا در زندگیتان مفید واقع گردد.

۲- جواب خودتان. شما می توانید تجربه مانوئل و یا هر تجربه

ماشبه دیگری را که برای شما و یا یکی از دوستانتان روی داده است، تشریح کنید.

۸- (a) از طریق یک رؤیا (آیت ۱۰-۱۶) و یک صدا (آیت ۱۳ و ۱۵ و ۱۹).

(b) پطرس صدای خدا را تشخیص داد (آیه ۱۴) و شرایط،

این مطلب را تأیید کرد (آیات ۱۷ و ۱۸ و ۲۲)

(c) او از صدای خدا اطاعت کرد (آیه ۲۳) و آنهایی را که

خداوند امر به پذیرش آنها کرده بود، نپذیرفت (آیه

۲۸).

(جواب شما بایستی جوابی مشابه باشد. این واقعه نمونه

خوبی است از اینکه خدا ممکن است مستقیماً سخن

گوید.)

۳- (b) متی ۱۱:۵

۹- (a) ۲- ناطاعتی

(b) ۱- مردود شمردن روش

(c) ۲- ناطاعتی

۴- (a) ۱) فرمان مستقیمی که به یک شخص یا گروه داده می‌شود.

(b) ۲) یک اصل مربوط به رفتار و منش.

(c) ۱) فرمان مستقیمی که به یک شخص یا گروه داده می‌شود.

(d) ۳) نمونه‌ای از یک اصل در زندگی یک شخص.

۱۰- (a) شناخت و یا هشدار.

(b) او ما را بخاطر نام خود و یا انجام وعده خود هدایت کند.

(c) او ما را تعلیم می‌دهد زیرا که نیکو و عادل است.
(یا جواب مشابه)

۵- (a) او به تنهایی بین مردم قضاوت می‌نمود و این کار آنچنان زیاد بود که نمی‌شد به تنهایی از عهده آن برآمد.

(b) یترون به او توصیه کرد که افرادی صالح و لایق را به این کار بگمارد.

(c) افرادی صالح و لایق به این کار گمارده شدند و مشکل حل گردید. موسی حال قادر بود که اسرائیل را بدرستی هدایت نماید. (جواب شما بایستی جوابی مشابه باشد).

درس ۷

آیا عیسی نقشه الهی را می دانست؟

...او پسر خدا بود.

روی درب مغاره نجاری، این نوشته به چشم می خورد "باز است." این مغاره به پدر و پسر تعلق داشت. پدر کارها را می گردانید و پسر شاگردی او را به عهده داشت. این پدر و پسر در صداقت معروف بودند، زیرا دقت می کردند که دقیقاً همان طرحی را بسازند که مشتری انتخاب کرده بود.

پسر، که سمت شاگردی داشت، واقعاً با استعداد بود و نشان می داد که در این کار متبحر است. تنها امری که او را محدود می نمود همان جوان بودن او بود. به هرچه که دست می زد واقعاً خود از آب درمی آمد. اما هنوز خیلی چیزها بود که می بایست، بیاموزد. آنچه که این شاگرد را چنین برجسته، می نمود. توان و انرژی ای بود که به کار می بست. زمانی که دیگران به گناه کشیده می شدند، بنظر می آمد که پسر نجار با دل و جان خود را به انجام کارهای خوب و نیکو وقف کرده است.

زمانی که عیسی جسم پوشید و انسان شد، به تمام محدودیتهای زندگی طبیعی، گردن نهاد. در زمانی کودکی زندگی اش در معرض خطر قرار گرفت، و والدین او مجبور شدند برای

محافظت از او فرار کنند. با اینکه عیسی فرزند جاودانی خدا بود، با اینحال هیرودیس می‌توانست او را بکشد. مسیح در مقام خدای پسر مطمئناً از نقشه ابدیت، خبر داشت. اما با جسم پوشیدن بر آن شد تا در تجربیات انسانی و از جمله ایجاد ارتباط با خدا از طریق دعا شریک و سهیم گردد.

در حین مطالعه زندگی عیسی، چیزهای زیادی از نقشه الهی خواهیم دانست و اینکه کشف و متابعت از نقشه الهی چه مفهومی دارد.

آنچه در این درس خواهید خواند...

- مسیح در محدودیتها چیزهای زیادی آموخت.
- مسیح در حین رشد آموخت.
- مسیح در دعا آموخت.
- مسیح از آنچه که تجربه می‌کرد می‌آموخت.

این درس به شما کمک خواهد کرد تا...

- Δ تعریف نمایید مسیح از نقشه الهی چگونه باخبر شد و چگونه از آن متابعت کرد.
- Δ طرقی را بیان کنید که در آن طرق می‌توانید از نمونه او پیروی کنید.

مسیح در محدودیتها چیزهای زیادی آموخت

مسیح با محدودیتهای آشنا شد. خدای آفرینش (یوحنا ۳:۱) خود را در همان جسمی که خلق کرده بود، محدود ساخت! او داوطلبانه معرفت حضور و قدرت الهی خود را محدود ساخت. او به خود اجازه داد که از طریق تجربه بیاموزد.

او با گردن نهادن به گفته‌های والدین محدودیتها و ناتوانیهای دوران کودکی را آموخت. دوران کودکی او دورانی معمولی بود و دلیلی نیست که چنین فکر نکنیم. بدون تردید او با شاگردان از همان دوران جوانی آشنا بود. همانطور که رشد می‌کرد محدودیتها به تدریج کمتر می‌شد.

عیسی با اینکه موقعیتی کاملاً مساوی با موقعیت خدای پدر داشت، پذیرفت که خود را در محدودیت شامل گرداند (فیلیپیان ۸-۶:۲). او به دنبال آن نبود که خواسته خود را انجام دهد، بلکه آنچه را که خدا از او می‌خواست (یوحنا ۱۹:۵ و ۳۰). او به تجربه دریافت که انسان تحت فشارهای واقعی مختلف قرار دارد. امیال طبیعی (نه گناه‌آلود) ممکن بود طالب چیزی باشد که مطابق با خواست و اراده‌ی خدای پدر نبود.

عیسی در خلال تجربه خود در بیابان، جوهر و شالوده‌ی ضعف زندگی بشری را تجربه کرد و می‌دانیم که علیرغم گرسنگی شدید

اراده بر این کرد تا سنگها را نان نگردانید (لوقا ۴: ۱-۴). چه تجربه عجیبی را خالق حیات می‌بایست، شریک گردد!

آنچه باید انجام دهید

(۱) مسیح داوطلبانه خود را محدود کرد تا بتواند در تجربه سهیم گردد.

(a) گناه

(b) قصور

(c) صفات بشری

مسیح در حین رشد می‌آموخت

مسیح، در معرفت و فهم رشد نمود. و خدا از او کاملاً خشنود بود. این مطلب را بوضوح از کتاب مقدس می‌توان دریافت زیرا اشعار می‌دارد که عیسی در همان کودکی از حکمت پر بود. با اینحال تا زمانی که خدمت خود را در انجیل آغاز نکرده بود، معجزه‌ای انجام نداد (یوحنا ۲: ۱۱).

وقتی که عیسی ۱۲ سال داشت، والدینش او را برای عید فصح به هیکل بردند (لوقا ۴۱: ۲-۴۲). در جامعه یهود، او به سنی می‌رسید که از نظر مسائل مذهبی می‌شد او را بالغ به حساب آورد. با اینحال انتظار می‌رفت که هنوز در تحت اطاعت و قیمومت والدین خود باشد.

شاید عیسی در این زمان پا به پای رشد خود نوعی آزمایش و امتحان را تجربه می‌کرد. این سؤال اغلب مطرح می‌شود: از چه زمانی شخص باید مسیر زندگی خود را شخصاً مشخص کند و مسئولیت تصمیم‌گیری خود را، خود به گردن داشته باشد؟

بایستی در زندگی مسیح یک بیداری روحانی فزاینده‌ای بوده باش، شاید چیزی ماورای تجربه زمینی او. اما یک چیزی کاملاً واضح است: این امر در زندگی او تنشی را بوجود آورد. او دریافت که به هیکل آمده است تا در آن اقامت کند و با اینحال تحت هدایت والدین (لوقا ۲: ۴۳-۵۱).

آنچه باید انجام دهید

(۲) لوقا ۲: ۴۱-۵۱ را بخوانید. در زمان یاد شده عیسی با رفتار خود نشان داد که:

(a) می‌توانست خود تصمیم‌گیری نماید زیرا کسی نبود که بر او اقتدار داشته باشد.

(b) با اینکه در اقتدار والدین خود محدود شده بود با اینحال می‌توانست خدا را بصورتی کامل خدمت کند.

(c) احتیاجی به تبعیت از نصیحت و هدایت والدین خود نداشت.

مطلبی که جالب بنظر می‌رسد، این است که در لوقا ۴۰:۲ می‌خوانیم که مسیح پر از حکمت بود و در لوقا ۵۲:۲ می‌خوانیم که او در حکمت رشد می‌کرد. از این امر نتیجه می‌گیریم که حتی حکمت در مقام یک عطا کاملاً با سطح بلوغ و رشد فرد ارتباط دارد. حکمتی که مسیح در مقام یک کودک از آن پر بود می‌بایست همگام با رشد ذهنی و حتی روحانی او رشد کند.

بدون تردید مسیح در آن زمان از اراده و نقشه‌ای که خدا در مورد او داشت، چیزهایی می‌فهمید. عیسی به محض اینکه به فرزند بودن خود آگاهی یافت جای درست خود را در هیکل نیز پیدا کرد. اما با اینحال اراده‌ای که خدا در مورد او داشت شامل سالهایی هم که عیسی تحت تربیت مریم و یوسف بود نیز می‌شد. او در سن ۱۲ سالگی تصویر کامل نقشه خدا را ندید، اما در مقابل آنچه که فهمید مانند پسر ۱۲ ساله عکس‌العمل نشان داد. واقعیت این بود که نه خدا تعلیم و تربیت مسیح را تمام کرده بود و نه مسیح برای خدمت آمادگی داشت.

آنچه باید انجام دهید

(۳) در مقابل هر یک از توصیفات زیر که می‌توان آن را به عنوان نتیجه‌ای حاصل از کودکی عیسی بیان شده در لوقا ۲: ۳۹-۵۲ دانست، علامت بزنید.

(a) شخصی که اراده خدا را می‌داند اما برای درک بیشتر آن هنوز احتیاج به رشد دارد.

(b) شخصی که نمی‌تواند در یک زمان هم از اراده خدا متابعت کند و هم به محدودیتها گردن نهد.

(c) حکمتی را که خدا در رابطه با اراده خود عطا می‌کند، ربطی به رشد و یا بلوغ شخص ندارد.

مسیح در دعا می‌آموخت

مسیح نه تنها در حین رشد خود می‌آموخت، بلکه در دعا نیز چیزهای زیادی یاد می‌گرفت. دعا رابطه بیدار او با پدر بود. درست همانطور که رابطه ما نیز هست. با اینکه کتاب مقدس در دوران جوانی عیسی سخنی از دعا به میان نمی‌آورد (تا سن ۳۰ سالگی)، اما از دعا‌های عیسی در طی سه سال خدمت می‌توان دریافت که عادت به دعا از سالها پیش در مسیح رشد کرده بود. مسیح در دعا در رابطه با نقشه‌الهی چه چیزی را می‌توانست بیاموزد؟

دیسپلین

مسیح به دیسپلین دعا سر تسلیم فرود آورد. دعا تمرین آسانی نیست. بندرت جسم راغب می‌شود تا دعا کند. در واقع پیروزی‌های روحانی که از طریق تقلای در روح‌القدس حاصل می‌شود، اغلب به قیمت عذاب کشیدن در جسمهای ماست. جسم

ما اغلب تمایل به این دارد که خود را در چنین کشمکشهایی درگیر نسازد.

این اصل بوضوح در تجربه دعای جتسمانی مسیح آشکار گردید. ما عیسی را در آن باغ در ورطهٔ جریانی پویا از تسلیم می‌بینیم. تسلیم در مقابل ارادهٔ تغییر ناپذیر خدا. او گفت "پدر اگر ممکن است این پیاله از من بگذرد". (متی ۲۶:۳۹).

فریاد او، فریاد یک انسان واقعی بود که طرق خدا را می‌آموخت. درمیان آن تنش، در تقلای آن دعاف جسم او به چنان درجه‌ای از تحلیل رسید که عرق خون از صورت او می‌چکید (لوقا ۲۲:۴۴).

آنچه باید انجام دهید

۴) متی ۴۰:۴۱-۴۱ را بخوانید. شاگردان به این دلیل دعا نمی‌کردند چون

- (a) مطمئن نبودند چگونه دعا کنند.
- (b) در آن لحظه اشتیاق به دعا نداشتند.
- (c) اجازه دادند امیال جسم بر آنها حاکم شود.

بدن انسان همیشه بدنبال راحتی فیزیکی است. امیال جسم ما را به دعا و شفاعت نمی‌کشاند. مسیح این حقیقت را بخوبی آموخت، با اینکه طبیعت انسانی کاملی داشت که لعنت ناشی از گناه آدم نتوانسته بود بر آن لکه‌ای بگذارد.

وابستگی

مسیح به خوبی آموخت که چطور در دعا می‌تواند بر پدر متکی باشد. در خدمت عیسی مسیح هر هدایت جدید بعد از دعای زیاد حاصل می‌شد. عیسی پیش از اینکه ۱۲ شاگرد خود را انتخاب کند، شب را در دعا به صبح آورد. با اینکه کلمات دعای او در کتاب مقدس نیامده است، اما با اینحال در روز بعد شاگردان خود را با اطمینان کامل به نزد خود دعوت نمود (لوقا ۶: ۱۲-۱۶).

در کتاب مقدس، دعای عیسی که قبل از شروع دوران رنج و عذاب او انجام گرفت، ثبت شده است (یوحنا ۱۷). در این دنیا ما به وسعت رابطه شخصی او با پدر پی می‌بریم. دعای او آن چنان واقعی و آن چنان شخصی بود که انسان می‌تواند تقریباً پدر را در آنجا تصویر کند. مسیح، در این دعا رابطه‌ای را که با پدر داشت و نیز امانت خود را در رابطه با آنهایی که پدر به او عطا کرده بود، یادآور شد. دعای عیسی، دعایی کاملاً وابسته بود.

ارتباط مؤثر

مسیح کاملاً آموخت که دعا مؤثرترین روش ارتباط با خداست. همه چیز که او برای آن دعا می‌کرد، اتفاق می‌افتاد. زمانی که در آب، تعمید می‌گرفت، دعا کرد و روح القدس به شکل کبوتری از آسمان پایین آمد و بر او قرار گرفت (لوقا ۳: ۲۱-۲۲).

عیسی، شاگردان خود را به علت دعا نکردن شدیداً سرزنش نمود. زیرا آنها قادر نبودند، پسر بچه‌ای را از دست روح شریری که بر او حاکم شده بود برهانند (مرقس ۹: ۱۹ و ۲۸-۲۹). عیسی فرمود که پیروزی بعثت دعا حاصل شده است. قدرت او، بر دعا‌های او شهادت می‌داد.

عیسی زمانی که ایلعازر را زنده می‌ساخت، دعا کرد (یوحنا ۴۴: ۱۱). او دائماً در دعا طابقت و هدایت پدر بود. او کاملاً آموخته بود که دعا مؤثرترین وسیله ارتباط با خداست.

آنچه باید انجام دهید

۵) عیسی از طریق دعا سه موضوع را بخوبی فراگرفت. در مورد آنچه که شما نیز از طریق دعا آموخته اید، فکر کنید. در دفتر یادداشت خود، توصیف کوتاهی از تجربیاتی که داشته‌اید، بیان کنید و معلوم دارید که در کدامیک از حوزه‌های زیر محتاج فراگیری بیشتر هستید:

(a) دیسپلین

(b) وابستگی

(c) ارتباط مؤثر

مسیح از آنچه که تجربه می کرد، می آموخت

مسیح از طریق تجربه چیزهای زیادی آموخت. انسان زمانی که چیز را تجربه می کند، به شناختی دست می یابد که کاملاً از شناختی که صرفاً از طریق دانستن کسب کرده باشد و خود مطلقاً از آن جدا مانده باشد، فرق می کند.

قدوسیت خدا بوسیله همین جدایی مشخص می شود. عیسی، در مقام فرزند خدا برای الحاق به گناهکاران نیامد، بلکه برای الحاق به انسان. هدف او این بود که در تجربه انسانی سهیم شود، اما کماکان مقدس بماند.

مسیح از تجربه انسان شدن خود، چه چیز دیگری می توانست بیاموزد که تا بحال نمی دانست؟

پیروزی بر وسوسه

مسیح از تجربه وسوسه خیلی چیزها آموخت. وسوسه، چیزی نبود که فقط آن را مشاهده کرده باشد. وسوسه قدرتی بود که به او فشار می آورد، آنچه را که غلط است، انجام دهد. به چگونگی وسوسه مسیح در بیابان توجه کنید (لوقا ۴: ۱-۱۳). او به وسیله روح القدس به بیابان برده شد و چهل روز غذایی برای خوردن نداشت. در خلال این چهل روز از سوی شیطان با وسوسه های گوناگونی روبرو گردید. در زمانی که با سه وسوسه مکتوب در کتاب مقدس روبرو می شد (که احتمالاً آخرین وسوسه های بودند) گرسنه و خسته و از نظر جسمانی کاملاً ضعیف شده بود. او محدودیتهای انسانی خود را به

شدت احساس می‌کرد. برخی از کارهایی که برای انجام وسوسه می‌شد، کارهایی بودند که بنظر غلط نمی‌رسیدند، بویژه تبدیل کردن سنگ به نان.

تمام امید جهان برای تمام ابدیت به این بستگی داشت که مسیح علیرغم گرسنگی و خستگی و ناتوانی و یا شرایط دیگر بتواند اراده پدر را بداند و از آن پیروی کند. یک چنین برخورد و مخاصمه‌ای، تجربه وسوسه است.

پیروزی مسیح را با شکست دیگران مقایسه کنید. عیسو به شکار مشغول بود که بوی آتش یعقوب به مشامش رسید و آن بو قویتر از آن بود که بتواند در مقابلش مقاومت کند (پیدایش ۲۵:۲۷-۳۷). هنوز از بودن قوم اسرائیل در بیابان چندی نگذشته بود که جهت داشتن تنوع غذایی در گذشته، نزدیک بود به مصر باز گردند (خروج ۱۶:۱-۳).

عیسی از طریق تجربه خیلی چیزها آموخت. او به ضعف جسم و ذهن پی برد و کارآیی قدرت کلام خدا را در مبارزه با وسوسه تجربه کرد. او نسبت به ضعف، با ما همدردی می‌کند، ولی گناه را تحمل نمی‌نماید (عبرانیان ۴:۱۵).

آنچه باید انجام دهید

(۶) تجربه وسوسه مسیح نشان می‌دهد که

a) وسوسه‌ها زمانی حمله‌ور می‌شوند که ما ضعیف هستیم و قوت چیرگی بر آنها را نداریم.

- (b) او حقیقتاً مانند ما با وسوسه روبرو شد.
- (c) ما می‌توانیم با بکار بردن کلام خدا بر وسوسه پیروز گردیم.
- (d) پیروزی بر وسوسه حتی زمانی هم که ضعیف و ناتوانیم، امکان پذیر است.

اطاعت

مسیح از طریق تجربه عذاب خود، اطاعت را آموخت. در بهشت آسمانی برای پسر، مطیع پدر بودن، بسیار آسان است. چگونه می‌توان چیز دیگری انتظار داشت؟ اما کار مشکلی است که انسان در روی همین زمین مطیع پدر باشد. این دو را اصلاً نمی‌توان با هم مقایسه کرد. اطاعت بشر در شرایطی صورت می‌گیرد که تمامی نیروهای جهان طبیعی با آن به مخالفت برخاسته‌اند. تمام قدرتهای سقوط کرده بر علیه آن کار می‌کنند و تمامی قدرت شیطان با آن در ستیز است.

یک چنین اطاعتی را از طریق درد و رنج می‌توان آموخت (عبرانیان ۵: ۸). طریق دیگری وجود ندارد. زمانی که می‌گوییم لازم بود که مسیح جسم بی‌پوشد و انسان شود تا آنچه را که می‌دانیم او نیز بداند و همانطور که ما باید اطاعت بکنیم، او نیز اطاعت کند. کتاب مقدس را غلط تفسیر نکرده‌ایم.

مخالفت انسانها برای قادر مطلق چه معنایی می‌توانست داشته باشد؟ مرگ برای او که خود حیات بود چه مفهومی می‌توانست

داشته باشد؟ برای یهوه شفا دهنده، درد چه می‌توانست معنی دهد؟ برای او که منبع نامحدود برکات بود، نیاز او احتیاج چه معنایی می‌توانست داشته باشد؟ اگر یک فنجان از آب اقیانوس را برداریم، آیا کسی می‌تواند تصور کند که این امر چه تأثیری در اقیانوس می‌گذارد؟

اما برای مسیح، جسم پوشیدن - انسان شدن نهایت تجربه محدودیت بود. انسان شدن طریقی بود که مسیح بوسیله آن یاد گرفت تا در مقام یک انسان از اراده خدا اطاعت کند.

آنچه باید انجام دهید

(۷) مسیح از طریق تجربه عذاب خود اطاعت را یاد گرفت زیرا او

(a) هیچ شناختی از عذاب و درد نداشت.

(b) اراده خدا را به عنوان یک انسان انجام داد، نه به عنوان

پسر خدا در اعلی علّیین.

(c) قبل از اینکه انسان شود، مطیع اراده خدا نبود.

(۸) طرقي را که مسیح به توسط آن تبعیت از اراده خدا را آموخت،

مشاهده کردیم. هر یک از جملاتی را که یکی از این طرق را

بیان می‌دارند، بخوانید. آنگاه در دفتر یادداشت خود، آنها را

بر این اساس که چگونه از مسیح در زندگی خود نمونه

می‌گیرید، کامل کنید.

(a) عیسی مسیح، را در بطن تمامی محدودیتهایی که بخشی از تجربه بشری او بود، اراده خدا را بطور کامل انجام داد. من نیز می‌توانم در بطن این محدودیتهایی که بخشی از تجربه من هستند، اراده خدا را بجای آورم.....

(b) مسیح اراده خدا را از طریق دیسیپلین دعا بوسیله..... بیاموزم.

(c) مسیح علیرغم وسوسه، گرسنگی، خستگی، درد، و یا عذاب از اراده خدا تبعیت کرد. من نیز می‌توانم علیرغم این چیزها اراده خدا را تبعیت کنم: وسوسه، گرسنگی، خستگی، درد و عذاب،

مسیح قبل از آمدن به زمین فرزند خدا بود. او قبل از آمدن به زمین همه چیز را می‌دانست. اما زمانی که به آسمان برگشت تا کاهن اعظم ما باشد و ما را به حضور خدای پدر برد، شناخت متفاوتی با خود برد (عبرانیان ۲:۱۲).

چه تشویقی! چه نمونه‌ای! مسیح قبل از ما رفته است. او اراده و نقشه‌ای را که خدا برای او داشت فهمید. او پیروز است.

جواب‌های خود را مقایسه کنید

۵- جواب خودتان. آیا در دعای مسیح اصولی را می‌بینید که نتواند شما را در آموزش و متابعت از ارادهٔ خدا کمک کند؟

۱- (c) صفات بشری

۶- (c) ما می‌توانیم با بکار بردن کلام خدا بر وسوسه پیروز گردیم.
 (d) پیروزی بر وسوسه حتی زمانی هم که ضعیف و ناتوانیم امکان پذیر هست.

۷- (b) ارادهٔ خدا را به عنوان یک انسان انجام داد نه به عنوان پسر خدا در اعلیٰ علّیین.

۳- (a) شخصی که می‌داند برای درک ارادهٔ خدا بایستی بیشتر رشد کند.

۸- جواب خودتان. امیداورم قادر به دیدن طرّقی باشید که بتوانید در زندگیتان از نمونه مسیح اطاعت کنید.

۴- (c) اجازه دادن امیال جسم بر آنها حاکم شود.

درس ۸

چگونگی می‌توانیم به آینده ره یابم؟

...می‌خواهیم آنچه را که باید بکنم بدانم.

آقای رابینسون در تجارت خود دچار ضرر شده بود. در طول چندین سال، این اولین باری بود که او عملاً ضرر می‌دید. مشکل اینجا بود که او واقعاً علت این ضرر را نمی‌دانست. در چنین وضعیتی یک نفر پیدا شده بود که می‌خواست شرکت را از او بخرد. چه باید می‌کرد؟ آیا می‌بایست سریعاً شرکت خود را بصورت نقد می‌فروخت و یا اینکه صبر می‌کرد و به سود احتمالی آینده چشم می‌دوخت؟ یکاش از آینده خبر داشت.

آقای رابینسون به همان کاری دست زد که دیگر مردم در چنین مواقعی دست به دامان آن می‌شوند. پیش یک فالگیر رفت. اگر این فالگیر آینده را به او می‌گفت، او می‌فهمید که چگونه باید عمل کند. فالگیر به او گفت که در میان کارمندان او فردی ناصالح می‌بیند، فردی که آقای رابینسون به او اعتماد کرده است و بزودی سعی خواهد کرد تا صاحب شرکت شود. فالگیر در واقع معتقد بود که این شخص مسئول ضرر و زیانی است که اکنون گریبان شرکت را گرفته است.

آقای رابینسون سریعاً اقدام کرد. او معاون خود آقای کیسی را اخراج نمود. آقای کیسی سالها فرد مورد اعتماد او بود، اما آقای رابینسون احساس می کرد که فالگیر اشتباه نمی کند.

همان شب آقای رابینسون به کلیسایی که در آن عضویت داشت رفت. روح القدس در کلیسا او را نسبت به کاری که کرده بود، ملزم نمود. آقای رابینسون از اینکه پیش فالگیر رفته بود، توبه کرد و به دنبال آقای کیسی رفت تا از او بخشش بطلبد. اما اتفاق هولناکی روی داده بود. آقای کیسی خودکشی کرده بود. بعدها ثابت شد که آقای کیسی در زمینه ضرر و زیان شرکت، کاملاً بی تقصیر بوده است.

چه چیزی در انسان است که او را تا اینحد نسبت به دانستن آینده مشتاق می نماید؟ آیا این اشتیاق نادرست است؟ در این درس خواهید دید که خدا نسبت به آینده چه نقطه نظری را از شما طالب است و در این مورد چه چیزی آشکار کرده است.

آنچه در این درس خواهید خواند...

نقشه خدا برای آینده

چرا خدا مکاشفه خود را محدود می کند

نقشه خدا برای امروز

این درس به شما کمک خواهد کرد تا.

△ نسبت به آینده با منش درستی بنگرید

△ تشریح کنید که چرا خدا از آینده چیزهایی به ما نشان می‌دهد ولی به سایرین نه.

△ هر روزه از نقشه روزانه الهی پیروی کنید.

نقشه خدا برای آینده

تذکر این نکته شایان اهمیت است که بشر تنها مخلوقی است که می‌تواند درباره آینده بیاندهد. حیوانات براساس غریزه‌ای که دارند، برای آینده خود غذا ذخیره می‌کنند، اما بشر در مورد آینده فکر می‌کند و حتی بر آن می‌شود که آینده را در جهت تأمین منافع خود کنترل کند. بشر توان اندیشه در مورد آینده را خود به شخصه توسعه نداده است، بلکه این توان از جانب خدا عطا شده است. توان اندیشیدن، بخشی از صفات مخلوقی است که به صورت خدا آفریده شده است.

خطر در این اشتیاق نیست که بشر می‌خواهد آینده را بداند. خطر در این واقعیت خوابیده است که بعضی اوقات آگاهی بشر از آینده می‌تواند او را بجای اینکه به انجام اعمال حکیمانه وادارد به انجام اعمالی وادار کند که احمقانه است.

بین این دو مورد که دعا کنید تا آینده را بدانید و دعا کنید تا نسبت به اراده خدا آگاهی پیدا کنید، تفاوت وجود دارد. ما معمولاً به این دلیل می‌خواهیم نسبت به آینده آگاهی داشته باشیم که

بتوانیم تصمیمات درستی اتخاذ کنیم و درست عمل نماییم. اما زمانی که می‌خواهیم ارادهٔ خدا را بدانیم به این معنی است که ما می‌توانیم آنچه را که از ما می‌خواهد، انجام دهیم.

آنچه باید انجام دهید

(۱) کدام یک از بیانات زیر منش درستی را نسبت به آینده بیان می‌دارد؟

(a) من به این دلیل می‌خواهم نسبت به آینده آگاهی پیدا کنم چون مرا قادر می‌کند تا اعمالی را که لازم است انجام گیرند بدانم.

(b) من دوست دارم از نقشه خدا با خبر باشم چون می‌توانم آنچه را که او از من می‌خواهد انجام دهم.

آنچه که خدا آشکار کرده است

خدا بر آن شده است تا برخی از ما را نسبت به آینده آگاهی بخشد، حوادثی که به صورت پوشیده همانند یک سری پانورا ما در کتاب مکاشفه یوحنا که آخرین کتاب کتاب مقدس است، آمده است.

یوحنا چندین بار آنچه را که جزء به جزء دیده، توصیف می‌کند. اما علیرغم آنچه که او نوشته است، محققین کتاب مقدس با آنچه که بر اساس کتاب مکاشفه قرار است اتفاق افتد دقیقاً موافق

نیستند. شاید زمانی که خدا آینده را نشان می‌دهد، قبول آن به دلیل اینکه ما در زمان حال محصوریم، مشکل باشد.

چگونه می‌توان بازگشت واقعی و شخصی عیسی مسیح را به زمین و یا سلطنت هزار ساله مقدسین را متصور شد؟ (مکاشفه ۷:۱، ۲۰:۱-۶). عجیب نیست که بسیاری از رؤیاهای یوحنا بدین شکل بنظر غیر واقعی آیند. از آنجا که عادت نداریم اتفاقات را در یک مجموعه ناآشنا ببینیم، مشکل می‌توانیم کلام او را بدرستی تفسیر کنیم.

اما با اینکه در تفسیر پیام یوحنا مشکلاتی وجود دارد، اما با اینحال در مورد آینده مطالبی کاملاً روشن و واضح‌اند. زمانی که ساعت خداوند فرا رسد جهان تغییر خواهد یافت. تمدنی که بشر ساخته است، ازبین خواهد رفت، ولی خود بشر زنده خواهد ماند. مسیح دخالت خواهد کرد و ملکوت خود را برقرار خواهد ساخت. شریر دواری خواهد شد و داغی که بر زمین زده شده است، برداشته خواهد شد. شیطان مؤلف شرارت و بدی تا به ابد تنبیه خواهد گردید.

ما عوض خواهیم شد! جسم، جلال خواهد یافت و دانش ما کامل خواهد شد. نجات تکمیل خواهد گردید. شما شخصاً کامل خواهید شد و در اراده کامل خدا قرار خواهید داشت. مسیح به عنوان معمار، کار خود را با شما تمام خواهد کرد. ملکوت او تکمیل خواهد شد.

درک این مطلب که چرا خدا بیش از این به ما نگفته است، آسان است. زیرا تصور آنچه که او می‌فرماید برای ما مشکل است.

آنچه باید انجام دهید

(۲) در مقابل هر یک از جملات درست زیر علامت بزنید.

(a) توصیفاتی که یوحنا در مورد آینده بیان می‌دارد، بسیار عجیب و غریب‌اند، زیرا او از چیزهای غیر واقعی سخن می‌راند.

(b) کتاب مکاشفه می‌گوید که عیسی مسیح شخصاً به زمین برخواهد گشت.

(c) خدا چیزی در مورد آینده برای ما آشکار نمی‌سازد، زیرا می‌داند که از آن به صورت غلط استفاده خواهیم کرد.

(d) نقشه‌ای که خدا برای ما دارد از کاملیت برخوردار است.

هدف خدا از مکاشفه

با اینکه در مورد آینده چیزهای بسیار اندکی می‌دانیم، با اینحال سعی می‌کنیم که خدا را در انجام آن "کمک" کنیم! نمونه‌ای از این امر را در کتاب مقدس می‌توان یافت، پیدایش ۱۶، داستان ابراهیم و هاجر. تلاشهای انسانی ما مبنی بر اینکه وعده خدا را عملی کنیم اغلب به ناراحتی و ماتم منتهی می‌گردد نه به برکت و شادی. خدا چشم‌انداز کوچکی از آینده را با ما در میان گذاشته است. تا امیدوار باشیم و بدین ترتیب بر آن نخواهیم شد تا شیوه‌ای

را بکار بندیم که توسط آن حوادث آینده بوقوع پیوندند. عیسی شادی غایی نقشه‌ای را که پدر برای او داشت، دید. شادی‌ای که برای او مقرر شده بود او را وادار نمود صلیب را متحمل گشته و حتی بی‌حرمتی آن را هم ناچیز شمارد (عبرانیان ۱۲:۲). نقشه شیطان این بود که دانشی را که مسیح از آینده داشت (که ملکوت دنیا از آن او خواهد شد)، بکارگیرد و مسیح را وادارد که برای حصول به آن طریق آسان‌تری را پیش گیرد. او بر آن بود که مسیح را وادار کند تا در مقابل او سر تسلیم فرود آورده و او را پرستش نماید (لوقا ۴:۵-۸). اما مسیح دست رد به سینه او گذاشت و به همان طریقی رفت که خدا برایش مقرر کرده بود.

خدا آینده را از آن جهت به ما نشان داده است که بتوانیم با مشکلات حال دست و پنجه نرم کنیم. همان عدم امکان (بطریقی طبیعی) دست یابی به هدفی که او برایمان مقرر داشته است - که کامل باشیم - ما را وامی‌دارد که هر روز از او کمک بطلبیم. او از ما می‌خواهد که در اطاعت از آنچه که او از ما می‌خواهد به فیض و قوت الهی متکی باشیم.

آنچه باید انجام دهید

(۳) جمله زیر را کامل کنید. خدا آینده را به ما نشان می‌دهد تا ما.....

چرا خدا مکاشفه خود را محدود می‌کند

چرا خدا همه چیز را از قبل به ما نشان نمی‌دهد؟ آیا او به ما اعتماد ندارد؟ سؤال در این نیست که به ما اعتماد ندارد، بلکه سؤال اینجاست که ما به او اعتماد نداریم.

اگر ما تمام مراحل را که برای نیل به هدفی در آینده لازم است، ببینیم، عجله خواهیم کرد و در نتیجه بعضی از آنها را طی کرده و از برخی از آنها صرف‌نظر خواهیم نمود و همین امر ممکن است آنقدر ما را عقب نگهدارد که دیگر در نقشه‌ای که خدا برایمان دارد، ننگنیم. ما این الگوی شتاب و یا اجتناب را در زندگی برخی از کسانی که داستان آنها را در کتاب مقدس می‌خوانیم، می‌بینیم.

یوشع تسخیر اریحا را تمام کرده بود و شهر عای هدف بعدی بود. او با ولع عجیبی سعی داشت تا کار را به اتمام رساند. (چه کسی از پیروزی لذت نمی‌برد!) به همین دلیل نیز با شتاب و بدون طلبیدن هدایت الهی به طرف عای حرکت کرد. نتیجه این کار فلاکت بار بود (یوشع ۲:۷-۵).

داود تلاش نمود تابوت عهد را (صندوق مقدسی حاوی یک نسخه از عهده‌ای که خدا با اسرائیل بسته بود) هرچه زودتر به اسرائیل برگرداند. این هدف عالی شدیداً او را در خود غرق ساخته

بود، به همین جهت نیز سعی کرد ابتکار به خرج دهد و برخلاف آنچه که خدا قبلاً مقرر کرده بود (خروج ۱۲:۲۵-۱۴، یوشع ۳:۳-۴)، صندوق عهد را روی ارابه‌ای گذاشت. باز نتیجه‌ای که از آن حاصل شد، پیشرفت سریع‌تر ملکوت خدا نبود بلکه فلاکت و بدبختی (دوم سموئیل ۶:۶-۸).

قبول این مطلب که مسیح به عنوان مرحله میانی نجات، خود را روی صلیب قربانی نماید، برای پطرس بسیار سنگین بود (متی ۲۲:۱۶). او می‌خواست بجای اینکه در آن تجربه همراه عیسی باشد، با شمشیر بجنگد (۱۸:۱۰-۱۱).

بعضی اوقات معنی واقعی این جمله که می‌گوییم "می‌خواهیم بدانم اراده خدا برای من چیست" بدین صورت در می‌آید "می‌خواهیم از نقشه خدا باخبر باشیم تا بتوانم آنچه را که باید انجام داد، بدانم."

آنچه باید انجام دهید

(۴) مهم‌ترین دلیلی که خدا بخاطر آن مکاشفه خود را نسبت به آینده محدود می‌کند این است که

(a) آگاهی ما از آینده آن را تغییر نخواهد داد.

(b) ما اغلب سعی می‌کنیم شتاب کنیم و از انجام مراحل میانی سر باز زنیم.

(c) برای ما درک این مطلب مشکل می‌نماید که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد.

۵) دوم پطرس ۳: ۱۰-۱۱ را بخوانید. در دفتر خود توصیف نمایید که بر اساس این آیه پاسخ و عکس العمل ما در مقابل این پیشدانی که آسمان و زمین از بین خواهند رفت، چیست؟

نقشه خدا برای امروز

نقشه‌ای که خدا امروز برای زندگی شما دارد چیست؟ او از شما خواهان انجام چه کاری است؟ انواع مختلفی از تجربیات روحانی وجود دارند. برخی از تجربه‌هایی که در مسیح داریم یکبار و برای همیشه اتفاق می‌افتند. تولد تازه یکی از آنهاست، زیرا خدا نجات ابدی خود را عرضه می‌دارد.

برخی دیگر از تجارب حالت فصلی دارند. درست مانند دوره‌هایی که در طبیعت وجود دارند، این تجربیات نیز در زمانها و مواقع بخصوصی از زندگی روحانی ما دوباره اتفاق می‌افتند، تجدید و یا همان زمان بخصوص احیاء روحانی ما نیز از این گونه موارد است. ما همیشه در دوران احیا به سر نمی‌بریم. ما "باران" را - که همان احیای روحانی باشد - در فصل باران می‌خواهیم. خدا طبیعت این فصلها را از طریق خدمت روح و کلام روشن و آشکار می‌نماید. معمولاً علائمی هستند که نیاز به احیای روحانی را مشخص می‌کنند و اینکه خدا نیز برای انجام این احیاء روحانی اشتیاق دارد، درست همانطور که در طبیعت علائمی از آمدن فصول را می‌توان مشاهده کرد.

آنچه باید انجام دهید

(۶) آن تجربه روحانی را می‌توان فصلی خواند که ...

(a) نوبتی اتفاق می‌افتد

(b) فقط یکبار اتفاق می‌افتد

(c) مداوماً اتفاق می‌افتد.

اما همراه با تجارب فصلی و تجارب برای همیشه، تجاربی نیز هستند که روزانه اتفاق می‌افتند. خدا ما را در دنیایی قرار داده است که در آنها دوره‌های روزانه حاکم است. از آنجا که ما روز بروز زندگی می‌کنیم، اصول روزانه مشخصی وجود ندارند که خدا از ما می‌خواهد این اصول را هر روز متابعت نماییم. انجام اراده او بصورت اساسی آنست که ما هر روزه آنچه را که می‌دانیم اراده خداست، انجام دهیم.

بگذارید لحظه‌ای به آنچه که از ما انجام روزانه آنها را می‌طلبد، نگاهی بیندازیم و سپس وعده‌های او را بررسی کنیم. زمانی که خیمه اجتماعی حضور خدا، مرکز پرستش دوران عهد عتیق بود، وظایف بخصوصی می‌بایست توسط افراد مشخصی که لایوان و یا کاهنان خوانده می‌شوند صورت می‌گرفت. این کارها هر روز بایستی انجام می‌شد. بدون انجام این اطاعت روزانه، برگزاری مراسم سالانه و اعیاد محال او بی‌معنی بود!

زکریا مشغول انجام وظایف کهنات روزانه بود که جبرئیل فرشته به او گفت که صاحب پسری خواهد شد و آن پسر قوم خدا را

برای آمدن خداوند، آماده خواهد ساخت (لوقا ۸: ۱-۱۷). این اتفاق زمانی روی داد که حنا نبیه پیر مشغول دعای روزانه خود در هیكل بود و این امتیازی بزرگ برای او محسوب می‌شد. همین نبیه بر برگزیدگی خود مسیح و نجات جهان شهادت داد (لوقا ۲: ۳۶-۳۸).

کار روزانه ما چیست؟

بعد از روز پنطیکاست کلیسا موفقیت‌های زیادی کسب کرد (اعمال ۲: ۴۰-۴۱). رفتار و منش مؤمنین با اعمالی مشخص می‌شد که آن اعمال باعث می‌گشت برکت الهی کماکان با آنها باشد و بماند. آنها پرستش روزانه خود را طوری انجام می‌دادند که گویی کاهنان دوران عهد عتیق وظایف خود را بجا می‌آورند. الگویی که آنها از آن متابعت می‌کردند، چه بود؟ بگذارید این مطلب را آنطور که در اعمال ۲: ۴۴-۴۷ توصیف شده است، دریابیم.

اول، آنها هر روز رابطه خود را با برادرانشان به شکلی درست حفظ می‌کردند. آنها با یکدیگر مشارکت نزدیکی داشتند.

چیزی نمی‌تواند انسا را مانند داشتن رابطه غلط با دیگر مردم، از شنیدن صدای خدا محروم نماید. تلخی رنجش، حسادت و یا دیگر احساسات غلط مطمئناً توان شما را در اینکه عکس‌العملی درست در مقابل صدای خدا داشته باشید، تحلیل می‌برند. بهتر است که چگونه روابط خود را با دیگران هر روز بررسی کنید. کتاب مقدس می‌گوید که اگر در خلال روز رابطه‌ای به علّتی از بین

برود و یا قطع گردد، کاری کنید که پایان روز شاهد تداوم آن علت، آن تلخی و آن گسستگی نباشد (افسیان ۲۶:۴).

آنچه باید انجام دهید

۷) در دفتر یادداشت خود اسامی تمام افرادی که بخش مهمی از زندگی روزانه تان را اشغال می کنند بنویسید. آیا رابطه شما با هر یک از آنها بر پایه درستی استوار است؟ عادت کنید که این رابطه‌های را هر روزه بررسی نمایید و آنچه را که برای نگهداری آنها در همان پایه‌های درست لازم است، انجام دهید.

به غیر از اتحادی که در اعمال ۴۶:۲ بیان می شود، شکی نیست که تشویق و ترغیب نیز در میان آنها حاکم بوده است. عبرانیان ۳:۱۳ مستقیماً به ما دستور می دهد که یکدیگر را کمک و تشویق نماییم.

بنابراین کلام خدا، در اصل، به ما می گوید که باید هر روز رابطه خود را با دیگران زیر سؤال بگذاریم و از درستی آن رابطه مطمئن گردیم. در اینصورت است که می توانیم خدمت کنیم و دیگران را یاری نماییم. با ذهن احیا شده ای که بر طبق رومیان ۱۲:۱-۲ دارید فرصتهای انجام این کار را مشاهده خواهید کرد.

دوم، آنها هر روزه خدا را حمد می گفتند (آیات ۴۶ و ۴۷). حمد و پرستش کار روزانه فرزند خداست. این پرستش ممکن است به

شکل قربانی اطاعت متجلی شود، اما مطمئناً با بیان شادی و نیکویی خداوند تمام خواهد شد.

سؤم، تخصیص و خوانده شدگی خود را هر روز تجدید می‌کردند. نمونه‌ای که در اعمال ۲ آمده است نشان می‌دهد که مؤمنین چگونه خوانده شدگی و تخصیص خود را در عمل ظاهر می‌کردند. مسیح فرمود هر کسی که می‌خواهد او را متابعت نماید، بایستی صلیب خود را بردارد و هر روز او را متابعت نماید (لوقا ۲۳:۹). اما همین مسیح باز می‌فرماید که ما هر روز نیازمندیم این مطالب را بخود یادآوری کنیم که به خدا تعلق داریم. خارج از آن منش و ذهنیت همه چیز برای جلال نام خدا انجام خواهد گرفت.

داود بخوبی آموخته بود که تخصیص و خوانده شدگی این امر را نیز شامل می‌شود که هر آنچه را که به خدا قول داده و یا نذر کرده، ادا کند (مزمور ۸:۶۱).

چهارم، شکی نیست که آنها برای رفع احتیاجات روزانه خود متکی بر خدا بودند.

این امر می‌تواند الگوی ما هم باشد. مسیح از ما خواست که اینطور دعا کنیم: "نان کفاف ما را هر روز به ما بده" (متی ۱۱:۶).

آنچه باید انجام دهید

(۸) در مقابل هر یک از توصیفات زیر که بخشی از عمل اطاعت روزانه شما به حساب می‌آیند، علامت بزنید.

(a) روزه به مدت طولانی

(b) تمجید و پرستش

(c) وقف خود به خدا

(d) نگهداری روابط خود با دیگران بر پایه‌ای صحیح

(e) تجربه کردن تولد تازه

(f) توکل به خداوند در نیازهای روزانه

بنابراین ارادهٔ خدا سخت نیست. ما زمانی در این مورد دچار سرگیجه می‌شویم که افق روشن را با عنوان کردن مطالبی دیگر، تیره و تار می‌نماییم. در اطاعت روزانه ما، خدا ما را در تصمیم‌گیری‌هایی که برای زندگیمان اهمیت دارند، هدایت خواهد کرد.

خدا چه وعده فرموده است؟ خداوند فرموده است که هر روزه فیض خود را تجدید خواهد نمود و ما را کمک خواهد کرد مزبور (۱۹:۶). ما خزانه الهی را با نیازهایی که ممکن است فردا و فرداها داشته باشیم خالی نمی‌کنیم بلکه از آنچه که برای امروزمان تدارک دیده است، بهره‌مند می‌گردیم.

این سیکل روزانه ماست...خدا آن را بنیاد نهاده است. این سیکل روزانه با اولین انسان که آدم باشد نیز بود. این مطلب را در پرستش روزانه قوم اسرائیل می‌توان دید. در کلیسا عهد جدید هم

این سیکل به چشم می خورد. و در این سیکل روزانه خدا ما را یاری می نماید.

آنچه باید انجام دهید

(۹) شاید تا بحال متوجه شده اید که بایستی از یک، دو، سه، و یا چهار موردی که در این بخش از درس بیان شد هر روز اطاعت کنید. در دفتر یادداشت خود جملات زیر را که در رابطه با اطاعت روزانه آمده است، کامل کنید:

(a) (در رابطه با درس ۷) من هر روز احتیاج دارم که روابط

خود را با این افراد بررسی کنم:

(b) یکی از طرقی که می توانم وقت بگذارم و خدا را هر روز

پرستش کنم عبارتست از.....

(c) تجدید کردن خوانده شدگی و وقف خود به خداوند در

هر روز، به این معنی است که من باید.....

(d) ما محتاجیم که در برطرف شدن نیازهای به خدا

توکل کنیم.

شما اینک به پایان کتاب "طرح الهی، انتخاب شما" رسیدید.

امیدوارم که این دروس شما را در شناخت نقشه و اراده ای که خدا برایتان دارد، یاری کرده باشد. خدا شما را در اطاعت روزانه تان برکت دهد و فیض عطا فرماید تا آنچه را که آموخته اید در عمل بکار گیرید.

حال آماده هستیید تا سؤالات مربوط به دروس ۵-۸ را پاسخ دهید. این دروس را مرور کنید و سپس طبق دستورالعمل داده شده، عمل نمایید. زمانی که می‌خواهید برگهای پاسخ را به معلم خود بفرستید، دوره دیگری را درخواست نمایید.

جواب‌های خود را مقایسه کنید:

۵- بایستی زندگی مقدسی که وقف خداوند باشد، داشته باشیم.
(جواب شما بایستی شبیه این باشد.)

۱- (b) من دوست دارم از نقشه خدا باخبر باشم چون می‌توانم بدین وسیله آنچه را که از من می‌طلبید، انجام دهم.
۶- (a) نوبتی اتفاق می‌افتد.

۲- (a) غلط

(b) درست

(c) غلط

(d) درست

۷- جواب خودتان. آیا کسی هست که باید او را ببخشید؟ آیا باید از کسی بخواهید که شما را ببخشد؟ اگر روابط گسسته‌ای با کسی دارید از خدا بخواهید آنچه را که باید در این زمینه انجام دهید به شما نشان دهد.

۳- جواب خودتان. جواب پیشنهادی: شادی داشته باشیم و بدانیم چگونه نسبت به حال پاسخ و عکس‌العمل داشته باشیم.

۸- b) تمجید و پرستش

c) وقف خود به خدا

d) نگهداری روابط خود با دیگران بر پایه‌ای صحیح

f) توکل به خداوند در نیازهای روزانه

۴- b) ما اغلب سعی می‌کنیم شتاب کنیم و از انجام مراحل میانی سرباز زنیم.

۹- جواب خودتان. امیدوارم آن طرقي را توصیف کرده باشید که می‌توانید در آن طرق هر یک از این اصول را در زندگی‌تان بکار گیرید.

کلام آخر

کتابی که خواندید با دیگر کتابها فرق دارد، زیرا توسط افرادی نوشته شده است که به سرنوشت شما اهمیت می‌دهند. این افرادی انسانهای خوشبختی هستند، زیرا تقریباً توانسته‌اند به تمام سؤالاتی که ذهن بسیاری را بخود مشغول داشته است، پاسخ گویند. این انسانهای خوشبخت بر این باورند که خدا از آنها می‌خواهد جوابهایی را که یافته‌اند با دیگران نیز در میان نهند. آنها ایمان دارند که شما هم به برخی اطلاعات مهم احتیاج دارید تا مشکلات و مسائل خود را پاسخ گویند و به آن شیوه‌ای از زندگی دست یابید که برایتان بهترین شیوه محسوب می‌گردد.

آنها این کتاب را به این منظور تهیه دیده‌اند تا اطلاعاتی را که لازم دارید در اختیارتان بگذارند. این کتاب بر پایه این حقایق بنیادی استوار است:

- ۱- شما به یک منجی احتیاج دارید. رومیان ۳:۲۳ و حزقیال ۱۸:۲۰ را بخوانید.
- ۲- شما خود از نجات خویش عاجزید. اول تیموتاؤس ۲:۵ و یوحنا ۱۴:۶ را بخوانید.
- ۳- خدا علاقمند است که دنیا نجات یابد. یوحنا ۳:۱۶-۱۷ را بخوانید.

۴- خدا عیسی را فرستاد تا جان خود را در راه نجات تمام کسانی که به او ایمان می‌آورند، فدا کند. غلاطیان ۴:۴-۵ و اول پطرس ۱۸:۳ را بخوانید.

۵- کتاب مقدس طریق نجات را به ما نشان می‌دهد و چگونگی رشد در زندگی مسیحی را به ما می‌آموزد. یوحنا ۵:۱۵، ۱۰:۱۰ و دوم پطرس ۱۸:۳ را بخوانید.

۶- شما هستید که بر سرنوشت ابدی خود تصمیم می‌گیرید. لوقا ۱۳:۱-۵، متی ۲۲:۱۰-۳۳ و یوحنا ۳:۳۵-۳۶ را بخوانید.

این کتاب به شما خاطر نشان می‌کند که چگونه در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرید و فرصتی عطا می‌کند تا تصمیم خود را بیان کنید. از سویی دیگر این کتاب با دیگر کتابها فرق دارد زیرا فرصتی به شما عرضه می‌دارد تا با آنهایی که آن را تهیه دیده‌اند تماس داشته باشید. اگر سؤالی پیش آمد و یا خواستید که احتیاجات و یا نظریات خود را تشریح کنید. می‌توانید به آنها نامه بنویسید.

